

ایمان به عرلم

براساس

روایت حضرت آیت الله امام خامنه ای مدظله العالی

از ایمان و عمل صالح ملت ایران

بهر روز شامی زاده پاییز ۱۴۰۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ
تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»

(ابراهيم/١٣٩)

طلیعه: ایمان امام به ملت ۴

❖ ۱- نقش مردم، نقش معیار ۴

❖ ۲- قدرت عموم مردم در فهم حقیقت و میل به آن ۵

❖ ۳- قدرت فطرت عمومی در تشخیص و دفاع از انقلاب ۸

❖ ۴- محکوم بودن قدرتهای استکبار در برابر توده‌ها ۱۱

❖ ۵- آغاز دوران توده‌های مردم در عصر امام خمینی ۱۲

فصل اول: جایگاه ایمان به مردم در مکتب انقلاب اسلامی ۱۴

❖ الف. پیوستگی ایمان دینی با ایمان به مردم ۱۴

❖ ب. وابستگی وظایف کلان دینی به ایمان به مردم ۲۱

❖ ج. یگانگی الگوی حرکت عمومی ملت ایران با ایمان به مردم ۳۸

فصل دوم: هویت ایمانی ملت در آئینه روایت امام ۵۱

❖ الف. شجره طیبه جمهوری اسلامی و ملت ایران ۵۱

❖ ب. عناصر هویت ایمانی ۵۸

❖ ج. ابعاد هویت ایمانی ۶۸

❖ د. گستره تاریخی هویت ایمانی ۷۱

❖ ه. جوهره هویت ایمانی ۸۰

❖ و. شاخصه‌مندی و انضباط هویت ایمانی ۹۰

فصل سوم: مجاهدت ایمانی ملت در آینه روایت امام ۹۸

❖ الف: عرصه مقاومت و ایستادگی ۹۹

❖ ب. عرصه بصیرت و دشمن شناسی ۱۲۷

❖ ج. عرصه حضور در صحنه‌های عمومی ۱۳۵

❖ د. عرصه اتحاد و همدلی ۱۳۸

❖ ه. عرصه ایثار و شهادت ۱۴۴

طلیعه: ایمان امام به ملت

امام عظیم‌الشان، این ملت را خوب شناخته بود و من هیچ‌کس را مثل آن بزرگوار ندیدم که با خصوصیات این ملت، این‌گونه آشنا باشد و به او این‌طور ایمان داشته باشد؛ همین‌طور که در قرآن راجع به پیغمبر علیه و علی‌آله‌السلام هست که فرمود: «یؤمن بالله و یؤمن بالمؤمنین»، امام به این ملت ایمان داشت.^۱ در طول این سالها مکرراً افرادی پیش امام اظهار نگرانی میکردند که ممکن است مردم تاب نیاورند و نتوانند این راه دشوار و سنگین را با گامهای امام طی کنند؛ امام میفرمود نه، من مردم را بیشتر از شما و بهتر از شما می‌شناسم؛ و حق با او بود؛ میدانست که مردم اگر تشخیص بدهند که این راه، راه خدا است، همه‌ی مشکلات را در این راه تحمل میکنند. خانواده‌های شهیدداده این فهم امام را تصدیق کردند؛ جوانهای فداکار در طول این سالهای متمادی، این برداشت امام را تأیید کردند؛ اجتماعات عظیم ملت ایران در بزرگداشت دین و مسائل دینی و مباحث انقلابی، این برداشت امام را تأیید کرد. امام به مردم اعتماد داشت؛ هم به **عمل مردم**، و به **انگیزه‌های مردم**، هم به **رای مردم**.^۲

❖ ۱- نقش مردم، نقش معیار

مردم در هر کشوری، در هر جامعه‌ای، اگر چنانچه همت کنند، بصیرت به خرج بدهند، عمل کنند و وارد میدان بشوند، می‌توانند همه‌ی مشکلات را حل کنند. یعنی بزرگ‌ترین کوه‌ها در مقابل حضور مردم از بین می‌رود؛ می‌توانند کوه‌های بزرگ را جابه‌جا کنند. این یک حقیقت آشکاری است که بسیاری از تحلیلگران اجتماعی در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها آن را

^۱ بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوره‌ی دوم ریاست جمهوری آقای «هاشمی رفسنجانی» ۱۲/۰۵/۱۳۷۲

^۲ بیانات در سالگرد رحلت امام خمینی ره ۱۴۰۲/۰۳/۱۴

درست لمس نکردند، درک نکردند؛ ما این را لمس کردیم.^۳

در همه‌ی تحولات و جنبشهای گوناگون اجتماعی بزرگ، نقش مردم، نقش معیار است. یعنی گسترش یک تحول، گسترش یک فکر، گسترش نفوذ یک مصلح اجتماعی، وابسته‌ی به این است که با مردم چقدر ارتباط داشته باشد. هر چه ارتباط او و آن جریان و آن جنبش و آن تحول با مردم بیشتر باشد، امکان موفقیت او بیشتر است؛ اگر از مردم منقطع شد، دیری نخواهد پائید، کاری نخواهد کرد.^۴ این را هم عرض بکنم که این مخصوص ما ایرانی‌ها نیست. در هر نقطه‌ای اگر کار دست مردم قرار گرفت و مردم دارای هدف بودند- [نه] آدم‌های بی‌هدف، آدم‌های سرگردان در امور زندگی، گرفتار امور روزمره‌ی شخصی، آن‌ها نه- هر جور کاری، سخت‌ترین کارها، کارهای نظامی، کارهای امنیتی، دست مردم وقتی افتاد، صحنه وقتی در اختیار مردم قرار گرفت، پیش خواهد رفت. ... مردم این جورند؛ هر جا صحنه به مردم سپرده شد، انگیزه‌های مردمی، نیروهای متنوع و متکثر مردمی، کارها را پیش خواهد برد. ... این یک قاعده‌ی کلی است.^۵

❖ ۲- قدرت عموم مردم در فهم حقیقت و میل به آن

همه ملیل‌اند حق را تعقیب کنند و به آن عمل نمایند. همه مایل‌اند از باطل اجتناب کنند. البته، غیر از انسان‌هایی که وجودشان به آتش قهر الهی تبدیل شده است و مظهر شیطان‌اند؛ عموم مردم و انسان‌های دارای عقل و انصاف و صفات انسانی، می‌خواهند از باطل اجتناب

۳. دیدار اعضای ستاد بزرگداشت نه دی ۱۳۹۰/۰۹/۲۱

۴. بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۲۰/۰۷/۱۳۹۰

۵. دیدار با مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

بکنند و به حق گرایش پیدا نمایند.^۶

پرسش: اینکه فرمودید توده‌ی مردم مسائل را به خوبی میفهمند، در این رابطه آیاتی مانند «اکثر الناس لا یعلمون» و «اکثر الناس لا یعقلون»؛ یعنی بیشتر مردم نمیدانند و بیشتر مردم نمیفهمند را چگونه معنی میفرمائید؟

در پاسخ باید عرض کنم که: عبارت دوم یعنی «اکثر الناس لا یعقلون»، اصلاً در قرآن چنین چیزی نیست؛ لکن عبارت: «اکثرهم لا یعقلون»، یعنی بیشتر آنان نمیفهمند، داریم، و لذا فرق است بین «اکثر الناس لا یعقلون» و «اکثرهم لا یعقلون»؛ وقتی ما بگوئیم اکثر الناس لا یعقلون، یک قضاوتی است که چند میلیارد انسان را شامل میشود و چنین قضاوتی در قرآن نیست. چگونه بیشتر مردم نمیفهمند؟ و حال اینکه همه‌ی مردم تقریباً میفهمند. اما اگر گفتیم: «اکثرهم لا یعقلون»، یعنی بیشتر «لنّان» نمیفهمند، این ضمیر «هم»، بر میگردد به آن تعبیر و جمله‌ی ماقبلش که غالباً مربوط به کفار است. مثلاً فرض کنید اگر گفته میشود، آیات الهی اینگونه است و خدا مثلاً چنین قدرتی دارد، ولکن، «اکثرهم لا یعقلون»: بیشتر آنها نمیفهمند. این بر میگردد به منکرین چون اگر منکرین میفهمیدند منکر نمیشلند، ولذا بیشتر منکرین آن حقیقتی را که به آنها ارائه شده این را نفهمیدند. و الان هم میشود گفت: وقتی ما حقیقت را بر یک گروهی عرضه میکنیم، میبینیم آنها انکار میکنند و همانطور که در آیه قبل انکارشان ذکر شده، باید بگوئیم که بیشتر آنها نمیفهمند و در عین حال انکار میکنند. پس علت انکار بیشتر مردم نفهمیدن است. [اما] وقتی شما یک حقیقتی را بر گروهی از مردم عرضه کنید اگر قبول کردند معلوم است که میفهمند، و اگر انکار کردند، این انکار آنها حاکی از این است که بیشتر

^۶. 12/07/1368 امام خامنه‌ای مدظله العالی

آنها حقیقت را درک نکردند. [البته] یک عده‌ی اقلیتی هم هستند که حقیقت را درک کرده‌اند لکن از روی عناد قبول نکردند، یک چنین تعبیری در قرآن وجود دارد، اما این، خیلی فرق دارد با اینکه ما بگوئیم اکثر مردم دنیا اصلاً نمیفهمند! چه چیزی را نمیفهمند؟ این نمیفهمند یک چیز مطلق است، مثل اینست که بگوئیم اصلاً دارای فهم نیستند و این غلط است. پس این تعبیر «اکثر الناس لا یعقلون»، در قرآن نیست، اما «اکثر الناس لا یعلمون» یعنی بیشتر انسانها نمیدانند، هست؛ آنها بطور مطلق که گفته باشد اکثر انسانها نمیدانند یعنی هیچ چیز را نمیدانند، چنین چیزی نداریم... پس اینطور نیست که ما تصور کنیم قرآن کریم اکثریت انسانها را بطور مطلق گفته باشد نمیفهمند، تا اگر ما گفتیم توده‌ی مردم مسائل را بخوبی میفهمند، یکی بگوید شما چطور میگوئید بخوبی میفهمند و حال اینکه خدا میگوید نمیفهمند؟ چنین چیزی نداریم که خدا گفته باشد نمیفهمند. حقیقت این است که توده‌ی مردم حقایق و مسائل را به خوبی میفهمند البته هیچ انسانی همه‌ی حقایق را بخودی خود نمیفهمند، اما وقتی کسانی باشند که برای مردم تبیین و روشنگری کنند، توده‌ی انسانها چون غرض ندارند، برخلاف روشنفکران غرب‌زده، مسائل را خوب میفهمند و حقایق را میپذیرند. الان در کشور خودمان بسیاری از حقایق هست که خیلی از روشنفکران نمیفهمند فرضاً امکان ایستادگی در مقابل قدرتهای مستکبر و مسلط امروز عالم را تحلیل‌گران سیاسی نمیفهمند و میگویند مگر میشود در مقابل آمریکا ایستاد؟! شما اگر به تحلیل‌های تحلیل‌گران سیاسی نگاه کنید هر جا که باشند وقتی محاسبه میکنند، میگویند دودوتا چهارتاست، آنها پول دارند، تکنولوژی دارند، پیشرفت‌های علمی دارند، مغزهای فعال دارند، قدرت تبلیغاتی دارند، قدرت سیاسی دارند، قدرت لشگرکشی دارند، بینید با کویت چه کردند؟ با عراق چه کردند؟ و در جاهای دیگر چه کردند؟ چگونه میشود در مقابل آمریکا ایستاد؟ به هر حال اگر واقعاً کار دست تحلیل‌گرها و

حسابگرهای روشنفکر و متخصصین و کارشناسان باشد همه باید بروند در مقابل آمریکا سرخم کنند و بگویند: هر چه شما میفرمائید همان است، اما توده‌ی مردم میگویند چرا نمیشود ایستاد؟ یعنی یک احساس روشنی دارند و اگر چه آن احساس علمی و تحلیلی که مخصوص روشنفکران است را ندارند اما احساس روشن غیرعملی و ادراکی دارند و میگویند چرا نمیشود ایستاد، بعد هم در عمل که نگاه میکنیم میبینیم واقعاً میشود ایستاد! چون وقتی یک ملتی تصمیم گرفت می‌ایستد. امروز هم... یک روشنفکرِ متخصصی که احساسات صحیح و دقیق داشته باشد و مسائل را بدون زاویه‌های دید مخصوص دنبال بکند، بالاخره به همین نتیجه میرسد و میبیند که تمام هم و غم استکبار دنیا این است که عقاید توده‌ها را برگرداند به آن طرفی که خودشان میخواهند، چون اگر عقاید توده‌ها در آن طرفی که آنها میخواهند قرار نداشته باشد، واقعاً نمیشود با آنها مقابله کرد... پس اینکه قدرتهای گردن کلفت، آنجاهایی که افکار و تبلیغاتشان کارگر نشده باشد نمیتوانند کاری بکنند، یک حقیقتی است که این حقیقت را یک متخصص و یک کارشناس و یک اقتصاددان و یک سیاسی حرفه‌ای نمیفهمد، اگر هم بگوئیم: میگوید ممکن نیست با آمریکا در افتاد. لکن توده‌ی مردم این حقیقت و بسیاری از حقایق از همین قبیل را میفهمند، البته مشروط براینکه با توده‌های مردم در میان گذاشته شده باشد.^۷ [زیرا] مردم بدون اطلاع و شناخت حرکتی نمی‌کنند.^۸

❖ ۳- قدرت فطرت عمومی در تشخیص و دفاع از انقلاب

مطلبی که باید همه‌ی ما به آن توجه بکنیم، این است که دفاع از انقلاب و تشخیص مصلحت انقلاب کاری است هم آسان و هم مشکل؛ با یک نظر آسان است، با یک نظر مشکل

^۷. بیانات در جلسه بیست و هشتم تفسیر سوره بقره (پاسخ به پرسش‌ها) ۱۳۷۱/۰۳/۰۶

^۸. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۱/۳/۱۴

است؛ سهل و ممتنع است. آسان است چون فطرت‌های پاک عامه‌ی مردم هم آن را تشخیص می‌دهد. [اگر] شما نگاه کنید به جمعیت عظیم مردم ایران، خواهید دید که از اول انقلاب تا امروز در همه‌ی مسائل، تقریباً عامه‌ی مردم درست فکر کردند، درست تشخیص دادند، راه را خوب شناختند، شبهه و وسوسه و خدشه‌ی در راه مستقیم در آنها به وجود نیامد یا زودگذر بود. لذا مثلاً در جنگ، عموم مردم -از شهرها و روستاها، قشرهای مختلف، زنها، خانواده‌های گوناگون؛ مخصوصاً قشرهای مستضعف و محروم، روستاییان، عشایر، کارگران کارخانه‌ها و دیگران- هرچه در وسع و توانشان بود، برای جنگ انجام دادند. خوب، این بدین معنا است که عامه‌ی مردم و متن جامعه، مصلحت انقلاب را تشخیص می‌دهند و درک می‌کنند. اما از طرف دیگر تشخیص مصلحت انقلاب و دفاع از انقلاب، به نظر میرسد مشکل است؛ چون بعضی از خواص، بعضی از کسانی که ادعا می‌کنند مسائل کشور را یا مسائل سیاسی را می‌شناسند، گاهی اشتباه می‌کنند، غلط می‌فهمند، کج تشخیص می‌دهند و بد عمل می‌کنند. کسانی که ادعا می‌کردند مسائل سیاسی ایران را مثلاً از چهل سال پیش یا سی سال پیش بلد بوده‌اند، گاهی در مسائل واضح امروز درمیمانند. چیزی را که مردم بروشنی می‌فهمند، بعضی از این افراد به اصطلاح صاحب‌نظر و فهیم، این چیز آسان را تشخیص نمی‌دهند. معلوم میشود مشکلاتی هم دارد، خیلی هم آسان نیست.

[به‌عنوان] مثال، در قضیه‌ی جنگ، مردم خوب فهمیدند چه کار دارند می‌کنند. هر کسی به صحنه نگاه میکرد، مطلب دستش می‌آمد. یک جنگی را دشمنان اسلام بر انقلاب تحمیل کردند؛ ریختند به مرزهای ما، ویران کردند، آتش زدند، مردم غیرنظامی را در بیلبانها اسیر گرفتند، فجایع آفریدند، شهرهای ما را گرفتند؛ هر کسی با ذهن سالم وقتی نگاه کند، خواهد فهمید که اینجا وظیفه عبارت است از دفاع کردن و این دشمن را بر سر جای خود نشانندن.

چه کسی بود که با ذهن صحیح و سالم و بی غرض و بی مرض، به قضیه نگاه کند و این را نفهمد؟ خب، معلوم است که اگر یک ملّتی از خودش دفاع نکند، لایق زندگی کردن نیست؛ لایق مستقل ماندن نیست؛ حتّی لایق ترحم نیست. مردم ما خوب فهمیدند که باید بدون اعتماد و اتّکاء به تلاشهای به اصطلاح سیاسی‌ای که در سطح بین‌المللی انجام میگرفت - و هیچکدام به نفع ملّت ایران نبود- و بدون اعتنای به آنها، خودشان مردانه آستین‌ها را بالا بزنند، از لذّات کوچک زندگی بگذرند تا بتوانند سرنوشت خودشان را از دست دشمنان خودشان خارج کنند. لذا دیدید، خودتان بودید شما ملّت عزیز - جوانهایتان، میانسال‌هایتان، پیرمردهایتان، زنهایتان، حتّی نوجوان‌هایتان - که رفتید به میدان جنگ، پشتیبانی کردید، پول دادید، دعا کردید، شعار دادید، به نفع رزمندگان تظاهرات سیاسی راه انداختید، از رهبر بزرگوار و عالی قدر حمایت کردید و کاری کردید که نه فقط دشمن مجبور شد عقب بنشیند و دست از تجاوز بردارد، بلکه به دشمن درس سختی هم داده شد تا همه در دنیا بفهمند که ایران اسلامی آن لقمه‌ای نیست که بشود آن را براحتی فروداد، بشود درباره‌ی آن طبق میل جباران عالم عمل کرد. این را مردم ما خوب فهمیدند. در همان موقع شما میدیدید کسانی بودند که فریاد میکشیدند که جنگ چرا؟ ادامه‌ی جنگ چرا؟ رفتن به جبهه چرا؟ اعتراض میکردند، شب‌نامه پخش میکردند؛ رادیوهای خارجی هم حرف اینها را بزرگ میکردند، در همه‌ی دنیا پخش میکردند؛ از ده‌ها رادیو به گوش ملّت ما میرساندند تا شاید بتوانند عزم ملّت ما را سست کنند که البته نتوانستند؛ معلوم بود که نمیتوانند، ملّت بیدار بود. خب، چیز به این روشنی را که همه‌ی مردم میفهمیدند، یک عده‌ای نمیفهمیدند.

یک مثال دیگر عبارت است از همین مسئله‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و موضع‌گیری ضد استکباری نظام جمهوری اسلامی و مسئولین سیاست خارجی ما، که قرص و

محکم ایستاده‌اند در مقابل زورگویی‌های آمریکا. مردم این را خوب می‌فهمند. مردم شعار «مرگ بر آمریکا» را هرگز از زبان خود نینداختند. در طول این چند سال، همیشه یک عده به اصطلاح عقلا و مصلحت‌اندیش‌ها پیدا شدند و مصلحت‌اندیشانه و به اصطلاح عاقلانه، مردم را و مسئولین نظام را و رهبر عظیم‌الشأن فقیدمان را نصیحت کردند که شما چرا بیخود با آمریکا - که یک قدرتی است در دنیا - رزم‌آوری می‌کنید و مبارزه می‌کنید؟ چرا خودتان را با یک غول وحشتناکی به جنگ می‌اندازید؟ این هم از همان جاهایی است که مردم فهمیدند، اما بعضی از خواص نفهمیدند.^۹

❖ ۴- محکوم بودن قدرتهای استکبار در برابر توده‌ها

تمام هم و غم استکبار دنیا این است که عقاید توده‌ها را برگرداند به آن طرفی که خودشان می‌خواهند؛ چون اگر عقاید توده‌ها در آن طرفی که آنها می‌خواهند قرار نداشته باشد، واقعاً نمیشود با اینها مقابله کرد. ولذا با توده‌های مردم چه باید کرد؟ آیا میشود آنها را کشت؟ چنین چیزی امکان پذیر نیست. آیا امروز میشود حکومت‌های متکی به مردم را تکان داد؟ شما ببینید حکومت‌های اروپای شرقی که غیرمردمی و حکومت‌های حزبی صدرصد و متکی به حزب کمونیست بودند، مکانیزم مخصوص حزب کمونیست یک نفر را بر سرکار می‌آورد، مثل بسیاری از دولت‌های اروپای شرقی که به پشتیبانی دولت شوروی سرکار آمده بودند. هر جا با شوروی مخالفت میکردند آنها وارد میشدند. در چکاسلوواکی، در لهستان، در مجارستان و در بلغارستان شورویها هرچه می‌خواستند همان میشد، یعنی حکومت واقعاً از مردم منقطع بود و هیچ منش مردمی نداشت، لذا با یک اشاره در ظرف چند ماه همه‌ی اینها مثل ساختمانهای

^۹. بیانات در دیدار اقشار مردم ۱۳۶۸/۰۶/۲۲

مقوایی که آب زیر پایشان بیفتد، همه خم شدند و فرو ریختند. حکومت کوبا که در قلب آمریکا و زیر گوش آمریکاست با آن همه دشمنی که آمریکا دارد هنوز آنگونه نشده است و با وجود اینکه آقای بوش و دیگران در مصاحبه‌هایشان حرص و جوش میخوردند هنوز سرجایش ایستاده است و من بعضی از اوقات که مجله‌های آمریکائی را مطالعه میکنم، مبینم مرتب کاریکاتور و طنز درست میکنند و این مطلب در آنجا منعکس است. البته حکومت کوبا مشکلات دارد، اما چون بطور نسبی یک اتکائی به مردم دارد و چون با مردم خودش مبارزه کرد. و به اتفاق مردم سرکار آمده، مردم هم او را به اسم فیدل میشناسند و من که از نزدیک با او مفصل صحبت کردم اخلاقاً یک آدم مردمی است و اینکه هنوز نتوانستند با او کاری بکنند، به خاطر این است که متکی به مردم است. گرچه بر اثر تبلیغات و فشار آوردن روی افکار عمومی و بر اثر فشار اقتصادی ممکن است او را هم از پای درآورند و نهایتاً هم این کار را میکنند، اما ببینید چقدر تفاوت دارد؟ اینجا افکار عمومی پشت سر دولت هست و آنجاها نبود، لذا مشکل برایشان افکار عمومی است، پس اینکه قدرتهای گردن کلفت، آنجاهایی که افکار و تبلیغاتشان کارگر نشده باشد نمیتوانند کاری بکنند یک حقیقتی است.^{۱۰}

❖ ۵- آغاز دوران توده‌های مردم در عصر امام خمینی

در دوران جدیدی که به وسیله‌ی امام ما آغاز شده است و دایره‌ی آن محدود به ایران هم نیست، توده‌های مردم، اصل و تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده‌اند و آنها هستند که جریانها را هدایت میکنند.^{۱۱} امام بزرگوارمان در این برهه از زمان، این انقلاب را برای همه‌ی مردم دنیا

^{۱۰}. بیانات در جلسه بیست و هشتم تفسیر سوره بقره (پاسخ به پرسش‌ها) ۱۳۷۱/۰۳/۰۶؛ در پاسخ به این سوال: اینکه فرمودید توده‌ی مردم مسائل را به خوبی میفهمند، در این رابطه آیاتی مانند اکثر الناس لا یعلمون و اکثر الناس لا یعقلون، یعنی بیشتر مردم نمیدانند و بیشتر مردم نمیفهمند را چگونه معنی میفرمائید؟

^{۱۱}. بیانات در مراسم اولین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۶۹/۰۳/۱۴

حجت قرار داد تا بدانند که ملت‌ها می‌توانند کار کنند و ببینند که اراده‌ی ابرقدرت‌ها در سرنوشت کشورها و ملت‌ها تعیین‌کننده نیست. امروز، ملت‌ها می‌بینند که مردم ایران، با اتکال و اعتماد به خدا توانست حرف خود را به کرسی بنشانند. ما به برکت انقلابمان و به برکت اسلامی که این انقلاب را به وجود آورد و به برکت تبعیت از امام و رهبر عظیم‌الشان فقیدمان، توانستیم راهی را برویم که برای مردم دنیا ناشناخته بود.^{۱۲}

^{۱۲} . سخنرانی در دیدار با هیئت نظارت... استانهای فارس و همدان ۱۳۶۸/۰۹/۲۲

فصل اول: جایگاه ایمان به مردم در مکتب انقلاب اسلامی

اعتقاد به **اراده‌ی مردم و نیروی مردم**، و مخالفت با **تمرکزهای دولتی**... از جمله‌ی خطوط اصلی حرکت امام است.^{۱۳}

❖ الف. پیوستگی ایمان دینی با ایمان به مردم

وظیفه‌ی مهم این است که ما پایه‌های یک ایمان روشن‌بینانه و استوار را در ذهن نسلهای جوان و رو به رشد خودمان تقویت کنیم؛.. ایمان به دین، ایمان به نظام، ایمان به مردم، ایمان به آینده، ایمان به خود، ایمان به استقلال کشور و ایمان به وحدت ملی.^{۱۴}

○ ۱- نصرت مردم، مظهر نصرت الهی

ملت ایران، به خاطر ایمان عمیق به اسلام، یک ملت شکست‌ناپذیر است.^{۱۵} اساساً سرّ شکست‌ناپذیری این نظام این است که به مردم متکی است. این چیز مهمی است. اتکای به مردم هم آسان به دست نمی‌آید و همه جا حاصل نمی‌شود. اگر یک سرّ الهی در میان نباشد، توجه نفوس و دلهای مردم هم ممکن نیست. شما ملاحظه بفرمایید، خدای متعال به پیغمبر با آن عظمت می‌فرماید: «**هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنُصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ**»؛ یعنی مؤمنین را در کنار نصرت الهی می‌آورد. هیچ بُعدی هم ندارد که آدم بگوید که این «**بِالْمُؤْمِنِينَ**»، تفسیر جزئی از مفهوم «**بِنُصْرِهِ**» هم هست که اصلاً نصر الهی به وسیله‌ی مؤمنین تحقق می‌پذیرد. البته در مواردی هم نصرت‌های خارج از مقولات عادی در زمان آن بزرگوار بوده است - مثل ملائکه‌ی

^{۱۳}. (۱۴/۰۳/۱۳۹۴) بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه‌الله در حرم مطهر امام خمینی رحمه‌الله

^{۱۴}. (۲۹/۰۳/۱۳۸۵) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی

^{۱۵}. سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدای ایلام ۱۳/۱۰/۱۳۶۹

مسوّمین و غیرذلک - لیکن عمده‌اش مؤمنین‌اند. بعد هم می‌فرماید: «لو انفقنا ما فی الأرض جمیعاً ما آلفت بین قلوبهم و لکنّ اللّٰه آلف بینهم». یعنی ای نبی گرامی ما! این «بالمؤمنین»ی هم که ما می‌گوییم، خیال نکن که خودت توانستی آنها را جذب کنی؛ نه - این کار من و ما و کار عوامل مادی و بشری نیست - این سرّ الهی و سرّ معنوی است. حال آن «نکته‌ی باریکتر زمو» این جاست که همین سرّ الهی و معنوی هم قابل تعریف است. چیزی نیست که بگوییم عقل شما مردم نمی‌رسد و سه، چهار نفری هستند که این چیزها را می‌فهمند؛ نخیر. این امر واضحی است. این سرّ الهی عبارت است از ایمان. وقتی ایمانها در دل‌های مردم می‌جوشد و به مرحله‌ی عمل سرازیر می‌شود، نتیجه این است که هر پدیده‌ای که متکی به ایمان الهی است، تقویت پیدا می‌کند. این‌جا چون نظام، نظام الهی و نظام قرآنی است و مردم هم معتقد و متکی به دین و به هرآنچه که مربوط به دین است، هستند، قهری است که چنین نظامی را به راحتی می‌شود با این مردم ادامه داد و این مردم بدون این‌که از کسی طلبکاری کنند؛ بدون این‌که متنی بر سر کسی بگذارند و بدون این‌که برای این همه اخلاص خود از کسی جز خدا بهایی بطلبند، وارد میدان می‌شوند.^{۱۶}

«هو الذی یدک بنصره و بالمؤمنین»؛ خدای متعال تأیید خودش را در کنار نصرت به وسیله‌ی مؤمنین می‌گذارد، که علی‌الظاهر مراد در اینجا نصرت‌های معنوی است؛ مثل همان «انی ممدکم بألف من الملائکة مردفین» و امثال اینها. «هو الذی یدک بنصره و بالمؤمنین»؛ مؤمنین هستند که موجب نصرت میشوند؛ مؤمنین هستند که نظام را پابرجا نگه میدارند؛ مؤمنین هستند که در میدانهای مختلف، جاده را صاف میکنند تا نظام اسلامی بتواند کارهای

۱۶. ۱۳۷۴/۱۱/۱۴

بزرگی را انجام دهد. ما اینها را «**أَنَا أَوْتِيْتَهُ عَلَى عِلْمٍ عِنْدِي**» نباید تصور کنیم؛ خیال نکنیم ما هستیم داریم میکنیم؛ اینها را خدا دارد میکند. این نکته‌ی اول؛ که به نظر من مردم ما به توفیق الهی، به لطف پروردگار، مردم خوبی هستند؛ خوبی‌شان هم به وفاداری آنها به ایمان است، به رسوخ ایمان در دلهاست... همین، مایه‌ی نصرت است؛ «**هُوَ الَّذِي آيَدُكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ**».^{۱۷}

خدای متعال به رسول اکرم می‌فرماید: «**هُوَ الَّذِي آيَدُكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ**» خداوند تو را با پیروزی خودش، با یاری خودش و با مؤمنان کمک کرد. یعنی پیروزی الهی و نصرت الهی در کنار مؤمنان. مؤمنان این قدر بها داده می‌شوند در قرآن. «**يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ**
مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» خدا و مؤمنان تو را بس. این حرف کوتاه انقلاب ماست. خلاصه‌ی جمهوری ما این است؛ خدا و مردم.^{۱۸}

○ ۲- قدرت خدا، متجلی در قدرت ایمان مردم

روزهای بزرگ هر کشوری و هر ملتی آن روزهایی است که یک حادثه‌ی الهی به وسیله‌ی مردم و با دست مردم در آن انجام گرفته است. **ذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ**.^{۱۹} ایام‌الله، روزهای جلوه‌ی ویژه‌ی خدای متعال است؛ گاهی نیت مردم، همت مردم، اراده‌ی مردم، یک چنین روزی را می‌آفریند.^{۲۰} هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. **يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ**؛ هر جا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست.^{۲۱} قدرت خدا متجلی و متبلور

^{۱۷}. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۷/۰۶/۱۳۹۰

^{۱۸}. ۱۴/۰۳/۱۳۶۱

^{۱۹}. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۶/۱۲/۱۳۹۵

^{۲۰}. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۰۴/۰۹/۱۳۹۷

^{۲۱}. بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

است در قدرت مردم و ایمان مردم.^{۲۲}

معجزه‌های اجتماعی برخلاف معجزه‌ی اژدها شدن عصای موسی است؛ چون آن‌طور معجزه‌ها ربطی به اراده‌ی انسان ندارد؛ اما معجزه‌های اجتماعی به‌طور مستقیم به اراده‌ی انسانها ارتباط پیدا میکند؛ «**ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم**»؛ هرگاه ملتی تصمیم بگیرد، اراده کند، اقدام کند، حرکت متناسب با هدفش را انجام دهد، آن وقت معجزه‌ی اجتماعی اتفاق می‌افتد. البته در تحولات اجتماعی حق بودن کافی نیست. خیلی اوقات امواج باطل می‌آید حق را لگدکوب میکند و عبور میکند. حق بودن به اضافه‌ی اقدام، عمل، اراده و به اضافه‌ی ایستادگی و پایداری است که آن معجزه را تحقق میبخشد. این پایداری، این ایستادگی، این تصمیم و این فداکاری در صحنه‌ی جامعه و کشور ما به برکت همین اخلاصها، بینشها و بصیرتها که امروز در جمع جوانان مؤمن و بسیجی کشور ما متبلور است اتفاق افتاد... اما آنچه بزرگتر از آن حادثه‌ی بزرگ و باورنکردنی بود، این است که نظام جمهوری اسلامی با وجود همه‌ی امواج متلاطم و خصمانه‌ی در پیرامون خود، هم ماند و هم رشد کرد.^{۲۳}

روحي که حاکم بود بر اصل انقلاب ما... **روح دینانت حاکم بر دل‌های مردم** بود؛.. [درحقیقت] ما دو تا عنصر در کنار هم داریم: یک عنصر، عنصر مردم است؛ که مردم در هر کشوری، در هر جامعه‌ای، اگر چنانچه همت کنند، بصیرت به خرج بدهند، عمل کنند و وارد میدان بشوند، می‌توانند همه‌ی مشکلات را حل کنند. یعنی بزرگ‌ترین کوه‌ها در مقابل حضور مردم از بین می‌رود؛ می‌توانند کوه‌های بزرگ را جابه‌جا کنند. این یک حقیقت آشکاری است

^{۲۲} . دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۷/۰۵/۲۲

^{۲۳} . بیانات در دیدار بسیجیان استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۶

که بسیاری از تحلیلگران اجتماعی در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها آن را درست لمس نکردند، درک نکردند؛ ما این را لمس کردیم. هنر بزرگ امام بزرگوار ما هم همین بود... عنصر دوم هم عنصر ایمان دینی مردم است. ایمان دینی، آن معجزه‌گری است که قادر است اولاً همه‌ی مردم را بسیج کند و بیاورد، ثانیاً آنها را در صحنه نگه دارد و ثالثاً سختی‌ها را برای آنها هموار و آسان کند؛ هیچ ایمان دیگری این خصوصیت را ندارد.^{۲۴}

○ ۳- ایمان اجتماعی، الگوی اطاعت کلان و خطی از خداوند متعال

جمهوری اسلامی در آغاز، یک امید دست‌نیافتنی بود. به ذهن بعضی، نظام اسلامی می‌آمد؛ اما مثل یک رؤیا، مثل یک آرزوی دست‌نیافتنی، تلقی می‌شد. بتدریج با تلاش و با مجاهدت، تبدیل شد به **ایمان اجتماعی**. جامعه، نخبگان و توده‌ی مردم ما در جای جای این ملت بزرگ، به این مبنا و به این اصل مؤمن شدند و این تبدیل شد به یک ایمان و به یک خواست. بعد از اینکه این ایمان تحقق پیدا کرد، باز در سایه‌ی مجاهدتها، تبدیل شد به برنامه‌ی عملی و تحقق در خارج، و انقلاب و حرکت‌های اوایل پیروزی انقلاب و قانون اساسی را به دنبال خود آورد، بعد هم تبدیل شد به یک الگوی واقعی.^{۲۵}

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ»،^{۲۶} «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»؛^{۲۷} اساس

نظام اسلامی، اطاعت از خدای متعال است؛ و اطاعت از خدای متعال، چند مرتبه و مرحله دارد: یک اطاعت، اطاعت موردی است. در مواردی خدای متعال می‌فرهیلد که این عمل را انجام دهید- و لو این مسئله، مسئله‌ی شخصی است- مثلاً نماز بخوانید، یا فرض کنید که

۲۴. دیدار اعضای ستاد بزرگداشت نه دی ۱۳۹۰/۰۹/۲۱

۲۵. (۳۱/۰۶/۱۳۸۳) بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری

۲۶. النساء: ۵۹

۲۷. آل‌عمران: ۳۱

صوم و زکات و بقیه‌ی امور. این یک‌جور اطاعت است که انسان امر الهی را اطاعت می‌کند، نهی الهی را اطاعت می‌کند. از این مهم‌تر، اطاعت خطی است؛ یعنی روش و راه و نقشه‌ای که خدای متعال برای زندگی معین می‌کند؛ این را یک مجموعه‌ای از مردم اطاعت کنند تا این نقشه تحقق پیدا کند... یک کار جمعی نیاز دارد... اگر این تحقق پیدا کرد، آن وقت «لَاكُلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ اَرْجُلِهِمْ»^{۲۸}؛ زندگی، زندگی خوبی خواهد شد؛ زندگی سعادت‌مندان‌های خواهد شد؛ لُتار و برکات و نتایج مطلوبی که بر اطاعت امر الهی مترتب است، بر زندگی مترتب خواهد شد... نظام اسلامی هم؛ یعنی آن نظامی که مبنی بر هندسه‌ی الهی است برای جامعه؛ مبنی بر نقشه‌ی خداست در جامعه. اگر این نقشه تحقق پیدا کرد، خیلی از تخلفات فردی و شخصی و جزئی قابل‌اغماض خواهد بود. روایت معروفی است که نقل حدیث قدسی را می‌کند: «لَا عَذْبَنَ كُلِّ رَعِيَّةٍ اطاعت اماها جائرا ليس من الله و لو كلنت الرعيَّة في اعمالها برَّةً تقيةً».^{۲۹} نقطه‌ی مقابلش: «و لأعفون عن كل رعيَّة اطاعت اماها عادلا من الله و ان كلنت الرعيَّة في اعمالها ظالمةً مسيئةً»؛ یعنی کار فردی و تخلف فردی در یک نظام عظیم اجتماعی که حرکت عمومی به یک سمت درستی است، قابل‌اغماض است؛ یا شاید به تعبیر دقیق‌تر، قابل اصلاح است؛ بالاخره می‌تواند این جامعه را، این افراد را به سرمنزل مقصود برساند؛ برخلاف اینکه اگر چنانچه نه، اعمال فردی درست بود، اما روابط اجتماعی، نظامات اجتماعی، نظامات غلطی بود، نظامات جائری بود، نظامات از ناحیه‌ی خدا نبود، از ناحیه‌ی شیطان بود، از ناحیه‌ی نفس بود، اعمال فردی نمی‌تولند این جامعه را بالاخره به سرمنزل مقصود برساند؛.. بنابراین مسئله‌ی اطاعت کلان و اینکه انسان خط الهی را جستجو کند و بیابد

^{۲۸} . المائدة: ۶۶

^{۲۹} . الکافی؛ ثقة الاسلام کلینی؛ ج ۱؛ ص ۳۷۶

و آن را دنبال کند، بسیار اهمیت پیدا می‌کند... خوب، اگر چنانچه با این دید به جامعه‌ی اسلامی خودمان نگاه کنیم، خواهیم دید که نظام اسلامی توانسته است یک حرکت عظیمی را در دنیای اسلام نسبت به این مجموعه‌ی خاص [ملت ایران] به وجود بیاورد که با هیچ حرکت فردی‌ای امکان‌پذیر نبود. یعنی امروز وقتی به دنیای اسلام نگاه می‌کنیم، می‌بینیم آن جامعه‌ای که بر شکل و هندسه‌ی الهی تشکیل شده، نظام جمهوری اسلامی است.^{۳۰}

حقیقت بسیار واضحی وجود دارد که به خاطر کثرت وضوح، اغلب مخفی هم می‌ماند... [و آن] اصل تحقق جمهوری اسلامی است؛ این تجسد قرآن است. نظام جمهوری اسلامی، نظام دین‌مدار، یکی از بزرگ‌ترین اقلام عمل به قرآن است که این را انقلاب برای ما تأمین کرد. از این غفلت نکنیم. بله، در داخل این چهارچوب بزرگ، جدول‌های زیادی است که باید پر بشود، کارهای زیادی است که باید انجام بگیرد، اما کار اصلی، کار اساسی، این بود که این نظام به وجود بیاید. ایجاد یک نظام مبتنی بر دین که مسئولان این نظام، هویت‌شان، اهداف‌شان، خصوصیات‌شان، عملکردشان، ارتباطشان با مردم، عملکردشان برای مردم بر اساس دین باشد- بر اساس دستور دینی و دستور اسلامی باشد- این همان بزرگ‌ترین قلم از اقلام عمل به قرآن است... تا وقتی جامعه‌ای نباشد، نظامی نباشد، تمرکز اقتداری نباشد که بتواند بر روی همه‌ی فعالیت‌های اجتماعی سایه بيفکند، کارها ضمانتی ندارد. قبل از انقلاب، خیرخواهان و ناصحان معدودی بودند؛ دلشان می‌سوخت، حرص می‌خوردند، مردم را همواره نصیحت و موعظه می‌کردند؛ موعظه هم بی‌تأثیر نیست، در دل اثر می‌کند؛ اما قابل تحقق عملی نیست؛ چرا؟ چون نظام، نظام غلطی است؛ چون جهت‌گیری جامعه، جهت‌گیری ضد عدالت،

^{۳۰}. دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۱۲/۰۶

ضد انصاف، ضد مروّت، ضد اخلاق است... اصلِ جهت‌گیری با تشکیل یک نظام است؛ نظامِ دارای جهت‌گیری درست و دین. این کار را انقلاب انجام داد و این نظام را به وجود آورد... این حقیقتِ خیلی واضح و روشنی است، اما غالباً مغفولٌ عنه! این خیلی حقیقت مهمی است.^{۳۱}

❖ ب. وابستگی وظایف کلان دینی به ایمان به مردم

با حضور ملت ایران در میدانهای انقلاب و پیروزی این انقلاب، اعتمادبه‌نفس ملی به وجود آمد؛ مردم ایران فهمیدند که کارهای هستند، میتوانند در اوضاع کشورشان اثر بگذارند، آن هم این جور اثری، و ریشه‌ی سلطنت به قول آنها ۲۵۰۰ ساله را از اعماق زمین بکنند، بیندازند در مزبله؛ مردم این را احساس کردند و این، اعتمادبه‌نفس داد به ملت ایران. این اعتمادبه‌نفس ملی با نیروی ایمان همراه بود؛ ما مثل بعضی از کشورهای دیگری که انقلاب کردند، بی‌خدا، بی‌توکل، بی‌معنویت نبودیم که وسط راه بمانیم؛ ایمان، ما را نگه داشت، ما را حفظ کرد، ما را هدایت کرد، ما را پیش برد؛ این ایمان گوهر ذی‌قیمتی بود؛ روحی بود در کالبد این حرکت عمومی؛ روح امید را ایمان در ما زنده کرد؛ روح ایثار و فداکاری را ایمان در ما زنده کرد. (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام) ۱۳۹۷/۴/۰۹)

○ ۱- امیدواری و امیدآفرینی

یک کلید اصلی وجود دارد و آن امید دادن و اطمینان دادن به مردم است. این کاری است که به عهده‌ی من و شماست... کار باید این باشد که به مردم امید بدهید و اطمینان

۳۱. دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور ۱۳۸۷/۲۸

بدهید. اگر مردم ناامید شدند، اعتماد خودشان را از دست دادند، متزلزل شدند، شکست قطعی است. آن چیزی که جنگنده را، رزمنده را در جبهه نگه میدارد، امید است. باید امید داشته باشد، بداند که میتواند به پیروزی برسد. این امید را باید زنده نگه داشت. عامل اصلی پیروزی، در صحنه بودن مردم است؛ عامل در صحنه بودن مردم، امید و اطمینان آنهاست. این امید را نباید در مردم تقویت کرد؛ مردم را نباید ترسوند؛ مردم را نباید بدبین کرد، بی اعتماد کرد. در قرآن کریم ببینید: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ». این از طرف دشمن است؛ بترسید - «قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ» نسبت داده شود به دشمن - آیهی دیگری: «أَمَّا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ»؛ میترساند. «لئن لم يته المنافقون و الذين في قلوبهم مرض و المرجفون في المدينة لنگرینک بهم». ببینید، اینهاست. یعنی ترسیدن مردم مذمت شده؛ مردم را ناامید کردن، مردم را بی اطمینان کردن، مذمت شده. متقابلاً، نقطه‌ی مقابل: «والعصر. ان الانسان لفي خسر. الا الذين امنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر»؛ همدیگر را باید وصیت کنیم، توصیه کنیم به صبر، به ایستادگی، به پیروی از حق؛ همدیگر را نگه داریم. «و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولياء بعض»؛ اولیاء یعنی پیوسته‌ها؛ به همدیگر پیوستند. این وظیفه‌ی ماست. بنابراین، بایستی به این نکته‌ی امید و اطمینان توجه کرد³².

مردم یکدیگر را توأسی کنند؛ این زنجیره‌ی توأسی و توصیه کردن به یکدیگر [برقرار باشد]؛ هم توصیه به حق کنند، راه حق را تأکید کنند، هم توصیه‌ی به صبر بکنند؛ این، همه را نگه میدارد. اگر چنانچه توأسی به صبر و توأسی به حق و بصیرت در جامعه وجود داشته

³² ۲۵/۰۶/۱۳۸۹ بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری

باشد، این جامعه به آسانی دستخوش تحرکات دشمن نخواهد شد؛ اما اگر چنانچه این جریان توامی که زنجیره‌ی محافظت مؤمنان است، قطع بشود قطعاً خسارت خواهد رسید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ»؛ اگر این توامی نباشد، خسارت تحقق پیدا خواهد کرد. خب، دشمن همین عامل مهم را هدف قرار میدهد. دشمن دو هدف را به نظرما در جنگ نرم دنبال میکند... یکی این است که این زنجیره‌ی توامی به حق و به صبر را قطع کند؛ دوم اینکه حقایق را وارونه نشان بدهد که تبلیغات فراوانی هم دارند که حقایق عالم را راحت بعکس و بدروغ وارونه نشان بدهند. اما اینکه رشته‌ی توامی به حق و صبر را در بین مؤمنان قطع کند، جریان توامی را قطع کنند، چیز خطرناکی است؛ [اینکه] کاری کنند که مؤمنین به یکدیگر توصیه نکنند، همدیگر را حفظ نکنند، به یکدیگر امید ندهند؛ اگر قطع این جریان، بریده شدن جریان توامی در جامعه اتفاق بیفتد، خیلی خطرناک است. این موجب میشود که انسانها احساس تنهایی کنند، احساس نومیدی کنند و اراده‌ها ضعیف بشود، امیدها کمرنگ بشود، جرئت اقدام از دست برود. وقتی توامی نبود، این اتفاقات می افتد؛ و طبعاً وقتی این جور شد، امیدها کم شد و جرئتها کم شد و اراده‌ها ضعیف شد، قهراً هدفهای عالی و متعالی بتدریج از دسترس دور میشود و کمرنگ میشود و دست نیافتنی به نظر میرسد و به دست فراموشی سپرده میشود؛ که این افسران جنگ نرم ما نباید اجازه بدهند این اتفاق بیفتد. من یک وقتی گفتم جوانهای ما افسران جنگ نرم ما هستند. جوانها نباید اجازه بدهند یک چنین اتفاقی بیفتد و باید امیدآفرینی کنند، باید توصیه‌ی به ایستادگی، توصیه‌ی به تبلی نکردن، توصیه‌ی به خسته نشدن کنند؛ اینها کارهایی است که

جوانهای ما که گفتیم افسران جنگ نرم هستند بر عهده دارند³³.

○ ۲- اعتماد به نفس ملی

متأسفانه از جمله مواردی که دست تحریف و تعرض، و شاید سوءفهم و نادانی به‌سوی آن دراز شده، همین توکل است. بعضی از مردم گمان کرده‌اند توکل به این معنا است که انسان مسلمان، چشم به قدرت خدا بدوزد و از نیرو و ابزاری که خدا برای به کرسی نشاندن خواسته و فکرش در اختیار او گذاشته، استفاده نکند؛ مثلاً به‌جای استفاده از نعمت چشم و مغز و دست و پا، برای دیدن و اندیشیدن و تلاش در راه تأمین معاش، دست از کار بکشد و به انتظار دستی غیبی بنشیند تا شاید سفره‌ای در مقابل او گسترده شود. اگر به صاحب چنین باوری بگوییم: «چرا کار نمیکنی؟»، میگوید: «بر خدا توکل دارم»؛ و اگر بگوییم: «چرا حقت را نمیگیری؟»، میگوید: «خدا خواهد گرفت». بعضی از فرنگی‌ها، آنهایی که آرام آرام در قرن نوزدهم و بیستم با اسلام آشنا شدند، وقتی چشمشان به این توکل موجود میان مسلمانان افتاد، گفتند: «عامل انحطاط مسلمانان را فهمیدیم؛ برای ما مشکل شده بود که این گروه که در صدر اسلام آنقدر پیشرفت کردند، چرا اکنون عقب مانده‌اند؟! علت توسری‌خوری آنها این است که به اصلی به نام توکل اعتقاد دارند؛ لذا دنبال زندگی و رفاه مادی نمیروند و خاکسترنشین شده‌اند.» آنها توکل را عامل انحطاط ما دانسته‌اند، و راست هم میگفتند. توکل اگر به آن معنا باشد که از قول کج‌اندیشان نقل شده، واقعاً هیچ عاملی برای انحطاط یک ملت بهتر از آن نیست... آن وقت متوکل خواهی بود که از تمام نیروها و ابزار به ودیعه گذارده شده، استفاده کنی و بعد متوجه خدا باشی و بدانی آن‌که این همه را با آثارشان در اختیار تو گذارده و هر لحظه میتولند آنها را از تو

³³. بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

بگیرد، خدا است. این همان معنای صحیح توکل است. قرآن توکل را صفت انسان «عامل» معرفی کرده است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ» ... عاملان کسانی هستند که آیه‌ی بعد توصیفشان میکند: «الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»... یکی از فواید و نتایج و نقشهای توکل «ایجاد امید در انسان» است. برای انسان بسیار اتفاق می‌افتد که در خلال راهش با مشکلاتی برخورد میکند که او را از پیمودن راه و رسیدن به مقصد مأیوس میکند. گاه مشکلی که در راه پیشبرد فکر و رسیدن به مقصد پیش می‌آید، آنقدر بزرگ است که افرادی در حد پیامبران را، با آن روحهای بزرگ و فکرهای بلند، به سرحد یأس میرساند: «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ»... در چنین شرایطی آنچه انسان را از یأس برحذر میدارد و حفظ میکند، توکل بر خدا است. اگر انسان واقعاً بداند که با انجام تکالیفش، نتیجه را از خدا گرفته است، آنوقت یأس برای او معنا ندارد... فلیده‌ی دیگر توکل «تقویت روحیه» است که این، غیر از ایجاد امید است. هر انسانی که دنبال امر مهمی میرود، در سر دوراهی‌ها با مشکلات فراوانی مواجه میشود؛ یعنی میرسد به جایی که یک راه، راه فکر و مقصد او است و دیگری، مقصد نیست، ولی پول زیادی در آن هست؛ یا یک راه به طرف هدف میرود و راه دیگر به طرف مقام. در سر دوراهی‌ها انسان مأیوس نمیشود، بلکه مردد و متزلزل نمیشود. اگر در یک طرف، گنجی باشد و طرف دیگر، راه خانه و مقصد باشد، اینجا اگر کسی به راه گنج نرفت و به طرف مقصد حرکت کرد، این آدم، موفق است؛ اما «مرد» میخواهد. اگر انسان در دوراهی حق و باطل، دچار تردید شد، چنانچه بر خدا توکل کرد، توکل همانند فرشته‌ی نجات او را از تزلزل نجات میدهد و به طرف مقصد میبرد. چنین دوراهی برای حرّ و عمر سعد پیش آمد که حرّ راه حق و عمر راه باطل را انتخاب کرد. در روایتی امام علیه السلام، توکل را این‌گونه معنا میکند: «لم يعمل لأحد سوى الله و

لم یرج و لم یخف سوی الله؛ توکل این است که انسان جز برای خدا کار نکند و جز به او امیدوار نباشد و از هیچ کس جز خدا نترسد. در دوراهی‌ها که ترس و خوف و طمع و... پیش می‌آید، باید متوجه بود که هدف کجا است. راه رسیدن به هدف، توکل است... فایده‌ی سوم: آسان شدن کارهای دشوار گاهی انسان برای انجام کار بزرگی به امید دیگران می‌نشیند، توکل اینجا به انسان می‌گوید: متوجه باش! به امید دیگران نباش! این یکی دیگر از فواید و آثار توکل است که جنبه‌ی سلبی توکل است. توکل بر خدا؛ یعنی «اتکا و امید به غیر خدا نداشتن و تنها از خدا کمک خواستن و حرکت در راه مقصد»، که این همان «استعمال الیأس من الناس» است، که در روایات آمده؛ پس فرض کن غیر از تو کسی نیست؛ یعنی از مردم مأیوس باش و بدان که کار را هم بلید خودت انجام دهی. توکل، کارها را برای انسان آسان و کوچک جلوه می‌دهد. (تفسیر سوره براءت ص ۳۴)

آن کسی که دست روی دست می‌گذارد در مقابل تکلیفها و تعهدها و مسئولیتها، به جای اینکه نیروی خود را مسئول بداند، معجزه خدایی را مسئول فرض میکند؛ اینچنین آدمی بایستد بداند که قرآن این عمل را رد کرده است... اینکه رایج میان مردم است؛^{۳۴} میگویند: آقا، خدا خودش باید اصلاح بکند، از بنده خدا کاری برنمی‌آید؛ این غلط است. اگر از بنده خدا کاری برنمی‌آید، اگر برای از بین بردن و ریشه‌کن کردن فساد، اراده آدمی و نیروی آدمی به کار نیامد، خدا انبیا را بسیج نمی‌کند. مردم را به پیروی از انبیا دعوت نمی‌کند. انبیای الهی را با رسالتهای سنگین به صحنه نبرد این جهان نمی‌فرستاد. اینکه میبینید خدا کسانی را فرستاده، برای ریشه‌کن کردن فساد و آن کسان از جنس بشرند، پس بدانید

^{۳۴}. توکل هم یعنی کار را انجام دادن و نتیجه را از خدا خواستن. گمان نشود - که البته در فضای دینی امروز گمان هم نمیشود؛ در گذشته چرا، تبلیغ میشد، اینجور توهم میشد - که توکل یعنی بنشین تا خدا برساند، بنشین تا خدا درست کند، بنشین تا خدا گره را باز کند؛ نه، توکل یعنی کار را انجام بده، نتیجه را از خدا بخواه؛ منتظر نتیجه از سوی پروردگار باش. (بیانات در دیدار مسئولان نظام - ۳۰/۰۴/۱۳۹۲).

که فساد بشری را بشر باید ریشه‌کن کند. پس توکل یعنی چه؟ توکل یعنی در همه حال، اتکاء و امیدت به خدا باشد. اگر درست موشکافی کنید، میبینید با این تعبیری که بنده عرض میکنم: در همه حال اتکاء و امیدت به خدا باشد؛ با این تعبیر، توکل از صورت یک چیز مخدر در میآید، به صورت یک عامل برانگیزاننده و عامل تحرک، جلوه‌گری میکند... وقتی به بن بست رسید، وقتی به جایی رسیدی که به نظرت می‌آید اینجا ته کوچه است، راهی در بین نیست، بر روی مردم معمولی چند در باز میشود، در تسلیم، تسلیم دشمن شد، در تسلیم، تسلیم حوادث شدن، تسلیم جریان طبیعی زندگی شدن، در خودکشی و انتحار، خود را نابود کردن و راحت شدن و احیانا پشیمانی‌ها، اما برای انسان باخدا، در دیگری در بن بستها باز میشود که باز شدن آن در، درهای دیگر را، درهای شرافت‌کش را به روی او مینهد. آن در، چه دری است؟ در، توکل به خدا. میگویند اینجا بن بست است. میگوید خدایی که من میشناسم بن بست را هم میشکافت. بن بست چیست؟ از نظر خدا بن بست نداریم ما. همه بن بستها با دست قدرت خدا بن باز است! راه دارد... آن کسی که توکل را به معنای خط نسخی بر قدرت وانمود میکند؛ اینچنین آدمی یا توکل را نمیفهمد، اسلام سرش نمیشود، توکل را درک نمیکند، یا نه؛ میفهمد، شرف سرش نمیشود، میخواهد عوضی معنا کند، تا مردم بی توکل بار بیایند.^{۳۵}

این «ما میتوانیم»... کلید حلّ همه‌ی مشکلات است.^{۳۶} امام به مردم ایران «ما میتوانیم» را تعلیم داد. امام قبل از آنکه «ما میتوانیم» را به مردم ایران تلقین کند و تعلیم دهد، «ما میتوانیم» را در وجود خود زنده کرد؛ اعتقاد خود را به توانائی شخصیتی خود، به معنای حقیقی کلمه، به

^{۳۵}. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۶۸

^{۳۶}. بیانات در مراسم سی و چهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴۰۲/۰۳/۱۴

مظهر بروز و ظهور رسانند... امام به خود و به نیروی خود و به توانائی‌های خود ایمان و باور داشت. همین باور به خود، در عمل امام، در گفتار امام، به ملت ایران منتقل شد. (مراسم سالگرد رحلت امام خمینی ره ۱۳۹۲/۰۳/۱۴)

امام حکیم بود؛ حکیم به معنای واقعی. ما گاهی تعبیر حکیم را برای آدم‌های کوچک به کار می‌بریم؛ لکن او به معنای واقعی کلمه حکیم بود. «و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا»؛ خدای متعال به او حکمت داده بود. از دل او یک حقایقی سرریز می‌شد و سرازیر می‌شد؛ از جمله، همین مسئله‌ی بسیج بود؛ که امام از روز اول پیروزی یا حتی قبیل پیروزی با کشاندن مردم به عرصه، با گذاشتن بار حرکت به دوش مردم، با اعتماد به مردم، پایه‌ی بسیج را گذاشت. به مردم اعتماد کرد؛ مردم هم به خودشان اعتماد پیدا کردند؛ اعتماد به نفس پیدا کردند؛ اگر امام به مردم اعتماد نمی‌کرد، مردم هم به خودشان اعتماد نمی‌کردند. پایه‌ی بسیج همان جا گذاشته شد. (۰۲/۰۴/۱۳۸۹ بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها)؛

○ ۳- عزت و اقتدار ملی

از وعده‌ی الهی است که حقد و بغض استکبار، هیچ کاری نخواهد توانست بکند؛ «اتم الاعلون ان کتم مؤمنین» (آل عمران/۱۳۹)؛ قرآن کریم در دوجا می‌فرماید: «و لاتهنوا و لاتحزنوا»، «فلاتهنوا و تدعوا الی السلم» (محمد/۳۵)؛ هرگز از مواضع خودتان پایین نیایید و در مقابل دشمن احساس ضعف نکنید. او که بنای کار را بر دروغ و فریب و زورگویی گذاشته، ضعیف است؛ اما شما که به خدا متکی هستید، قوی

انقلاب کبیر اسلامی بکلی جهت را عوض کرد و ورق را برگرداند. همت امام... بر این گماشته شد که روح عزت ملی را در این مردم احیاء کند؛ عزت آنها را به آنها برگرداند. امام بزرگوار فرهنگ «ما میتوانیم» را به دهان مردم انداخت و در دل آنها جایگزین کرد؛ این همان فرهنگ قرآنی است که فرمود: «**و لا تهنوا و لا تحزنوا و اتم الاعلون ان کتم مؤمنین**». خود ایمان به معنای علو است. ایمان وسیله‌ی علو مادی است، اما فقط این نیست؛ نفس ایمان علو آور است، عزت آور است، یک ملت را رشد میدهد. خود امام جلو افتاد، رهبری کرد، آن وقت انگیزه‌ها در مردم بیدار شد، همتها در مردم بیدار شد، استعدادها جوشیدن گرفت؛ و عمل مردم حضور مردم در صحنه، زمینه‌ی جلب رحمت الهی شد.^{۳۸}

یکی از خطوط اصلی در سیره‌ی امام و منش امام... دمیدن روح عزت ملی در کالبد کشور است. بحث درباره‌ی این حرکت عظیم امام که عزت ملی را در کشور ما و ملت ما زنده کرد، یک بحث متکی به واقعیات جامعه است؛ یک بحث صرفاً ذهنی نیست. عزت یعنی چه؟ عزت به معنای ساخت مستحکم درونی یک فرد یا یک جامعه است که او را در مقابله‌ی با دشمن، در مقابله‌ی با موانع، دارای اقتدار میکند و بر چالشها غلبه میبخشد... در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه‌ی خدائی قرار میگیرد. در مصاف بین حق و باطل، بین جبهه‌ی خدا و جبهه‌ی شیطان، عزت متعلق به کسانی است که در جبهه‌ی خدائی قرار میگیرند. این، منطق قرآن است. در سوره‌ی فاطر میفرماید: «**من**

۳۷. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳/۱۱/۱۳۷۰

۳۸. مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۴/۰۳/۱۳۹۱

كان يريد العزّة فله العزّة جميعاً»، در سوره‌ی منافقون میفرماید: «و لله العزّة و لرسوله و للمؤمنين و لیکن المنافقین لا یعلمون»؛ عزت متعلق به خداست، عزت متعلق به پیامبر و به مؤمنین است؛ اگرچه منافقان و کافردلان این را درک نمیکنند؛ نمیفهمند که عزت کجاست، مرکز عزت واقعی کجاست. در سوره‌ی نساء، درباره‌ی کسانی که خود را متصل به مراکز قدرتهای شیطانی میکنند، برای اینکه حیثیتی به دست بیاورند، قدرتی به دست بیاورند، میفرماید: «أیتغون عندهم العزّة فانّ العزّة لله جميعاً»؛ آیا دنبال عزتند این کسانی که به رقبای خدا، به دشمنان خدا، به قدرتهای مادی پناه میبرند؟ عزت در نزد خداست. در سوره‌ی مبارکه‌ی شعراء، گزارشی از مجموعه‌ی چالشهای پیامبران بزرگ را مطرح میفرماید - درباره‌ی حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت هود، حضرت صالح، حضرت شعیب، حضرت موسی - مفصل درباره‌ی چالشهای این پیامبران بزرگ بحث میکند و گزارش الهی و وحی را به گوش مردم میرساند. در هر مقطعی که میخواهد غلبه‌ی جبهه‌ی نبوت را بر جبهه‌ی کفر بیان بفرماید، میفرماید: «انّ فی ذلک لایة و ما کان اکثرهم مؤمنین. و انّ ربّک لهو العزیز الرّحیم»؛ یعنی با اینکه طرف مقابل اکثریت داشتند، قدرت آنها بود، پول دست آنها بود، سلاح دست آنها بود، اما جبهه‌ی توحید بر آنها پیروز شد؛ در این یک آیتی است از آیات الهی، و خدای تو عزیز و رحیم است. بعد از آنکه قرآن این گزارش را در طول سوره‌ی مبارکه‌ی شعراء هی تکرار میکند، تکرار میکند، در آخر سوره خطاب به پیغمبر میفرماید: «و توکل علی العزیز الرّحیم»؛ به این خدای عزیز و رحیم که تضمین کننده‌ی غلبه‌ی حق بر باطل است، توکل و تکیه کن. «الذی یریک حین تقوم. و تقلّبک فی السّاجدین»؛ او ناظر به حال توست؛ در حال قیام، در حال سجده، در حال عبادت، در حال حرکت، در حال تلاش؛ او حاضر و ناظر است، تو را میبیند؛ «أنّه هو السّميع العلیم».

پس در منطق قرآن، عزت را باید از خداوند طلب کرد. اوقتی که عزت شامل حال یک انسان، یک فرد یا یک جامعه میشود، مثل یک حصار عمل میکند، مثل یک بازوی مستحکم عمل میکند؛ نفوذ در او، محاصره‌ی او، نابود کردن او برای دشمنان دشوار میشود؛ انسان را از نفوذ و غلبه‌ی دشمن محفوظ نگه میدارد. آن وقت هرچه این عزت را در لایه‌های عمیق‌تر وجود فرد و جامعه مشاهده کنیم، تأثیرات این نفوذناپذیری بیشتر میشود؛ کار به جایی میرسد که همچنان که انسان از نفوذ و غلبه‌ی دشمن سیاسی و دشمن اقتصادی محفوظ میماند، از غلبه و نفوذ دشمن بزرگ و اصلی، یعنی شیطان هم محفوظ باقی میماند. آن کسانی که عزت ظاهری دارند، این عزت در دل آنها، در درون آنها، در لایه‌های عمیق وجود آنها نیست؛ لذا در مقابل شیطان بیدفاعند، نفوذپذیرند... ما امام را اینجور شناختیم. امام در طول حیات، چه در حوزه‌ی علم و تدریس، چه در دوران مبارزه‌ی دشوار، و چه در حوزه‌ی مدیریت و حاکمیت - آن وقتی که در رأس کشور قرار گرفت و مدیریت جامعه را در قبضه گرفت - در همه‌ی اینها مصداق «**توکل علی العزیز الرحیم**» بود. برای همین بود که کارهای بزرگی که همه میگفتند نشدنی است، با طلوع امام، این کارها شدنی شد؛ همه‌ی سدهائی که گفته میشد شکستنی نیست، با حضور امام، این سدها شکستنی شد. او علاوه بر اینکه خود، مظهر عزت نفس و اقتدار معنوی بود، روح عزت را در ملت هم زنده کرد. این، کار بزرگ امام بزرگوار بود... ملت ما با احساس عزتی که از درسهای انقلاب و امام آموخت، توانست خود را کشف کند. ملت، خود را کشف کرد، توانائیهای خود را کشف کرد؛ و چنین شد که ما در این چند دهه، بسیاری از تحقق وعده‌های الهی را با چشم خود دیدیم؛ چیزهائی را که در تاریخ میخواندیم، در کتابها میدیدم، در مقابل چشم خودمان مشاهده کردیم؛ غلبه‌ی مستضعفین را بر مستکبرین، بی‌بنیادی

قصرهای بظاهر باشکوه مستکبران و بسیاری از حوادث دیگر را در این سالها دیدیم.^{۳۹}

○ ۴- احساس هویت ملی

هویت ملی، اساس هر پیشرفتی است.^{۴۰} هر مجموعه‌ی انسانی به یک هویت جمعی احتیاج دارد و باید احساس اجتماع و بستگی و هویت جمعی کند. در کشورهای دنیا معمولاً روی مفهوم ملیت تکیه می‌کنند. بعضی جاها هم روی قومیت تکیه می‌کنند. ملیت چیست؟ یک هویت جمعی است که با برخورداری از آن، هر کشور می‌تواند از همه امکانات خود برای پیشرفت و موفقیت استفاده کند. اگر این احساس هویت جمعی وجود نداشته باشد، بسیاری از مشکلات برای آن مجموعه پیش می‌آید و بسیاری از موفقیتها برای آنها حاصل نخواهد شد.^{۴۱}

دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف در زمینه‌های زیرساختی، در زمینه‌های نیروی انسانی؛ در زمینه‌های گوناگون... با این مسائلی که برای کشور پیش آمد، با این همه مشکلات، با تحمیل جنگ، با تحمیل تحریمهای کذائی، با دشمنی صریح و واضح قدرتهای مسلط دنیا، کشور توانسته است این دستاوردها را به دست بیاورد، اینها نیست جز اینکه کشور احساس هویت کرد؛ ملت ایران هویت خودش را فهمید، شناخت، احساس موجودیت کرد، با قوت و قدرت حرکت کرد؛ این احساس هویت چنین حالتی را به انسان میدهد.^{۴۲}

عمده‌ی این اشکالاتی که گاهی پیش می‌آید به‌خاطر این است که آن احساس هویت

^{۳۹} . بیانات در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله ۱۳۹۱/۰۳/۱۴

^{۴۰} . بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸

^{۴۱} (۱۲/۰۸/۱۳۸۰) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جوانان استان اصفهان

^{۴۲} . بیانات در دیدار مسئولان نظام ۲۲/۰۳/۱۳۹۶

حقیقی، احساس هویت ملی در یک انسان وجود ندارد. وقتی احساس هویت وجود نداشت، دیگران میتوانند او را به این سمت و آن سمت بکشند... احساسات هست، غرایز هست، انگیزه‌های درونی هست، شیطانِ هوای نفس ما هست؛ از بیرون هم ده‌ها دست ما را به این سمت و آن سمت میکشد؛ آن چیزی که نمیگذارد ما منحرف بشویم، پابندی ما است، احساس هویت ما است.^{۴۳}

ملتی که هویت خودش را گم کرده باشد، خیلی راحت در مشت بیگانگان آب میشود و از بین میرود.^{۴۴} اگر جامعه‌ای احساس هویت نکرد، صداها بلند تحکم‌آمیز، راحت او را مغلوب خواهد کرد. آن که ایستادگی میکند، آن کسی است که احساس هویت میکند.^{۴۵} یک ملت اگر نتواند از هویت خود، از عظمت خود، آن‌چنان که هست، در مقابل بیگانگان دفاع بکند، قطعاً توسری خواهد خورد؛ بربرگرد ندارد.^{۴۶} اگر چنانچه این [هویت] از یک ملتی گرفته بشود، این ملت هضم خواهد شد، یعنی در واقع به معنای حقیقی کلمه نابود خواهد شد؛ حالا در یک مشخصه‌ی جغرافیایی قرار میگیرد اما چیزی نیست؛ هست، اما بودن او مثل نبودن است؛ هویت فرهنگی، همه‌ی حیات یک مجموعه و یک ملت است.^{۴۷}

ما وقتی تجربه‌ی سی و دو ساله‌ی انقلاب را بازخوانی میکنیم، ژرف‌ ژرفائی حکمت امام و تدبیر امام را درمیابیم؛ چرا؟ چون هر نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی، با این آرمانهای بلند، با این ضدیت و مخالفتی که با استکبار و بیعدالتی بین‌المللی دارد، با ایستادگی‌ای که در

^{۴۳}. بیانات در دانشگاه فرهنگیان ۱۳۹۷/۰۲/۱۹

^{۴۴}. بیانات در دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب ۱۳۹۸/۰۲/۳۰

^{۴۵}. بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه ۱۳۹۷/۰۳/۲۰

^{۴۶}. بیانات در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور ۱۳۹۴/۰۲/۱۶

^{۴۷}. بیانات در دیدار شاعران ۱۳۹۳/۰۴/۲۱

مقابل شیاطین قدرت در سرتاسر جهان دارد، دشمنهای گردن کلفتی دارد. چالش ایجاد میکنند، مشکل به وجود می‌آورند. اگر اینچنین نظامی بخواهد بماند، باید یک نیرو و ظرفیت عظیمی از او نگهداری کند، تا بتواند ایستادگی کند، تا بتواند پیشرفت کند و متوقف نماند. در انقلاب اسلامی، با تدبیر امام - که از متن اسلام گرفته شده بود - این نیروی نگهدارنده عبارت است از اراده‌ی مردم، عزم مردم، حضور مردم. لذا نظام اسلامی چالشها را درنوردید و بر چالشها پیروز شد. به اطمینان کامل میشود گفت که جمهوری اسلامی تا امروز بر همه‌ی چالشهای سخت و نرم که در مقابل او قرار گرفت، پیروز شده است و به عون الهی، به فضل الهی، به هدایت الهی، بر هر چالش دیگری هم در آینده پیروز خواهد شد... دشمنان غربی ما بدانند که این نظام به خاطر حضور مردم، یک نظام دارای استحکام و اقتدار است. سیاستگذاران غربی، اینجا را اشتباه نکنند با بعضی از کشورهایی که انقلاب کردند، بعد هم همان جوری که غرب مایل بود راهشان را تغییر بدهد، تغییر دادند. اینجا مردمند. اینجا بافت عمومی کشور - یعنی مردم در بخشهای مختلف کشور و از طبقات مختلف - در این انقلاب ذی‌سهمند، ذینظرند، اراده و عزم آنها تأثیر میگذارد. اگر یک مسئولی هم بخواهد کنجروی کند، بخواهد حرکت دیگری در قبال حرکت انقلاب به راه بیندازد، مردم او را حذف میکنند. این آن چیزی است که همه‌ی مردم دنیا و سیاستگذاران کشورهای گوناگون باید این را بدانند؛ و البته میدانند، این را احساس هم کردند.^{۴۸}

همیشه دشمنان ملت‌ها، سعی کردند آن ملت‌ها را تحقیر کنند. تحقیر فقط این نیست که به آنها اهانت کنند یا دشنام بدهند؛ مهم‌ترین تحقیر این است که احساس حقارت را در دل آنها

^{۴۸}. بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۲۰/۰۷/۱۳۹۰

به وجود بیاورند. یک ملت هنگامی که از برجستگی‌های خود، امتیازات خود، ارزشهای خود غفلت کرد، خود را کوچک دید، حقیر دید، این ملت دیگر راه به جایی نخواهد برد؛ هر ناکسی بر چنین ملتی بر چنین مردمی مسلط خواهد شد.^{۴۹}

استکبار وقتی وارد کشوری شد و بر آن کشور مسلط گردید، هویت ملی آن ملت را انکار می‌کند. منابع آن کشور را غارت می‌کند، در امور سیاسی آن کشور دخالت می‌کند؛ اما همه‌ی اینها فرع انکار هویت آن ملت است. استکبار، اول هم که وارد می‌شود، نمی‌گوید من می‌آیم تا هویت ملی شما مردم را انکار کنم؛ این طور که نمی‌آید؛ به بهانه‌های مختلف وارد می‌شود. وقتی وارد شد، آن چیزی را که هدف می‌گیرد، هویت ملی است. یعنی فرهنگ، اعتقادات، دین، اراده، استقلال، حکومت، اقتصاد و همه چیز را از آن ملت سلب می‌کند و در مشت خود می‌گیرد؛ همان چیزی که در ایران قبل از انقلاب اتفاق افتاده بود.^{۵۰}

○ ۵- عبرت گرفتن از گذشته

در تاریخ کشور ما جابه‌جائیهای قدرت، آمدن سلسله‌های سلاطین و رفتن آنها، به مردم ارتباطی نداشته است؛ لیکن همین سلسله‌های حکومتی و سلطنتیای که در طول تاریخ ما وجود داشته‌اند، هر کدام از آنها که توانسته‌اند رابطه‌ی خودشان را با مردم به یک نحوی محکم و گرم و دوستانه کنند، پایداریشان، موفقیتشان در اداره‌ی کشور و در عزت ملی بیشتر بوده است؛ هر کدام، از مردم منقطع شدند، همه چیز را از دست دادند. که نمونه‌ی اتم آن، سلسله‌ی قاجار و سلسله‌ی منحوس پهلوی در این دوره‌های اخیر است. ما یک تجربه‌ی مشروطیت را داریم در دوران نزدیک خودمان، و یک تجربه‌ی ملی شدن صنعت نفت را. در این دو، مردم حضور داشتند،

^{۴۹}. ۰۱/۱۱/۹۳. بیانات دیدار قهرمانان و ورزشکاران مسابقات آسیایی و پارا آسیایی

^{۵۰}. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۲/۰۸/۱۳۷۸

شرکت داشتند؛ عامل پیروزی هر دو نهضت، مردم بودند؛ ولی از مردم جدا شدند. در نهضت مشروطیت، انگلیسها با مکر و کلک خودشان، با حيله و خدعه‌ی خودشان، آمدند بر امواج مشروطیت سوار شدند، مردم و رهبران مردمی را کنار زدند؛ مشروطیت سر از قلدری رضاخان درآورد. در قضیه‌ی صنعت نفت و ملی شدن نفت هم در اول دهه‌ی ۳۰ شمسی در کشورمان، مردم عامل بودند، مردم مؤثر بودند، حضور آنها موفقیت‌آور بود؛ لیکن دیری نپائید که از مردم جدا شدند، به مردم پشت کردند؛ کودتای آمریکائی آمد امور را قبضه کرد و کشور را مجدداً به استبداد کشاند.^{۵۱} ملت ما از صد و پنجاه سال پیش، صد سال پیش، بر اثر عوامل گوناگون، در خود احساس حقارت می‌کرد؛ خودکم‌بینی احساس می‌کرد؛ از جنگهای دوران قاجار بگیرد و آن شکستهای سخت و از دست دادن شهرهای مختلف در زمان قاجار، تا بعد در دوران پهلوی، زمان رضا خان، آن دیکتاتوری و سرکوب سخت ملت، که مجال نفس کشیدن به کسی داده نمی‌شد؛ بعد در دوران بعد از پهلوی اول، زمان محمد رضا، با حضور آمریکائی‌ها، با ایجاد سازمان امنیت و ساواک، با آن رفتار خشنی که با مردم می‌کردند، مردم احساس می‌کردند که هیچ توانی دیگر برایشان نمانده است. در چند مسئله‌ی مهم ملت ایران احساس شکست کرد؛ از قضیه‌ی مشروطه که ملت ایران شکست خورد بعد از اینکه پیروز شده بود، تا قضیه‌ی نهضت ملی که باز ملت ایران با آنکه یک حرکت عظیمی را کرد، متصلیان و مسئولان نتوانستند این حرکت را نگه دارند و ملت ایران شکست خورد؛ بعد از آن یک دیکتاتوری سخت از سال ۳۳ تا سال ۵۷- در طول بیست و چهار سال- بر مردم حاکم بود، که مردم واقعاً روحیه‌ای دیگر نداشتند. از طرفی روشن‌فکران غرب‌زده که خیلی از آنها در دستگاه‌های حکومت ظالم حضور داشتند، با حرف خودشان و با عمل خودشان به مردم این جور تفهیم کرده بودند که شما عرضه ندارید؛ عرضه‌ی

^{۵۱}. بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۲۰/۰۷/۱۳۹۰

هیچ کاری را ندارید؛ باید تقلید کنید. در علم تقلید کنید، در صنعت تقلید کنید، در فرهنگ تقلید کنید، در لباس تقلید کنید، در خوراک تقلید کنید، در حرف زدن تقلید کنید. حتی کار را به جایی رسانند که یک وقتی گفتند: باید خط فارسی را تغییر بدهیم! ببینید چقدر یک ملت باید از استقلال و عزت نفس دور شده باشد که جرأت کنند کسانی بگویند خط را تغییر باید بدهید. خط فارسی که هزار سال میراث علمی ما با آن نوشته شده است، این را عوض کنیم، تغییر بدهیم، خط اروپائی‌ها را بیاوریم و از آن‌ها تقلید بکنیم؛ کار را به اینجا رسانده بودند. امام آمد این روح حقارت را گرفت و در طول پانزده سال نهضت امام تا پیروزی انقلاب و از روز پیروزی انقلاب به نحو دیگری تا ده سال عمر بابرکت آن بزرگوار، دائم روح خودباوری را در این ملت دمید: شما می‌توانید، ما می‌توانیم، شما قادرید، شما بزرگید، شما قدرت‌مندید. (بیانات در جمع تعدادی از خانواده‌های شهداء ۰۳/۰۳/۱۳۸۸)

ما یک سابقه‌ی تلخی داریم؛ در یک دوران طولانی، ژن ناتوانی، ژن نیتوانیم، ژن وابستگی به دیگران را در ما تزریق کردند؛ در یک دوران طولانی، از دوران قاجار تا دوران پهلوی، در ملت ما -همین ملت با استعداد- این احساس درونی عدم توانایی و عدم قدرت، ایجاد شد؛ و [آن را] در ما -در مجموعه‌ی جامعه‌ی ایرانی- نهادینه کردند؛ این سابقه را ما داریم. نتیجه این شد که ما به عنوان یک ملت، هویتمان در ذیل غرب تعریف شد. (در دیدار نخبگان علمی جوان ۲۸/۰۷/۱۳۹۵).

ما ملتی بودیم که در طول سالیان متمادی، استعمار و استکبار با تلاش سیاسی و فرهنگی خود، هویت اسلامی و ملیمان را گرفته بود و هرگاه می‌خواستیم قیام و تحرکی بکنیم، غالباً با خطر و مشکل مواجه می‌شدیم و در بلندمدت نمی‌توانستیم ایستادگی کنیم. یعنی استکبار و ایادی داخلی آنها و بخصوص حکومت‌های ستمگر، آن‌چنان فشاری بر مردم ما وارد آورده بودند که شیرهی حیات و جوهر انسانیت را از

درون جامعه‌ی ما زدوده بودند و توان ملت بزرگ و بافرهنگ ما را - چه در ماجراهای مشروطیت، و چه در قضایای بعد از آن - گرفته بودند. (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۰۳/۱۹)؛

ملت بزرگ ایران، با این سابقه‌ی تاریخی و موارث عظیم فرهنگی و علمی و تاریخی، در مقابل حکام زورگو و فاسد، و پشت سر آنها در مقابل مستعمران و سلطه‌گران بین‌المللی تحقیر شد. انقلاب ما این را از بین برد، تبدیل کرد به عزت ملی. (خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

عزیزان من! دهها سال دشمنان این ملت سعی کرده‌اند شناسنامه‌های تاریخی ما را پاره کنند، امحاء کنند، از بین ببرند. ما را با یک ملت بی‌ریشه اشتباه گرفتند؛ ما را با ملت‌هایی که نه تاریخ دارند، نه سابقه‌ی تمدن دارند، نه طومار بلندی از نام عالمان و دانشمندان و هنرمندان در طول تاریخ دارند، اشتباه گرفتند؛ با ما بد رفتار کردند. یک عده هم از میان خود ما متأسفانه فریب خوردند، قضاوت دشمن را درباره‌ی ملت ایران و درباره‌ی مردم ایران پذیرفتند. (دیدار مردم یزد ۱۳۸۶/۱۰/۱۲)؛

❖ ج. یگانگی الگوی حرکت عمومی ملت ایران با ایمان به مردم

انقلاب، انقلاب مردمی است؛ در همه‌ی برنامه‌ها بایستی مردم در درجه‌ی اول قرار بگیرند. خب، اسم مردم آورده میشود؛ مکرر انسان می‌شنود. خوب هم هست که مسئولین کشور تکیه کنند بر روی مردم و نام مردم را بیاورند... متها مردم را بشناسند؛ همه باید مردم را بشناسیم؛ ببینید، در دوران رژیم طاغوت... مجموعه‌ی روشنفکرهایی بودند... تا یک صحبتی میشد، میگفتند «مردم، برای مردم، دفاع از مردم»! از این حرفها؛ درحالی که اشتباه میکردند... نه آنها مردم را می‌شناختند، نه مردم آنها را می‌شناختند؛ نه آنها حرف مردم را میفهمیدند، نه مردم

حرف آنها را میفهمیدند... حرفی که آنها میزدند، برای مردم اصلاً باورپذیر نبود... امام وقتی از سال ۴۱ وارد میدان مبارزه شد، هم او مردم را می‌شناخت، هم مردم سخن امام را شناختند، فهمیدند، دنبال کردند، انقلاب به وجود آمد. بنابراین باید مردم را شناخت.^{۵۲}

○ ۱- اسلامی سازی دولت با مردم سالاری دینی

ما میخواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدفها [ای اسلامی] را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است... انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است... بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی میرسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ بتدریج و با تلاش بلید به وجود آید. مسؤولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسؤول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی - اگر هستند - سر کار بیایند؛ یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی میکنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیأت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسؤولان کشور، رهبری و همه. مرحله‌ی چهارم - که بعد از این است - کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر بتدریج ریشه‌کن میشود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقاء پیدا میکند؛ این میشود کشور اسلامی. از این مرحله که

^{۵۲}. (۱۹/۱۱/۱۳۹۶) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران

عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی میشود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید. ما در کدام مرحله‌ایم؟ ما در مرحله‌ی سومیم؛ ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم. هیچ کس نمیتواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است... ما کم داریم. ما باید خودمان را بسازیم و پیش ببریم. ما باید خودمان را تربیت کنیم... آنچه که من در پایانِ مطلبِ امروز میخواهم عرض کنم این است، امروز بهترین چیزی که ممکن است ما بتوانیم برای تصحیح اخلاق و رفتار و منش خودمان - یعنی مسؤولان کشور - ملاک قرار دهیم، مردم‌سالاری دینی است؛ همین چیزی که بارها گفته‌ایم و تکرار شده است.⁵³

مسئله‌ی اصلی ما، مسئله‌ی مردم است؛ حضور مردم، میل مردم، اراده‌ی مردم، عزم راسخ مردم. این را باید عرض کنیم؛ در همه‌ی تحولات و جنبشهای گوناگون اجتماعی بزرگ، نقش مردم، نقش معیار است. یعنی گسترش یک تحول، گسترش یک فکر، گسترش نفوذ یک مصلح اجتماعی، وابسته‌ی به این است که با مردم چقدر ارتباط داشته باشد. هرچه ارتباط او و آن جریان و آن جنبش و آن تحول با مردم بیشتر باشد، امکان موفقیت او بیشتر است؛ اگر از مردم منقطع شد، دیری نخواهد پائید، کاری نخواهد کرد. البته در تاریخ کشور ما جابه‌جائیهای قدرت، آمدن سلسله‌های سلاطین و رفتن آنها، به مردم ارتباطی نداشته است؛ لیکن همین سلسله‌های حکومتی و سلطنتیای که در طول تاریخ ما وجود داشته‌اند، هر کدام از آنها که توانسته‌اند رابطه‌ی خودشان را با مردم به یک نحوی محکم و گرم و دوستانه کنند، پایداریشان، موفقیتشان در اداره‌ی کشور و در عزت ملی بیشتر بوده است؛ هر کدام،

⁵³ . دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۹/۱۲

از مردم منقطع شدند، همه چیز را از دست دادند... در طول تاریخ ما، هیچ حادثه‌ای مثل حادثه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی و حوادث بعد از آن نبوده است که مردم در آن، نقش مستقیم داشته باشند... در طول این سالهای متمادی، دولتهای گوناگون و ذائقه‌های سیاسی گوناگون بر سر کار آمدند - چه در مجلس با سلاطین سیاسی مختلف، چه در قوه‌ی مجریه - بعضیها حتی با اصول نظام زاویه هم داشتند؛ لیکن ظرفیت عظیم نظام، بدون اینکه ناشکیبائی نشان بدهد، توانسته است همه‌ی این مسائل را از سر بگذراند؛ توانسته است همه‌ی این مشکلات را در خود حل و هضم کند؛ به خاطر حضور مردم، به خاطر ایمان مردم، به خاطر پابندی مردم به نظام اسلامی؛ یعنی خودشان را صاحب کشور دانستن... [بنا بر این] هر جایی که مسئولین کشور تواناییهای مردم را شناختند و به کار گرفتند، ما موفق شدیم. هر جایی که ناکامی هست، به خاطر این است که ما نتوانستیم حضور مردم را در آن عرصه تأمین کنیم. ما مسائل حل نشده کم نداریم. در همه‌ی مسائل گوناگون کشور، مسئولین باید بتوانند با مهارت، با دقت، با ابتکار، راه‌هایی را برای حضور مردم پیدا کنند - همچنان که در عرصه‌ی بسیار دشوار جنگ این اتفاق افتاد، راه باز شد؛ کسانی توانستند راه را باز کنند - تا هر جوانی، هر پیری، هر مردی، هر زنی که بخواهد در این کار بزرگ شرکت کند، راه برایش باز باشد. در زمینه‌های گوناگون هم میشود، در اقتصاد هم میشود. اقتصاد کشور، تولید کشور میتواند به وسیله‌ی همت مردم، با پول مردم، با ابتکارهای مردم، با انگیزه‌های مردم، چندین برابر شکوفائی پیدا کند.^{۵۴}

کار دست مردم، صحنه دست مردم، ابتکار عمل دست مردم؛ این هنر امام بود؛ این هنر امام بزرگوار بود؛ صحنه را داد دست صاحبان کار؛ چون کشور صاحب دارد. در دوران

^{۵۴}. بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۲۰/۰۷/۱۳۹۰

طاغوت میگفتند کشور صاحب دارد؛ صاحب کشور کیست؟ شاه؛ درحالی که او یک انگل و سربار و زیادی در کشور بود، نه صاحب کشور؛ صاحب کشور مردمند؛ بله، کشور صاحب دارد؛ صاحب کشور کیست؟ مردم. کار وقتی دست خود مردم سپرده شد - که صاحبان کشورند، صاحبان آینده‌اند - آن وقت کارها به سامان خواهد رسید. تدبیر مسئولان در هر برهه‌ای از زمان در دوران جمهوری اسلامی، باید این باشد؛ کارها با تدبیر، با برنامه‌ریزی، با ملاحظه‌ی همه‌ی ظرایف و دقایق در اختیار مردم گذاشته بشود؛ آن وقت کارها پیش خواهد رفت. ما هم از اول انقلاب تا امروز هر وقتی هر کاری را محول به مردم کردیم، آن کار پیش رفته است؛ هر کاری را انحصاری در اختیار مسئولان و رؤسا و مانند اینها قرار دادیم، کار متوقف مانده است. نمیگوییم حالا همیشه هم متوقف مانده اما غالباً یا متوقف یا کند [شده]؛ اگر متوقف نمانده است، کند پیش رفته است. اما کار دست مردم که افتاد، مردم کار را خوب پیش می‌برند. این مخصوص ما هم نیست؛ این را هم عرض بکنم که این مخصوص ما ایرانی‌ها نیست. در هر نقطه‌ای اگر کار دست مردم قرار گرفت و مردم دارای هدف بودند - [نه] آدمهای بی‌هدف، آدمهای سرگردان در امور زندگی، گرفتار امور روزمره‌ی شخصی، آنها نه - هر جور کاری، سخت‌ترین کارها، کارهای نظامی، کارهای امنیتی، دست مردم وقتی افتاد، صحنه وقتی در اختیار مردم قرار گرفت، پیش خواهد رفت... این یک قاعده‌ی کلی است. در هر مسئله‌ای از مسائل خرد و کلان کشور که ما حضور مردمی را داشتیم، این معجزه را مشاهده کردیم.⁵⁵

کارها بدون عزم و اراده‌ی ملی تحقق پیدا نمی‌کند.⁵⁶ اینکه بنده در همه‌ی صحبتها یا در بسیاری از صحبتها تکیه می‌کنم بر روی نقش جوانها، بر روی نقش مردم، ناظر به این قضیه

⁵⁵. دیدار با مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

⁵⁶. گزیده‌ای از بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۸/۰۷/۰۴

است. برادران، خواهران، کسانی که این سخن را خواهید شنید! زمام امور بهبود اوضاع این کشور، دست مردم این کشور است؛ بخصوص دست جوانان. همه چیز در سایه‌ی عزم مردم، تصمیم مردم، بصیرت مردم، و ایمان مردم در این کشور میتواند در مجرای صحیح خودش قرار بگیرد و کشور را به نقطه‌ی مطلوب خودش برساند. اینکه ما دائم می‌گوییم «ظرفیتهای داخلی، ظرفیتهای داخلی»، این را بیلید جدی گرفت؛ هم در زمینه‌ی مسائل فرهنگی، هم در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، هم در زمینه‌ی مسائل اجتماعی. در همه‌ی زمینه‌ها، حتی در زمینه‌های اختصاصی دستگاهها، مثل زمینه‌های امنیتی و غیره هم این مردم هستند که میتوانند کمک کنند، پیش ببرند کارها را و اصلاح کنند... علاج کارهای گوناگون، مشکلات گوناگون کشور دست مردم است؛ به بیگانه نباید نگاه کرد... بدانید علاج مشکلات در داخل کشور است، حل مشکلات به دست این مردم است⁵⁷.

[خلاصه اینکه] هر کاری که مردم وارد شدند، قطعاً گشایش در آن به وجود می‌آید، تا حالا هم این جور بوده؛ در همه‌ی اموری که مردم توانستند وارد بشوند، در آن کار گشایش به وجود آمده [است].⁵⁸

○ ۲- گام دوم، گام باور به حرکت عظیم مردمی

اینکه ما گفتیم گام دوم، معنایش این است که همان انگیزه‌ای، همان حرکتی، همان همّت بلندی که توانست این کشور را بعد از سالهای متمادی از زیر لگد استعمارگران و مستکبرین خارج کند... امروز وجود دارد برای اینکه بتواند یک حرکت عظیمی را انجام

⁵⁷. بیانات در ابتدای درس خارج فقه ۱۳۹۸/۰۶/۲۶

⁵⁸. سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۱۴۰۰/۰۱/۰۱

[آری] آنچه در گام دوم انقلاب باید اتفاق بیفتد، اولاً شناختن و جدی گرفتن داشته‌های خود است؛ داشته‌های خودمان را بایستی بشناسیم و آنها را جدی بگیریم؛ مزیت‌های خود، ظرفیت‌های خود، مزیت‌های کشور، ظرفیت‌های کشور، اینها را باید بشناسیم، جدی بگیریم اینها را، اینها را به کار بگیریم و از اینها استفاده کنیم؛ کشور خیلی ظرفیت وسیعی دارد؛ ثانیاً، آنها را بشناسیم، فسادها را بشناسیم، راه‌های رخنه‌ی دشمن را بشناسیم و در مقابل آنها به طور جدی ایستادگی کنیم. امروز گام دوم انقلاب این است؛ شناختن ظرفیت‌ها و مزیت‌ها و استفاده‌ی از آنها، و شناختن فسادها و رخنه‌ها و کمبودها و مشکلات و سینه سپر کردن برای حل آنها.^۱ [و] در رأس برجستگی‌های کشور ما، همین ملت عزیز ایرانند؛ همین ملت پُرشور، همین ملت بابصیرت... این بزرگ‌ترین نقطه‌ی قوت کشور ما است.^{۶۰}

○ ۳- تنها راه تحول، تکیه بر ظرفیت مردمی

امام بزرگوار ما سه عمل عظیم و بزرگ و تاریخی انجام داد، سه تحول بزرگ به وجود آورد، یکی در سطح کشور ایران، یکی در سطح امت اسلامی، و یکی در سطح جهان؛... نکته‌ی مهم... این است که... امام این کارهای بزرگ را به پشتیبانی و کمک کدام عاملِ سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری انجام داد؟... امام، عامل کمک‌کننده‌ی سخت‌افزاری نداشت؛... هر چه بود، در کمکِ عامل نرم‌افزاری امام بود؛ عامل نرم‌افزاری امام چه بود؟... عبارت بود از ایمان او و امید او؛... ایمان به هدف... ایمان به راه... **ایمان به مردم**، به مؤمنین؛... و از همه بالاتر، ایمان به رب؛... امید [هم] در دل امام یک عنصر دائمی بود. امید، موتور حرکت امام بزرگوار

۱۳۹۸/۰۲/۰۴ . ۵۹

۹۷۰۳/۱۴ . ۶۰

بود. این امید در رفتار امام، در گفتار امام بوضوح دیده میشود... خود امام بزرگوار در یک بیانی که در نوشته‌های ایشان ثبت شده و منتشر شده، میگوید که من در طول سالهای مبارزه تا پس از پیروزی هرگز دچار یأس نشدم و معتقد بودم که وقتی ملت چیزی را بخواهد، آن چیز حتماً تحقق پیدا میکند... خوب تا اینجا مربوط به امام بزرگوار... حالا ما هستیم و درس گرفتن از امام. امروز... ما هم راه طولانی‌ای در پیش داریم؛ ما هم کارهای بزرگی در پیش داریم؛... ما باید همان سه تحوّل را که امام در داخل کشور، در سطح امت و در سطح جهان ایجاد کرد، تعقیب کنیم، دنبال کنیم، حفظ کنیم. دنبال کردن این هدف امروز... احتیاج دارد به همان نرم‌افزاری که امام در وجود خود داشت و به مردم توصیه میکرد؛ یعنی ایمان و امید.^{۶۱}

این جزو مسکّات این دوره‌ی از انقلاب است برای گام دوم... یک حرکت کلی‌تر و عمومی‌تر و جامع‌تری در این زمینه باید انجام بگیرد.^{۶۲} امروز ملت ایران نیاز دارد، احتیاج دارد که این [تحوّلهایی که امام ایجاد کرد] را دنبال بکند و حیات او، قدرت او، عزّت او، اصلاح کار ملت ایران، وابسته‌ی به دنبال کردن این تحولات امام است.^{۶۳}

مراد از تحوّل در بیان ما و در منطق ما عبارت است از اینکه ما به سمت تقویت مبانی انقلاب و اصول انقلاب و خطوط اصلی انقلاب حرکت کنیم، متنها با شیوه‌های نو و با نوآوری و ابتکار... و روان شدن حرکت به سمت آرمانها است.^{۶۴} آنچه بنده از کلمه‌ی تحوّل به عنوان تحوّل اراده میکنم، عبارت است از تغییر بخشها و نقاط معیوب؛ چه در نظام اسلامی، چه در جامعه‌ی ایرانی. ما نقاط معیوب داریم، بخشهای ضعیف داریم، ضعفهایی داریم؛ این

^{۶۱}. بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴۰۲/۰۳/۱۴

^{۶۲}. ۱۴۰۰/۰۲/۲۱

^{۶۳}. ۱۴۰۲/۰۳/۱۴

^{۶۴}. ۱۴۰۰/۰۲/۲۱

ضعفها را باید شناسایی کنیم، این نقاط را باید مشخص کنیم و با اراده‌ی قاطع... ضعفها را برطرف کنیم و تبدیل به قوت کنیم... هدف / این حرکت تحوّل، تقویت نقاط قوت و برطرف کردن نقاط ضعف است... [البته] تحوّل، کار دشوار و سنگینی است و احتیاج دارد به اعتماد به نفس ملی... این یک. ثانیاً نیاز داریم به هوشیاری. اگر هوشیار نباشیم، غافل باشیم، به عنوان تحوّل، به نام تحوّل ممکن است به نقاط قوت خودمان ضربه بزنیم؛... اگر بخواهیم به نقاط قوتمان ضربه وارد نشود، باید نقاط قوت را بشناسیم... در هر تحوّل، روی این نقاط قوت باید تکیه کرد، آنها را باید افزایش داد، نقاط قوت را باید برجسته‌تر کرد و گسترده‌تر کرد، اما در کنار اینها نقاط ضعفی هم وجود دارد. تحوّل، ناظر به تغییر نقاط ضعف است.^{۶۵}

وبه نظر من راه منحصربه‌فرد [تحوّل] جوانهایند. جوانهای زبده و خوبی داریم؛ چون در جوان، هم فکر نو هست، هم [توانایی] یافتن شیوه‌های نو هست، هم نیرو و توان لازم هست، هم جرئت اقدام هست؛ اینها همه در جوانها جمع است و خیلی مغتنم است؛ یعنی ابزار لازم برای یک حرکت تحوّل همینها است: فکر نو، ابتکار، جرئت حرکت، میل کامل به این حرکت. اینها از لوازم حتمی یک حرکت تحوّل است و این هم در جوانها وجود دارد، [لذا] بایستی برای یک چنین کاری دنبال جوانهای نخبه رفت... بایستی بعضی جوانها در بخشهای تصمیم‌گیری، بعضی در بخشهای تصمیم‌سازی، بعضی هم در بخش اجرا حضور داشته باشند و بتوانند عمل بکنند و به نظر من این کاری است کاملاً شدنی؛ یعنی اگر واقعاً یک دولتی سر کار بیاید که مسئولین بالای دولت اعتقاد به جوانها داشته باشند، اطمینان به جوانها داشته باشند، همچنان که امام بزرگوار داشت و کار را با جوانها پیش برد، اگر یک چنین

۶۵. ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

دولتی سر کار بیاید، به نظر من مشکلات خیلی زود حل خواهد شد؛ همه‌ی این مشکلاتی که امروز جلوی چشم ما است و با همه‌ی دشواری‌ها و پیچیدگی‌ها و مانعها و مانع‌تراشی‌ها و دشمنی‌هایی که از خارج و بعضاً از داخل صورت می‌گیرد، به نظر من همه‌ی این کارها، همه‌ی این آرمانها و خواسته‌ها و مطالب، قابل تحقق است... بنابراین... راه ایجاد تحوّل عبارت است از تشکیل یک دولت معتقد به تحوّل و معتقد به عنصر تحوّل‌آفرین، یعنی عنصر جوان نخبه‌ی مؤمن انقلابی... پس شرطش حضور یک دولتی است که معتقد به جوانها باشد و جوانها را به کار بگیرد و این کار انجام خواهد گرفت.^{۶۶}

○ ۴- ابتناء نگاه کلان به عظمت انقلاب بر ایمان به مردم

نگاه کلان به انقلاب - یعنی نگاه به انگیزه‌ها و زمینه‌ها و عوامل بالادستی انقلاب و تشکیل نظام، و نگاه به *عامل محوری انقلاب* یعنی *مردم و ایمان دینی آنها*، و نگاه به هزینه‌ها - موجب میشود که ما در هر شأنی که هستیم و در هر جا که هستیم، به مسائل جزئی و کوچک خیلی اهمیت ندهیم، به *عظمت انقلاب و حرکت عمومی* انقلاب نگاه کنیم.^{۶۷}

گاهی اوقات انسان میبندد مثلاً فرض کنید یک نظرسنجی‌هایی را درباره‌ی نظرات مردم ابراز میکنند، [اما] اینها حقیقت ملت ایران را نشان نمیدهد؛ حقیقت ملت ایران را جریان تشیع شهید سلیمانی نشان میدهد؛ اینها است که نشان میدهد ملت ایران چه حال و هوایی دارند، چه روز و روزگاری را میگذرانند، احساساتشان چیست، باطنشان چیست؛ یعنی یک عرصه‌ای به عظمت و پهنای کشور ایران و ملت ایران لازم است که بتواند حقیقت این ملت را و باطن این ملت را نشان بدهد. این نظرسنجی‌هایی که حالا بعضی باغرض یا بی‌غرض در گوشه و کنار

۱۴۰۰/۰۲/۲۱ .^{۶۶}

۱۳۸۷/۰۲/۱۱ .^{۶۷}

انجام میدهند، نمیتواند ملاک باشد⁶⁸ واقعاً شهادت شهید سلیمانی یک حادثه‌ی تاریخی و عجیب شد؛ هیچ کس فکر نمیکرد، دوستان هم فکر نمیکردند که این حادثه این جور عظمت پیدا بکند و خدای متعال به این حادثه برکت بدهد تا بتولند هویت دینی و انقلابی مردم را جلوی چشم همه قرار بدهد و همه ببینند. ملت ایران، زیر تابوت شهید سلیمانی به معنای واقعی کلمه هویت خودش را نشان داد، وحدت خودش را نشان داد.⁶⁹

عزیزان من! باور کنیم آن حرکتی که این ملت قوی و شجاع و مؤمن به رهبری امام بزرگوار و عزیز ما به وجود آورد و انجام داد، در طول تاریخ - نه اینکه در زمان ما - کم‌نظیر است. کار عظیمی شد، کار بزرگی شد. من و شما که در دل این کار قرار گرفته‌ایم و هر کدام به قدر وسع خودمان، توان خودمان، عرضه‌ی خودمان داریم یک حرکتی میکنیم، نمیتوانیم یک ارزیابی کاملی از این حرکت عظیم بکنیم؛ مگر آن وقتی که انسان خودش را از این ابعاد خارج کند؛ فکر کند، مقایسه کند، وضع دنیا را ببیند؛ حرکت‌های عظیم جهانی و بشری را ببیند؛ انگیزه‌های گوناگونی را که پشت سر حرکت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی هست، مشاهده کند؛ نقش قدرتهای مستکبر را - همان «اکابر مجرمیها لیمکروا فیها» که در قرآن هست - ببیند؛ نقش سیاستهای مخرب را در قبضه کردن دنیا و فشردن بشر در بین چنگالهای خونین و آهنین خودشان به خاطر منافع خاص، مشاهده کند؛ بعد ببیند این حرکت چه حرکت عظیمی بود.^{۷۰}

○ ۵- مقابله با جنگ نرم دشمن بر بدبین کردن مردم به خود

دشمنان این ملت، بزرگترین جایزه را به کسانی می‌دهند که بتوانند پایه‌های ایمان به

68. بیانات در ارتباط تصویری با مردم قم ۱۴۰۰/۱۰/۱۹

69. بیانات در ارتباط تصویری با مردم قم ۱۴۰۰/۱۰/۱۹

۷۰. بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور ۱۴/۰۲/۱۳۹۰

خدا، **ایمان به مردم**، ایمان به راه و ایمان به موفقیت را در دل‌های مردم تضعیف کنند.^{۷۱} «عظمت ایران»، «اقتدار جمهوری اسلامی» و «شکست‌ناپذیری ملت ایران»؛... اینها واقعیاتی است که دشمنان ملت ایران آرزو میکنند که ما اینها را ندانیم یا از آنها غفلت کنیم و گمان دیگری در مورد خودمان و کشورمان و ملتمان ببریم.^{۷۲}

دشمن سعی خودش را میکند برای اینکه همه را ناامید بکند. خب این طراح‌ی دشمن است. امروز طراح‌ی دشمن، بدبین کردن ما به خودمان است. میخواهند به خودمان بدبینمان کنند؛ به دولت‌مان بدبین بشویم، به محیط دانشجویی‌مان بدبین بشویم، به مردم‌مان بدبین بشویم.^{۷۳} رسانه‌های جورواجور بدخواه، اصرارشان این است که ثابت کنند ملت ایران از اعتقادات دینی روگردان شده، از احساسات انقلابی روگردان شده. اصرار دارند؛ این را بارها و بارها آنها میگویند، یک دنباله‌هایی هم اینجا دارند که اینها هم میگویند.^{۷۴}

با نگاه من، آن طور که بنده اوضاع را مشاهده میکنم، دشمن ملت را هدف گرفته، افکار عمومی را هدف گرفته، فکر جوانها را هدف گرفته؛ میلیاردها دلار دارند خرج میکنند، در این اتاقهای فکرشان... برای اینکه ملت ایران را و بخصوص جوانها را از این راه برگردانند.^{۷۵} امروز هدف جنگ نرم دشمن و جنگ پنهان دشمن، این است که مردم را از عرصه‌ی جهاد و مقاومت دور کند، مردم را نسبت به آرمانها بی‌تفاوت کند؛ هدفشان این است... اگر فشار اقتصادی هم می‌آورند، هدف این است؛ اگر فشار سیاسی هم می‌آورند، هدف این است؛ اگر

^{۷۱} .بیانات در مراسم هفدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۸۵/۰۳/۱۴

^{۷۲} .بیانات در همایش ده‌هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی ۱۳۹۷/۰۷/۱۲

^{۷۳} .بیانات در دیدار رضائی دانشجویان ۱۴۰۲/۰۱/۲۹

^{۷۴} .بیانات در دیدار رضائی دانشجویان ۱۴۰۲/۰۱/۲۹

^{۷۵} . ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

فشار امنیتی هم می‌آورند، هدف این است.^{۷۶}

[البته] هدف این است که توده‌های مردم مورد اغوا قرار بگیرند اما وسیله‌ی اغوای توده‌های مردم، *اغوای خواص* است. امروز یکی از کارهای مهم، اغوای خواص جامعه است، یعنی کسانی که عنوانی دارند و امکانی دارند و احیاناً سوادِی دارند و مانند اینها. چون وقتی خواص اغوا شدند، اگر به این خواص اغوا شده فرصت داده بشود و امکان داده بشود، راحت توده‌ی مردم را اغوا خواهند کرد. یکی از سنگین‌ترین جنگهای نرم تاریخ کشور ما امروز در همین زمینه در جریان است.^{۷۷}

^{۷۶}. ۱۳۹۵/۰۷/۰۵

^{۷۷}. دیپار خبرگان ۱۴۰۰/۱۲/۱۹

فصل دوم: هویت ایمانی ملت در آئینه روایت امام

امروز این شجره‌ی طیبه‌ی جمهوری اسلامی و ملت ایران، شجره‌ی طیبه‌ای است که «أصلها ثابتٌ و فرعها في السماء» (ابراهیم/۲۴) روزبه‌روز به فضل الهی ما پیشرفت کردیم، روزبه‌روز قوی‌تر شدیم؛ بعد از این هم همین خواهد بود؛ و این نسخه‌ی حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است.^{۷۸}

❖ الف. شجره طیبه جمهوری اسلامی و ملت ایران

امام بزرگوار ما توانست یک هویت جدیدی را در دنیای پرآشوب سیاست، در این منطقه به وجود بیاورد و آن، هویت جمهوری اسلامی و ملت زنده‌ی ایران است که توانستند این جمهوری را ایجاد کنند و از آن پاسداری کنند. این، یک هویت اسلامی و یک هویت ملی است و این هویت، مخصوص ملت ایران هم نیست. هویت اسلامی، متعلق به همه‌ی امتهای اسلام است. امام بزرگوار ما با همت ملت ایران توانست این هویت را ایجاد کند و آن را زنده کند.^{۷۹}

○ ۱- جمهوری اسلامی، هویت ایمانی ملت ایران

جمهوری اسلامی هویتی غیر از هویت و ایمان و عزم مردم ندارد.^{۸۰} جمهوری اسلامی، محصول انقلاب اسلامی... و دستاورد جان‌فشانی یک ملت،^{۸۱} همان هویت کلی است که... ملت و صاحبان انقلاب... آن را انتخاب کردند.^{۸۲} حقیقت بسیار واضحی... که به خاطر کثرت

^{۷۸}. امام خامنه‌ای مدظله العالی ۱۳۹۷/۰۹/۱۴

^{۷۹}. ۱۳۸۶/۰۳/۱۴

^{۸۰}. دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ۶ بهمن ۱۳۸۸/۱۱/۰۶

^{۸۱}. بیانات در دیدار پیشکسوتان و فعالان دفاع مقدس و مقاومت ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

^{۸۲}. دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴

وضوح، اغلب مخفی می ماند،... اصل تحقق جمهوری اسلامی است... نظام جمهوری اسلامی، نظام دین مدار، یکی از بزرگ ترین اقلام عمل به قرآن است... و اصل جهت گیری، با تشکیل یک نظام است؛^{۸۳} نظامی مبنی بر هندسه ی الهی برای جامعه؛.. [که] اگر این نقشه تحقق پیدا کرد، خیلی از تخلفات فردی و شخصی و جزئی... قابل اصلاح است.^{۸۴}

○ ۲- پیوستگی جمهور و اسلام در هویت ملت ایران

جمهوری اسلامی... یک واحدی است که داری دو بعد است: اسلامی بودن و مردمی بودن: ... مردمی است، چون اسلامی است؛ چون اسلام دین جامعه است. دین مسئولیت همگانی است؛ اسلام دین تک تک افراد و اشخاص به حیث خودشان فقط نیست؛ آن هم هست، اما افراد به حیث اجتماعشان هم مورد خطاب اسلام اند. اسلام یک دین مردمی است؛ یک دین مسئولیت عمومی است؛ بنابراین مردمی بودن از خود اسلامی بودن برمی آید. اسلامی هم هست؛ چون خدای متعال **بِئَلِّهِ اللَّهُ يَمَنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ** (حجرات/۱۷)؛ منت گذاشته بر ما، هدایت کرده ما را به این ایمان؛ پروردگار به مردم ما، به خود ما منت گذاشته، ما را به این دین هدایت کرده؛ لذا جمهور ما اسلام را می خواهند و این دین الهی را بحمدالله خدای متعال به ما داده است. بنابراین «جمهوری اسلامی» است؛ یک منظومه است، یک مجموعه است، یا بگوییم واحد دارای ابعادی است که این ابعاد باید با همدیگر مورد ملاحظه قرار بگیرد و باهم باشد؛ این درهم تنیدگی باید حفظ بشود. هرکدام از این جهات تضعیف بشود، کل و مجموعه تضعیف شده است.^{۸۵}

۸۳. دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور ۱۳۸۷/۲۸

۸۴. دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۱۲/۰۶

۸۵. دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۷/۰۷/۰۲

[بنابراین، هم] روح، لبّ و ماده اصلی در «جمهوری اسلامی»، اسلام و التزام به شریعت اسلامی است؛^{۸۶} [و هم] حضور مردم، روح نظام جمهوری اسلامی است؛ بگونه‌ای که حتی مسئله دین و دین‌باوری و اسلامی بودن نظام، در صورتی که از حضور مردم منفک شود، یک کالبدی بی‌روح و بی‌جان و ناماندگار خواهد شد.^{۸۷} و خواست و اراده و ایمان مردم، حتی بالاتر از این، عواطف آن‌ها، پایه اصلی حکومت است.^{۸۸} چرا که مردم‌سالاری از متن دین برخاسته است؛ از «امرهم شوری بینهم»^{۸۹} برخاسته است؛ از «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین»^{۹۰} برخاسته است.^{۹۱} اسلام‌گرایی در نظام اسلامی، از مردم‌گرایی جدا نیست. [و] مردم‌گرایی در نظام اسلامی، ریشه‌ی اسلامی دارد.^{۹۲} اسلام با جمهوریت همراه است. جمهوریت ما از اسلام گرفته‌شده و اسلام ما اجازه نمی‌دهد در این کشور مردم‌سالاری نباشد.^{۹۳}

[خلاصه اینکه] ملت ایران درس مردم‌سالاری را از اسلام فراگرفته و از بن دندان، مؤمن و متعهد به آن است.^{۹۴} و جمهوریت... در این کشور همواره با اعتقاد به اسلام و حرکت در جهت اسلام همراه است.^{۹۵} [به‌گونه‌ای که] در کشور ما اگر قرار شد مردم‌سالاری‌ای وجود داشته باشد و حاکمیت در دست مردم باشد، جز در سایه‌ی اسلام و جمهوری اسلامی این کار

^{۸۶}. دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۰/۱۲/۱۸

^{۸۷}. دیدار وزیر، معاونین و مسئولان وزارت کشور و استانداران سراسر کشور ۱۳۷۵/۱۲/۷

^{۸۸}. جلسه پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی ۱۳۷۷/۱۲/۰۴

^{۸۹}. الشوری: ۳۸

^{۹۰}. الانفال: ۶۲

^{۹۱}. مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۸۳/۰۳/۱۴

^{۹۲}. دیدار زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره) ۱۳۸۰/۰۳/۱۴

^{۹۳}. خطبه‌های نمازجمعه تهران ۱۳۸۲/۱۱/۲۴

^{۹۴}. مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری ۱۳۸۴/۰۵/۱۲

^{۹۵}. دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۰۵/۱۰

ممکن نیست.^{۹۶} [لذا] عزم و اراده مردم مومن ایران، مظهر عزم و اراده الهی است.^{۹۷} هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. «يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ»؛ هر جا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست.^{۹۸}

○ ۳- جمهوری اسلامی، حرف نو

«جمهوری اسلامی» حرف نویی بود در دنیا؛ در تاریخ، حکومت‌های دینی داشته‌ایم، ولی بحث مردم‌سالاری در آن نبود؛ حکومت‌های مردم‌سالار -یا واقعی، یا صوری و اسمی- داشته‌ایم، اما بحثی از دین در آن نبود. حکومتی و نظامی که در آن، دین و دنیا، دنیا و آخرت، **مردم و خدا** دخالت دارند و سازنده‌ی آن هستند، یک چنین چیزی، بی‌سابقه بود.^{۹۹} آنچه که جمهوری اسلامی را به عنوان یک پدیده‌ی بدیع ممتاز میکند، همین است که: حضور مردم و انتساب به معنویات و به حکم الهی و خشوع در مقابل پروردگار، این دو، یک حقیقت واحدی را تشکیل داده‌اند... در دل اسلامیت، جمهوریت هست. در دل اتکاء به حکم الهی، تکیه‌ی به مردم و احترام به خواست و رأی مردم هست.^{۱۰۰} در تفکر اسلامی و برداشت اسلامی، اندیشه خدامحوری با لندیشه مردم محوری هیچ منافاتی ندارد؛ اینها بر روی هم قرار می‌گیرند. تا مردم متدین و معتقد به دینی نباشند، حکومت دینی در آن کشور اصلاً به وجود نمی‌آید و جامعه دینی شکل نمی‌گیرد؛ بنابراین، وجود حکومت دینی در یک کشور، به معنای تدین

۵. دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت 1380/06/05
۹۷. بیانات در دیدار جمعی از جوانان اهواز ۰۸/۰۵/۱۳۸۲

۹۸. بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

۹۹. بیانات در دیدار پیشکسوتان و فعالان دفاع مقدس و مقاومت ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

۱۰۰. بیانات در مراسم تفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری ۱۳۸۷/۰۵/۱۲

مردم است، یعنی مردم این حکومت را خواستند تا این حکومت بیاید.^{۱۰۱}

مردم‌سالاری در نظام اسلامی، مردم‌سالاری دینی است؛ یعنی به نظر اسلام متکی است؛ فقط یک قرارداد عرفی نیست.^{۱۰۲} [بلکه] مردم‌سالاری حقیقی، مردم‌سالاری دینی است که با پشتوانه‌ی ایمان و مسئولیت دینی مطرح می‌شود.^{۱۰۳} مردم‌سالاری در کشور ما، یک مردم‌سالاری حقیقی متکی به ایمان است.^{۱۰۴} در نظام اسلامی، هر کس متدین به عقیده و شریعت اسلامی باشد، در امر حکومت، دارای مسئولیت است.^{۱۰۵} [لذا] نباید گمان کرد که امام بزرگوار ما... جمهوریت را از فرهنگ غربی گرفت و آن را قاطی کرد با تفکر اسلامی و شریعت اسلامی؛ بلکه این جمهوریت جزو دین است.^{۱۰۶} [بلکه] امام ره اصرار داشت که طرح جمهوری اسلامی، در ذیل آنچه در غرب به آن می‌گویند «جمهوری» یا «مردم‌سالاری» قرار نگیرد. لذا... یک الگوی تازه‌ای را امام مطرح کردند برای نظام جمهوری اسلامی، بکلی متفاوت با آنها؛ در الگوی امام، دوگانه‌هایی با همدیگر هماهنگ و همساز شدند؛ این دوگانه‌هایی که سعی می‌شده همیشه در مقابل هم قرار بگیرند، در الگوی امام با هم همساز شده‌اند... هم معنویت، هم رأی مردم؛.. اجرای احکام الهی در کنار رعایت اقتضائات و مصلحت‌های عمومی... مسئله‌ی رعایت حال ضعفا و اصرار بر عدالت اقتصادی - عدالت اقتصادی بالخصوص - در کنار تولید ثروت... هم نفی ظلم، هم نفی انظلام، ظلم‌پذیری... هم علم و دانش را و اقتصاد کشور را تقویت می‌کنیم، هم دفاع کشور را تقویت می‌کنیم؛.. عکسش

۱۰۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۹/۰۳/۱۴

۱۰۲. مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۸۱/۰۳/۱۴

۱۰۳. پیام به کنگره‌ی عظیم حج ۱۳۸۱/۱۱/۱۸

۱۰۴. مراسم تفیذ حکم ریاست‌جمهوری ۱۳۸۴/۰۵/۱۲

۱۰۵. دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۵/۰۲/۱۸

۱۰۶. دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۰/۱۲/۱۸

هم همین جور. هم انسجام و وحدت ملی باید رعایت بشود، هم تنوع آراء و گرایشهای مختلف سیاسی باید به رسمیت پذیرفته بشود؛ این هم یک دوگانه‌ی دیگر. هم تقوا و طهارت مسئولان لازم است، هم کارشناسی و کاربلدی مسئولان لازم است؛ تعهد و تخصص در کنار هم. ببینید، اینها دوگانه‌هایی است که کسانی در اول انقلاب یا پیش از انقلاب سعی میکردند که اینها را در مقابل هم قرار بدهند، امام این دوگانه‌ها را هماهنگ کرد، همساز کرد، در کنار هم قرار داد.^{۱۰۷} در این نگاه به اسلام و درک و فهم از اسلام، فرد و جامعه با هم ملاحظه میشوند، معنویت و عدالت با هم ملاحظه میشوند، شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه میشوند، عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده میشوند؛ اینها همه باید باشد. قاطعیت در جای خود، عواطف در جای خود، شریعت در جای خود، عقلانیت - که آن هم خارج از شریعت البته نیست - در جای خود؛ همه در کنار هم بایستی مورد استفاده قرار بگیرند؛ انحراف از این منظومه‌ی مستحکم، موجب انحراف از نظام اسلامی خواهد بود.^{۱۰۸}

○ ۴- «جمهوری اسلامی»، راز پرشکوه ماندگاری و کارآمدی نظام

چرا جمهوری اسلامی با وجود این همه دشمنی، به سرنوشت نظامها و انقلابهای دیگر دچار نشد؟ علت چیست و رازش چیست؟ من عرض میکنم راز پرشکوه و افتخاربخش این نظام و ماندگاری این نظام همین دو کلمه است: یعنی «جمهوری» و «اسلامی». همراهی این دو کلمه با هم؛ و موجودی که از این دو کلمه تشکیل شده، باید هم پایدار بماند... امام این دو کلمه‌ی جمهوری و اسلامی را گره‌گشای مشکلات کشور میدانست. گره‌گشای همه‌ی مشکلات کشور را همین میدانست که ما اسلام را رعایت کنیم و مردم در صحنه حضور داشته

^{۱۰۷}. بیانات در مراسم سی‌وسومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴۰۱/۰۳/۱۴

^{۱۰۸}. دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۷/۲

باشند؛ نظر امام این بود... واقع قضیه هم همین است که گره‌گشای همه‌ی کارهای کشور همین است. ما هر جایی که مردم را به کار گرفتیم و رعایت اسلام را کردیم، پیش رفتیم؛ هم در دوران امام و هم در این ده‌ها سال بعد از رحلت امام تا امروز؛ بنده این را به طور قاطع می‌گویم و شواهد فراوانی را هم که جلوی چشم مردم هست میتوان ارائه کرد. هر جا ما مردم را وارد میدان کردیم، هر جا ما اسلام را معیار و میزان اصلی کار خودمان قرار دادیم پیش رفتیم؛ هر جا که یکی از این دو تا لنگ شد پیش نرفتیم... اگر چنانچه در [میان] مسئولین محترم کشور این موضوع جا بیفتد که هم مسائل اسلامی را در نظر داشته باشند یعنی آن حدود اسلامی را به طور کامل رعایت کنند - چه در مسائل داخلی، چه در مسائل خارجی، چه در مسائل اقتصادی، چه در مسائل فرهنگی و سیاسی و غیره - و حضور مردم را هم تأمین کنند یعنی ساز و کارهایی را به وجود بیاورند که اراده‌ی مردم، حضور مردم، خواست مردم بتواند دخالت داشته باشد، همه‌ی مشکلات کشور حل خواهد شد».^{۱۰۹}

روی این نظام مقتدر و قوی فشار می‌آورند؛ فشار نظامی آوردند؛ فشار سیاسی آوردند؛ فشار اقتصادی آوردند؛ علیه آن جنجال راه انداختند و متهمش کردند؛ اما از میدان درنرفت و مثل کوه، محکم ایستاده است؛ چرا؟ چرا نظام اسلامی ایستاده است، اما نظامهای دیگر نمیتوانند بایستند؟ چرا فلان نظام سلطنتی یا فلان نظام علی‌الظاهر جمهوری، در هر مسأله‌ای با یک تشر آمریکا از میدان در می‌رود؛ اما نظام اسلامی، تشر که هیچ، لشکرکشی آمریکا و شوروی هم نتوانست آن را یک ذره به عقب‌نشینی وادار کند؟ چه چیزی موجب پایداری این نظام است؟ این جاست که به آن گوهری میرسیم که در درون شماست. ... علت این است که

۱۴۰۰/۰۳/۱۴، ۱۰۹

این نظام به مردم باایمان متکی است؛ این راز اصلی است. این نظام اگر به مردم متکی بود، اما این مردم دین و ایمان نداشتند، این پایداری به دست نمی‌آمد. کسانی که دائماً و پشت سر هم نام مردم را تکرار میکنند، اما به ایمان مردم و گوهر درخشانی که در دل جوانان است، توجهی ندارند، اشتباه میکنند. این که بعضی از نظام‌های مردمی هستند، اما در مقابل تحمیلات دشمن نمیتوانند از نظام خود دفاع کنند، به خاطر چیست؟ به خاطر این است که یک عنصر مشترک همگانی عمیق قلبی که بتواند آنها را به پایداری و مقاومت در میدانهای سخت وادار کند، در آنها نیست. در کشور ما مسأله‌ی اساسی این است که مردم، با ایمان خودشان در همه‌ی میدانها وارد شدند و خطر را پذیرفتند و ایستادند. انقلاب نیز همین‌گونه پیروز شد؛ نهضت امام هم با تکیه به همین دین و ایمان عمیق مردم به پیروزی رسید.²

❖ ب. عناصر هویت ایمانی

ما ملتی هستیم مسلمان، ریشه‌دار در تاریخ، و انقلابی؛ این هویت ما است. مسلمانی ما، عمق تاریخی ما، و انقلابی بودن ما سه عنصر اصلی است که هویت ملت ما را تشکیل میدهد. این سه را نباید از نظر دور بداریم. اسلامی بودن ما یعنی ارزشها و اصول اسلام، تشکیل‌دهنده‌ی هویت ما است. ریشه‌داری ما در تاریخ یعنی نیروهای انسانی ما در طول تاریخ، دارای افکار بلندی بوده‌اند... و در طول تاریخ به‌حسب موقعیت زمانی، کارهای بزرگی را انجام داده‌اند و به بشریت حرکت داده‌اند... و بعد انقلاب؛ انقلاب بخش مهمی از هویت ما است. انقلاب یعنی آن حرکت تحوُّلی عمیقی که با تکیه‌ی به اسلام توانست وضعیت کشور را عوض کند و یک قلم مهم آن، این بود که ملت را از حاشیه بیرون آورد، وارد متن اداره‌ی کشور کرد. ملت در کشور، هیچ‌کاره بود... بعد از انقلاب، منافع ملی تغییر پیدا کرد؛ یعنی

معیارها برای منافع ملی طبعاً تغییر پیدا کرد. بعد از آنکه انقلاب شد، همین‌طور که عرض کردیم، دیکتاتوری‌ها به مردم‌سالاری تبدیل شد، وابستگی‌ها به استقلال سیاسی تبدیل شد، عقب‌ماندگی به پیشرفتهای قابل توجه تبدیل شد... اینها حوادثی بوده که هویت انقلابی ما اینها را به وجود آورده.^{۱۱۰}

○ ۱- ملتی دارای ریشه تاریخی

در تاریخ، ملت ما نماد ایمان، نماد علم، نماد اعتمادبه‌نفس، نماد افتخار به داشته‌های خود و نماد پایداری است؛ در تاریخ این جور است. من یکی دو نمونه با اشاره عرض بکنم؛ ببینید، سلجوقی‌ها در قرنهای پنجم ششم هجری به طرف ایران آمدند؛ یک عده از جنوب به طرف ایران آمدند، یک عده از شمال به طرف آسیای صغیر رفتند. آن جماعتی که رفتند آسیای صغیر، زبان آنها را تغییر دادند، تمدنشان را تغییر دادند، فرهنگشان را تغییر دادند، همه چیزشان را عوض کردند؛ آناتولی قدیم دولت بیزانس را اینها رفتند به آنچه فرهنگ خودشان بود، تبدیل کردند. آنهایی که از جنوب آمدند - که همین سلجوقی‌های ایران هستند - در تمدن ایران و فرهنگ ایران هضم شدند؛ همانها بودند اما اینجا هضم شدند؛ نه فقط در تمدن و فرهنگ ایرانی هضم شدند بلکه ناچار خودشان به مبلغان و مروّجان فرهنگ ایرانی تبدیل شدند. شما نگاه کنید در دوران سلجوقی، هنر ما، معماری ما، شعر ما، نثر ما در چه اوجی قرار دارد! اینها ایرانی نبودند - سلجوقی بودند، بیگلنه بودند - اما ایران اینها را در دل خودش هضم کرد؛ معنای اقتدار یک ملت و استحکام یک ملت این است. عین همین قضیه در مورد مغول پیش آمد؛ مغولها به صورت مهاجم آمدند اینجا و آن کارهایی را که معروف است انجام دادند؛ اما نتیجه چه شد؟ مغولها نتوانستند تمدن خودشان را، فرهنگ خودشان را،

^{۱۱۰}. بیانات در دیدار مسئولان نظام ۲۲/۰۳/۱۳۹۶

یاسای خودشان را بر این کشور تحمیل کنند بلکه این تمدن، این فرهنگ، آنها را در خودش هضم کرد، شدند مروج ایمان، مروج دین، مروج فرهنگ، مروج هنر، که یکی از دوره‌های ممتاز تاریخ هنر ما دوره‌ی حکومت مغولی در ایران است. ایران این است؛ سابقه‌ی ما این است. از این بالاتر بگویم؛ سلحشوران مسلمان که دین عزیز اسلام را به ما دادند - داد یکی دین گرامی به ما - وقتی رفتند به کشورهای مثلاً شمال آفریقا - حالا آنجا را من مثال میزنم - زبان [آنها] عوض شد، فرهنگ عوض شد؛ ایران که آمدند، زبان [ما] عوض نشد. زبان فارسی در دوره‌ی اسلام رشد و ارتقاء بیشتری از دوره‌ی قبل از اسلام دارد. شما از دوره‌ی قبل از اسلام از نشانه‌های زبان فارسی چه دارید؟ اما دوره‌ی اسلام را شما ببینید که چه اعتلائی [دارد]؛ چقدر شعر، چقدر نثر، چقدر فرهنگ! اینها خیلی مهم است؛ روی اینها دقت باید کرد. این مال گذشته است.^{۱۱۱}

هویت ملی باید در مجموعه‌ی نخبه‌ی کشور تقویت بشود، باید احساس کنند که ایرانی مسلمانند، باید افتخار کنند به اینکه ایرانی مسلمانند؛ این باید در آنها تقویت بشود؛ باید افتخار کنند که تتمه و دنباله‌ی یک تاریخ بسیار شرافتمندانه و باارزشند؛ دانش ما یک روز دنیا را در تصرف داشته، فلسفه‌ی ما یک روز برترین فلسفه در دنیا بوده، دانشمندان ما، حقوق ما، فقه ما همین جور؛ ما دنباله‌ی آن تاریخ هستیم. البته انقطاع پیدا شده - گفتم که اقلماً دویست سال انقطاع حاصل شد - لکن بعد از پیروزی انقلاب، آن حرکت عظیم تاریخی ادامه پیدا کرده و با همه‌ی مشکلات و با همه‌ی کارشکنی‌ها پیشرفت کرده‌ایم. افتخار باید بکنیم؛ هویت ملی و آرمانها^{۱۱۲}.

^{۱۱۱} ۱۲/۰۷/۱۳۹۷ بیانات در همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی

^{۱۱۲} ۲۵/۰۷/۱۳۹۷ بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی

ملت ایران یک ملت با استعداد است، با استقامت است، برخوردار از غیرت دینی و غیرت ملی است، به اسلام عمیقاً ایمان دارد، به میهن خود عشق میورزد؛ اینها چیزهایی است که به ما این امیدواری و این اعتماد را میبخشد که ملت ما قادر است به این هدف [سربلندی ایران اسلامی، الگوشدن در میان ملتهای مسلمان، هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی] دست پیدا کند و برسد؛ دور از دسترس نیست. تجربه هم همین را به ما نشان میدهد... ملت ما ملتی است با استعداد، دارای قابلیت، دارای ظرفیت، دارای ثروتهای عظیم طبیعی؛ چنین ملتی میتواند پیشرو باشد. دلیلی ندارد که این ملت، ناامید باشد.^{۱۱۳}

○ ۲- فرهنگ عمیق و عریق اسلامی

ما هر چه امتیاز داریم، ناشی از همین هویت فرهنگی است؛ اگر این هویت فرهنگی نبود، انقلاب ما هم پیروز نمیشد. اگر این هویت فرهنگی نبود، یک امامی مثل امام ما که نهضت را به وجود آورد و به سرانجام رساند، اصلاً خلق نمیشد، درست نمیشد. امام بزرگوار، ساخته و پرداخته‌ی همین فرهنگ است. همین هویت فرهنگی است که آدمی مثل امام را در جامعه پرورش میدهد؛ این را باید نگه داشت.^{۱۱۴} ما به برکت اسلام توانسته‌ایم هویت ایرانی خود را حفظ کنیم.^{۱۱۵}

در باور به مردم، امام بزرگوار، ملت ایران را به معنای حقیقی کلمه می‌شناخت. امام اعتقاد داشت که این ملت، ملتی است با ایمان عمیق، باهوش و شجاع؛ که اگر پیشوایان لایقی در میان آنها پیدا شوند، این ملت می‌تواند مثل خورشید در میدانهای مختلف بدرخشد؛ امام

^{۱۱۳} بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

^{۱۱۴} بیانات در دیدار شاعران ۱۳۹۳/۰۴/۲۱

^{۱۱۵} دیدار اعضای شورای عالی استانها و شهرداران مراکز استانها با رهبر انقلاب ۱۰/۰۲/۱۳۹۰

این را قبول داشت. اگر یک روز عنصر نالایقی مثل شاه سلطان حسین موجب شد که ملت ایران در لاک خود فرو بروند، اما در روز دیگری، مرد شجاعی مثل نادرقلی - بدون آن القاب و عناوین - وقتی در میان مردم ظاهر می شود و با شجاعت، پیشوائی مردم را به عهده می گیرد، این ملت می تواند میدان حرکت افتخارآمیز خود را از دهلی تا دریای سیاه گسترش دهد؛ این را امام در تاریخ دیده بود، نظائر آن را مشاهده کرده بود و اعتقاد و ایمان به این مطلب داشت؛ ملت ایران را می شناخت، به ملت ایران اعتماد داشت. ایمان عمیق مردم که در زیر اندوذهای ساخته و پرداخته‌ی دنیاطلبان مخفی و پنهان شده بود، امام بزرگوار این ایمان عمیقِ تغییرناپذیر را شکوفا کرد؛ غیرت دینی مردم را برانگیخت و ملت ایران الگوی استقامت و بصیرت شد. مردم در چشم امام بزرگوار، عزیزترین بودند؛ دشمنان مردم، منفورترین بودند. اینکه شما ملاحظه می کنید که امام در مقابله‌ی با قدرتهای سلطه‌گر لحظه‌ای از پا نشست، عمدتاً به خاطر همین بود که قدرتهای سلطه‌گر، دشمن سعادت مردم بودند و امام دشمن مردم را دشمن می داشت.^{۱۱۶}

○ ۳- ملت انقلابی و تحول خواه

هویت ایرانی - اسلامی مردم ما و ملت ما، به برکت انقلاب اسلامی، به برکت حضور مردم در صحنه و دخالت و شراکت مردم در مسائل اساسی نظام، یک واقعیت جاافتاده است. امروز دنیا ملت ایران را به مسلمانی همراه با آگاهی و بصیرت و پیشگامی و پیشرفت در میدانهای مختلف می شناسد؛ این چیز کمی نیست.^{۱۱۷}

^{۱۱۶}. (۱۳۹۲/۰۳/۱۴) بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه الله در حرم امام خمینی رحمه الله

^{۱۱۷}. بیانات در اجتماع مردم پایه ۲۵/۰۷/۱۳۹۰

جمهوری اسلامی، جهت را صد و هشتاد درجه تغییر داد. ملت ایران احساس هویت میکند؛ هویت اسلامی که هویت ایرانی هم نشأت گرفته‌ی از همین هویت اسلامی است؛ احساس میکند که ایران اسلامی همان هویت گمشده‌ای است که بایستی این ملت دوباره آن را به دست بیاورد و بر اساس او، آرمانهای خود را معین و برنامه‌ریزی کند و تلاش و مجاهدت خود را شکل دهد. این کاری است که ملت ما بخوبی انجام داده است و دارد انجام میدهد.^{۱۱۸}

ملت ایران از لاک توسری‌خوری و ذلتی که به او تحمیل شده بود، خودش را با انقلاب خلاص کرد؛ این لاک را شکست، آمد بیرون. هویت ایرانی با خصوصیات اسلامی در او بروز کرده، طالب عزت است، طالب استقلال است، طالب پیشرفت است، لذاست که هر چه دشمنان ظالم فشار می‌آورند تأثیری در او نمیگذارد.^{۱۱۹}

انقلاب توانست به ما، هم هویت بدهد، هم آرمان بدهد؛ این مهم است. ما، هم هویت پیدا کردیم ما فهمیدیم چه کسی هستیم، فهمیدیم که ما مغلوب و هضم‌شده‌ی در هاضمه‌ی سیاست جهانی و نظام سلطه نیستیم؛ ما هستیم، ما خودمانیم؛ هویت و آرمان؛ به ما آرمان داد.^{۱۲۰}

اهام به معنای واقعی کلمه در ملت ایران تحوّل ایجاد کردند... موج کردن یک اقیانوس، کار عظیمی است. ملت یک اقیانوس است و امام این کار را انجام داد؛ تحولاتی را به وجود آوردند... یک تحوّل، تحوّل در روحیه‌ی خمودگی و تسلیم ملت بود. در دوران جوانی ما، در

^{۱۱۸}. بیانات در دیدار مردم کازرون ۱۳۸۷/۲/۱۶

^{۱۱۹}. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه ۱۳۹۸/۴/۰۵

^{۱۲۰}. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۶/۳/۱۷

دورانی که ما یادمان هست که این نهضت شروع شد، ملت ایران یک ملتی بود که با مسائل اساسی سرنوشت خودش هیچ سر و کاری نداشت، مردم تسلیم بودند، خمود بودند، نسبت به زندگی شخصی خودشان [بی‌اراده] بودند. این حالت تحرک میدان‌داری، وارد میدان شدن، مطالبه کردن، آن هم مطالبه‌ی چیزهای بزرگ و مهم، در رفتار ملت و در خلق و خوی ملت ما مطلقاً وجود نداشت؛ این را امام ایجاد کردند؛ همین ملت خمود و تسلیم را تبدیل کردند به یک ملت مطالبه‌گر؛ آن سخنرانی‌های پرشور و توفنده‌ی امام، آن بیانه‌های خروشنده‌ی امام، آن چنان تکان داد این ملت را که این ملت تبدیل شدند به یک ملت مطالبه‌گر... تحول دیگر، تحول در نگاه مردم به خودشان و به جامعه‌شان بود؛ ملت ایران نسبت به خود یک نگاه حقارت‌پندارانه داشت؛ یعنی اینکه این ملت بتولند بر اراده‌ی قدرتها، بر اراده‌ی ابرقدرتها فائق بیاید، مطلقاً به ذهن احدی خطور نمی‌کرد. نه فقط حالا اراده‌ی قدرتهای جهانی، حتی اراده‌ی قدرتهای داخلی، حتی اراده‌ی فلان مسئول - فرض کنید که - یک اداره‌ی امنیتی یا انتظامی، اصلاً به ذهن مردم خطور نمی‌کرد که بتوانند غلبه کنند بر اراده‌ی صاحبان اراده‌های تلخ و خطرناک. احساس حقارت می‌کردند، احساس توانایی نمی‌کردند؛ امام این را تبدیل کرد به احساس عزت، احساس اعتماد به نفس، و مردم را از این حالت که حکومت استبدادی را یک امر طبیعی بدانند - که این جور بود؛ آن زمان تصور ماها کأنه این بود که خب بالاخره یک شخصی در رأس مملکت هست و اراده‌ی او حاکم است؛ خب طبیعت مسئله همین است و اصلاً این را یک امر طبیعی و عادی میدانستیم - تبدیل کردند به انسانهایی که خودشان نوع حکومت را تعیین میکنند. از شعارهای مردم در انقلاب، اول، نظام اسلامی، حکومت اسلامی، بعد هم جمهوری اسلامی بوده؛ مردم خودشان تعیین‌کننده بودند، مطالبه‌کننده بودند؛ بعد هم در انتخابات‌های گوناگون شخص حاکم را، اشخاص مورد مسئولیت در بخشهای مختلف

حکومت را مردم معین کرده‌اند؛ یعنی حالت خودحقیرپنداری که در مردم بود، بکلی تبدیل شد به حالت عزت و اعتماد به نفس ملی. یک تحوّل دیگر، تحوّل در مطالبات اساسی مردم بود؛ یعنی اگر چنانچه فرض کنید آن وقت یک گروهی از مردم یک مطالبه‌ای هم از دستگاه داشتند یا از قدرتمندان آن زمان داشتند این بود که مثلاً این کوچه آسفالت بشود یا این خیابان این جوری کشیده شود؛ مطالبات در این حد [بود]؛ این را تبدیل کردند به مطالبه‌ی استقلال، آزادی؛ یعنی [آرمانهای] عظیم. یا شعار «نه شرقی، نه غربی»؛ در خواسته‌های مردم آن چنان تحوّل به وجود آمد که از این چیزهای حقیر، کوچک، محلی و محدود تبدیل شد به یک امور اساسی، بزرگ، انسانی، و جهانی. یک تحوّل دیگری که امام به وجود آورد، تحوّل در نگاه به دین بود؛ مردم، دین را فقط وسیله‌ای برای مسائل شخصی، مسائل عبادی، حداکثر احوال شخصی میدانستند، فقط برای همین مسئله‌ی نماز و روزه و فرض کنید که وظایف مالی و ازدواج و طلاق؛ در همین حدود؛ دین را، وظیفه‌ی دین و مسئولیت دین و رسالت دین را محدود به این چیزها میدانستند. امام برای دین، رسالت نظام‌سازی و تمدن‌سازی و جامعه‌سازی و انسان‌سازی و مانند اینها تعریف کرد؛ مردم نگاهشان به دین بکلی متحوّل شد. یک تحوّل دیگر، تحوّل در نگاه به آینده بود. در آن دورانی که نهضت شروع شد و امام وارد میدان شدند، با همه‌ی شعارهایی که حالا بعضی از احزاب و بعضی و از گروه‌ها و گروهک‌ها میدادند - که خیلی محدود و کوچک هم بودند - در نگاه مردم آینده‌ای دیده نمیشد. یعنی مردم یک افق و آینده‌ای در مقابل چشم نداشتند؛ این تبدیل شد به ایجاد تمدن نوین اسلامی. یعنی شما امروز به ملت ایران نگاه کنید، این دست مبارک امام است که این حالت را به وجود آورده؛ مردم دنبال این هستند که تمدن نوین اسلامی را تشکیل بدهند و به وجود بیاورند؛ اتحاد عظیم اسلامی را به وجود بیاورند، امت اسلامی را تشکیل بدهند. نگاه عامه‌ی مردم،

توده‌ی مردم این است. در یک حوزه‌ی تخصصی‌تر، تحوّل در مبانی معرفتی کاربردی است؛ امام این را به وجود آوردند؛ که این تخصصی است، جزو مسائل حوزوی و کسانی است که دستی در کار فقه و در کار علم اصول و مانند اینها دارند. امام فقه را وارد عرصه‌ی نظام‌سازی کردند؛ فقه از این مسائل دور بود. البته مسئله‌ی ولایت فقیه، هزار سال [بود که] در بین فقها وجود داشت و مطرح میشد، اما چون این امید وجود نداشت که این ولایت فقیه تحقق پیدا بکند، هرگز به جزئیات آن، به مسائل آن پرداخته نمیشد. امام این را وارد مسائل اصلی و فقهی کردند. در حوزه‌ی علمیه‌ی نجف، این را مطرح کردند و درباره‌ی آن بحث کردند؛ بحثهای علمی متقن محکم کاملاً قابل توجه برای افرادی که صاحب نظر در این زمینه‌ها هستند؛ یا مسئله‌ی مصلحت نظام را - که مصلحت نظام همان منافع عمومی است، منافع ملی است، چیزی غیر از آن نیست - امام در فقه مطرح کردند. مسئله‌ی معروف اصولی و فقهی «تراحم» و «اهم و مهم» را که در مسائل شخصی و مسائل کوچک به کار میرفت، وارد عرصه‌ی میدان عمومی کردند که در عرصه‌ی اداره‌ی کشور، مسئله‌ی مصلحت نظام و مسئله‌ی «اهم و مهم» مطرح میشود. یعنی در فقه، ایشان این چیزها را وارد کردند که این، فرصت خیلی بزرگی برای فقه به وجود می‌آورد؛ دست فقه را باز میکند در گستره‌ی تصرفاتی که میتواند در مسائل گوناگون بکند... یک نمونه‌ی دیگر از این تحوّل در نگاه به دین و مسائل دینی، پافشاری بر تعبّد بود در عین نگاه نوگرایانه به مسائل؛ یعنی امام، یک فقیه نوگرا، یک روحانی نوگرا بود؛ به مسائل با چشم نوگرایانه نگاه میکرد؛ در عین حال بشدّت پابند به تعبّد. در آن روز و آن دورانها خب روحانیونی بودند که در زمینه‌های مسائل روشنفکری وارد بودند و بحث میکردند و حرف میزدند؛ اینها روحانی و عالم و دین‌شناس هم بودند [اما] یک مقداری تحت تأثیر برخی از شرایط، نسبت به مسائل تعبّدی آن تقیّد لازم را [نداشتند] - در عمل شخصی چرا،

مقیّد بودند- ولی در تبلیغاتشان خیلی روی مسئله‌ی تعبّد تکیه نمی‌کردند. امام آمدند در عین آن نگاه نویی که نسبت به مسائل فقهی و مسائل اسلامی و مسائل دینی و مانند اینها داشتند، روی مسئله‌ی تعبّد محکم ایستادند؛ هم تعبّد در احکام، هم تعبّد در مراسم دینی؛ [مثلاً] این مسئله‌ی تکیه‌ی عجیبی که ایشان بر روی مجالس عزاداری و مراسم عزاداری و مانند اینها کردند، همه‌ی اینها نشان‌دهنده‌ی آن پابندی و تعبّد بزرگ ایشان بود. یک حوزه‌ی دیگر از تحوّل‌ی که ایشان به وجود آوردند، تحوّل در نگاه به نسل جوان بود؛ نگاه به جوانان. ایشان به فکر و عمل جوانان اعتماد کردند؛ این به معنای واقعی کلمه یک تحوّل بود. یعنی مثلاً فرض کنید سپاه پاسداران که تشکیل شد، ایشان جوانهای بیست و چند ساله را در رأس سپاه پاسداران پذیرفتند که اینها جوانهایی [بودند] که حداکثر مثلاً سی سال سنشان بود؛ اینها در رأس سپاه پاسداران، فرماندهان لشکرها و فرماندهان کل [بودند]؛ اینها همه جوانهایی بودند که کارهای بزرگ به اینها سپرده شده بود. در زمینه‌های دیگر هم همین جور؛ در بحثهای قضائی، در جاهای دیگر هم ایشان اعتماد عجیبی به جوانهایی که مورد قبولشان بودند [میکردند]؛ ایشان [کارها را] محوّل میکردند و به فکر جوان و به عمل جوان اعتماد میکردند.... تحوّل مهم دیگری که به وجود آوردند که شاید از بعضی از این تحوّل‌ات مهم‌تر بود، عبارت است از تحوّل در نگاه به قدرتهای جهانی و ابرقدرت‌ها. آن وقت هیچ کس تصوّر نمیکرد که بشود روی حرف آمریکا حرفی زد، بر خلاف اراده‌ی آمریکا بشود حرکتی انجام داد؛ امام کاری کردند که خود رؤسای جمهور آمریکا گفتند که خمینی ما را تحقیر کرد؛ واقعاً هم همین بود؛ امام و کارگزاران امام و جوانهایی که با اشاره‌ی دست امام حرکت میکردند، به معنای واقعی کلمه تحقیر کردند ابرقدرت‌ها را؛ اراده‌ی اینها را شکستند و اینها را از میدان خارج کردند. امام نشان داد که ابرقدرت‌ها ضربه‌پذیرند، شکست‌پذیرند که آینده هم همان را نشان داد؛ دیدید

سرنوشت شوروی سابق که آن جور شد، این هم که آمریکای امروز است و این قضایای آمریکا را که ملاحظه میکنید! هیچ وقت تصوّر چنین چیزی نمیشد؛ امام این را از آن روز در دل مردم قرار داد که بدانند اینها شکست‌پذیرند و ضربه‌پذیرند.^{۱۲۱}

❖ ج. ابعاد هویت ایمانی

هویت ملی و جمعی در کشورها حتّی از ملیّت هم فراتر است. ما با اینکه ملیّت را محترم و مقدّس می‌شمیریم و بسیار هم روی ملیّت - به معنای مثبت آن... تکیه می‌کنیم؛ اما هویت جمعی و ملی ملت ایران، نظام اسلامی است که حتّی از ملیّت ایرانی، کارایی و جذابیت بیشتر و حوزه تأثیر وسیع‌تری دارد. اهمیت این هویت جمعی به این است که هم در مقیاس ایرانی دارای بازده و تأثیر است، هم در مقیاس اسلامی چنین تأثیری دارد و هم در مقیاس جهانی مؤثر است؛ یعنی چیزی که دیگر ملیتها هیچ‌کدام این‌ها را ندارند؛ یک چیز فراملّی است...

○ ۱- هویت ایرانی

اهمیت ایرانی نظام اسلامی به خاطر این است که نظام سیاسی مستقرّ پایدار ریشه‌داری است که به دست خود مردم به وجود آمده است. یک نظام تحمیل شده بر مردم نیست؛ ضدّ ایدئولوژی سلطنت است... اهمیت نظام اسلامی از لحاظ ابعاد ایرانی در اینهاست: اولاً صددرصد مردمی است؛ ثانیاً نقطه مقابل چیزی است که قرنهای متمادی کشور ما از آن رنج برده بود؛ یعنی ایدئولوژی سلطنت و کارگزاران سلطنتی. شما هیچ ملیتی را پیدا نمیکنید که بتواند چنین انگیزه‌های عمیقی را در دل‌های تکتک مردم به وجود آورد. یکایک آحاد مردم، این

^{۱۲۱}. بیانات در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی ره ۱۴/۰۳/۱۳۹۹

انقلاب و این نظام را با همه وجود خود مطالبه و دنبال میکردند؛ بی تفاوت‌ترین آدمها در این حرکت سهیم بودند. این در ابعاد ایرانی است.^{۱۲۲}

○ هویت اسلامی

اما در ابعاد اسلامی. یک ملیت معمولاً در داخل مرزهای خود زندانی است و بیرون مرز، هیچ‌گونه ارزش و جاذبه و احترامی ندارد؛ اما نظام اسلامی در سرتاسر دنیای اسلام و هر جا که مسلمانی وجود داشت، هویت اسلامی و احساس شخصیت را هم در افراد و هم در ملت‌ها زنده کرد. اقلیتهای مسلمان که در دنیا متفرق بودند، احساس شخصیت کردند. ملت‌های مسلمان، بخصوص در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا... احساس کردند مجدداً نسیمی وزیده است... نظام اسلامی و انقلاب اسلامی همان کاری را کرد که ملیت برای یک ملت میکند؛ یعنی همه احساس خودمانیگری کردند و شعار دادند...^{۱۲۳}

○ هویت جهانی

و اما در ابعاد جهانی. در ابعاد جهانی - حتی در دنیای غیر اسلام - هم انقلاب اسلامی تأثیر گذاشت و توجه به قدرت مذهب در بسیج انسانها را در دنیا مطرح کرد. مذهب - که یک پدیده منزوی و تشریفاتی محض بود - ناگهان آن‌چنان یک ملت را بسیج کرد که توانست یک نظام متکی به حمایت‌های بین‌المللی را به کلی به خاک سیاه بنشانند و اجازه ندهد بر روی ویرانه‌های آن، خلأ به وجود آید؛ بلکه نظامی با حرفهای نو بر سر پا کند. قائلین همه حرفهایی که برای بشریت ایده‌آل بود - مسأله عدالت، انسانیت و تکریم انسان، برابری انسانها، برابری نژادها، لزوم مبارزه و مقابله با زورگوییهای بین‌المللی - و کسانی که در دل‌هایشان حرفهایی

^{۱۲۲} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جوانان استان اصفهان ۱۲/۰۸/۱۳۸۰

^{۱۲۳} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جوانان استان اصفهان ۱۲/۰۸/۱۳۸۰

بود، ولی جرأت نمیکردند آنها را ابراز کنند و یا میدانی برای ابراز نمی یافتند، دیدند نظام سیاسی مستقری در یک گوشه از دنیا به وجود آمده، این حرفها را روی پلاکارد نوشته و در مقابل چشم جهانیان بلند کرده است. این برای آنها، بسیار فوق العاده بود. در چنین دنیایی؛ در قحط یک فضا و محیط مناسب برای زدن یک حرف حساب، ناگهان بر روی خاک، روی همین زمین، آن هم نه در یک زمین اجاره ای یا میدان فوتبال؛ بلکه در یک کشور، آن هم نه در یک نقطه دور افتاده دنیا؛ بلکه در خاورمیانه و حسّاسترین منطقه جغرافیای سیاسی دنیا، یک ملت چند ده میلیونی، با یک انگیزه تمام نشدنی، ناگهان وسط میدان آهد و نه فقط به امریکا و پشتیبانان او اعتراض کرد و به همه انگیزه های استکباری امریکا «نه» گفت که حتی به شوروی هم که قطب مقابل امریکا بود، اعتراض میکرد... نظام اسلامی در ابعاد جهانی، این طور اهمیت و جلوه پیدا میکند و حتی دشمنانش مجبور میشوند به آن احترام کنند. علاوه بر اینها، آن چیزی که بخصوص برای توده های مردم در جهان غیر اسلامی جاذبه داشت، معنویت بود. درست است که معنویت را از زندگی مردم زدوده اند؛ اما همان مردمی که از معنویت محرومند و در زندگی مادی غوطه ورنند، احساس خلأ و کمبود میکنند. مثل آدم معتادی که حاضر نیست ترک اعتیاد کند؛ اها اگر به او بگویند یک نفر با زور تو را وادار میکند تا اعتیادت را ترک کنی، خوشحال میشود و از خدا میخواهد که با زور دستش را ببندند و به او مواد نرسانند تا راحت شود! بسیاری از جوامع غربی در چنین حالتی بودند و هستند. آری؛ آنها در مادیت غرق و از معنویت دورند؛ اما احساس خلأ و کمبود میکنند. آنها دیدند که نظامی با این قدرت سیاسی، با این روحیه بالا، با این همه حرفهای نو برای دنیا و با این نفس تازه به میدان آمده و معنویت هم همراه اوست؛ کار را با نام خدا آغاز میکند و برای خدا به پایان می برد؛ میخواهد دنیا را با نام خدا بسازد و از دنیا هم مثل دستگاه رهبران کلیسایی عبور نمیکند.

ببینید؛ هویت جمعی ملت ایران - یعنی نظام اسلامی - داستانش این است. چیزی است که هم از لحاظ ملی، هم از لحاظ اسلامی و هم از لحاظ جهانی اهمیت دارد. این نظام در آغاز پیدایش، آن چنان دنیا را به خودش جذب کرد که به همان اندازه که دلهای بی طرف و بیغرض جذب آن شدند، کارگردانان و سردمداران و نگهبانان سلطه بین‌المللی و جهانی از آن نگران و ناراحتند و در مقابلش ایستادگی میکنند.^{۱۲۴}

❖ د. گستره تاریخی هویت ایمانی

چشم‌انداز حرکت ملت ایران... چشم‌انداز بسیار روشنی است؛ هم میراث گذشته ما، هم موجودی استعداد بسیار ارزنده ما، هم همت و انگیزه و هم گرایش دینی و خدائی در این حرکت، همه در مجموع، یک ثروت عظیم ملی برای ما است. همه این‌ها به ما نوید می‌دهد که ما ان شاء الله خواهیم توانست تمدن اسلامی متعلق به ملت ایران را برای این دوره و برای امت اسلامی در این زمان، بار دیگر سردست بیاوریم و الگویی را برای حرکت امت اسلامی ان شاء الله ارائه بدهیم.^{۱۲۵}

○ ۱- عمق تاریخی هویت ملت ایران

ملت ما حرکت و بعثت عمومی و برانگیختگی ملی تاریخی خود را در انقلاب، ادامه آن بعثت عظیم نبوی [می‌داند].^{۱۲۶}

امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار - که با انقلاب آغاز شد و همچنان با قوت ادامه دارد - همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است. ما دنبال آرمان‌های

^{۱۲۴} بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۰۸/۱۲

^{۱۲۵} در دیدار صدها تن از نخبگان و فرهیختگان استان فارس ۱۳۸۷/۰۲/۱۷

^{۱۲۶} دیدار کارگزاران نظام به مناسبت سالروز بعثت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) ۱۳۷۸/۰۸/۱۵

بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه‌ی اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان هستیم؛ و دستگاه‌های شیطانی زهان یک جبهه‌لند و طبعاً با یک‌چنین حرکتی مخالف‌لند. بنابراین کارشکنی می‌کنند، اذیت می‌کنند، تهدید می‌کنند؛ درعین‌حال با همه‌ی زرق‌وبرقی که آن جبهه‌ی مقلبل دارد و جلال ظاهری و توانایی‌های مادی‌ای که دارد، این حرکت الهی و حرکت پیامبرانه راه خودش را دارد ادامه می‌دهد و پیش می‌رود، اثر می‌گذارد، روزبه‌روز توسعه پیدا می‌کند، روزبه‌روز عمق پیدا می‌کند. ۱۲۷

این جریان را امام حسین در تاریخ گذاشت و بشر فهمید که باید برای چنان حکومت و جامعه‌ای مبارزه کند؛ جامعه‌ای که در آن پستی و جهالت و اسارت انسان و تبعیض نباشد. همه باید برای چنان اجتماعی جهاد کنند که به وجود بیاید و می‌آید و ممکن است. یک روز بود که بشر مأیوس بود؛ اما انقلاب اسلامی و نظام اسلامی نشان داد که همه چیز ممکن است. نظام اسلامی به آن حد نرسیده است، اما بزرگترین موانع را در راه رسیدن به آن مرحله از سر راه برداشت. وجود حکومت طاغوتی، حکومت دیکتاتوری، حکومت انسان‌هایی که بر مردم شیر بودند، ولی در مقابل قدرتها روباه می‌نمودند؛ در مقابل مردم خودشان با تفرعن و تکبر بودند، اما در مقابل بیگانگان تسلیم و خاضع بودند، بزرگترین مانع برای یک ملت است؛ آن هم حکومتی که همه‌ی قدرتهای جهانی از او حمایت می‌کردند. ملت ایران نشان داد که این کار، عملی و ممکن است؛ این مانع را برداشت و در این راه حرکت کرد. به لطف و فضل الهی، در این راه گامهای زیادی برداشته شده است. اما برادران و عزیزان! ما در نیمه‌ی راهیم.

اگر پیام امام حسین را زنده نگه می‌داریم، اگر نام امام حسین را بزرگ می‌شماریم، اگر این نهضت را حادثه‌ی عظیم انسانی در طول تاریخ می‌دانیم و بر آن ارج می‌نهمیم، برای این است که یادآوری این حادثه به ما کمک خواهد کرد که حرکت کنیم و جلو برویم و انگشت اشاره‌ی امام حسین را تعقیب کنیم و به لطف خدا به آن هدفها برسیم و ملت ایران إن شاء الله خواهد رسید. نام امام حسین علیه‌السلام را خدا بزرگ کرده است و حادثه‌ی کربلا را در تاریخ نگه داشته است. اینکه می‌گوییم ما بزرگ نگه داریم، معنایش این نیست که ما این کار را می‌کنیم؛ نه. این حادثه عظیمتر از آن است که حوادث گوناگون دنیا بتواند آن را کم‌رنگ کند و از بین ببرد. ۱۲۸

امروز خوشبختانه ملت ایران این درس را از حسین بن علی آموخته است. سی و چند سال است که قاطبه‌ی ملت ایران در این راه حرکت میکنند؛ حالا بالاخره یک نوادر و یک شواذی هم گوشه کنار هستند اما حرکت قاطبه‌ی ملت ایران در جهت و حرکت حسین بن علی است. سرنوشت آن بزرگوار شهادت بود اما درس او فقط درس راه شهادت نیست. این حرکت حرکت بابرکتی است، گاهی ممکن است مثل ماجرای حسین بن علی علیه‌السلام منتهی به شهادت بشود، اما این حالت، این روحیه، برای اقامه‌ی دین خدا و همه‌ی برکاتی که بر اقامه‌ی دین خدا مترتب است مفید است. ملت ایران با این روحیه وارد میدان شد، یک بنای ظلم ملی و بین‌المللی را در ایران ویران کرد، به جای آن بنای اسلامی پایه‌گذاری کرد. این جور نیست که حالا هر کس راه حسین بن علی را رفت، حتماً آخر کار بایستی به صورت ظاهر، به شکل دنیایی، ناکامی باشد؛ نخیر، این راه را، این درس را در مقابل چشم بشریت گذاشته‌اند،

۱۲۸ (۲۶/۰۱/۱۳۷۹) بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران

میگویند اگر دنیا هم میخواهی، اگر عزت هم میخواهی، در این راه است؛ بلید حرکت کنی. ملت ایران این را تجربه کرده است؛ این را باید قدر دانست. ملت ایران حسینی و عاشورائی وارد میدان شد، در یک انقلاب عظیم و شاید بشود گفت بی نظیر در این سده‌های طولانی که جلوی چشم ما است - لاقلاً کم‌نظیر - پیروز شد. ملت ایران این روش را اتخاذ کرد، تا امروز روزبه‌روز پیش رفت. ۱۲۹

ملت ما به برکت خون و قیام امام حسین و به برکت روح حسینی، توانست قیام کند و یک نظام استبدادی فاسد خبیث زشت کردار زشت خو را به زانو دریاورد و یک حکومت مردمی با صبغه و روحیه و با عمل نسبتاً اسلامی - روحیه‌ی ما اسلامی است؛ اما نمی‌توانم بگویم که عمل مان کاملاً اسلامی است؛ نسبتاً اسلامی است که ان شاء الله روزبه روز باید بیشتر اسلامی شود - را سر کار بیاورد. ۱۳۰

○ ۲- افق تمدنی هویت ملت ایران

جمهوری اسلامی، امانت تاریخی انبیای عظام الهی است. آرزوی موسی و عیسی و آرزوی همه‌ی اولیا و ائمه‌ی بزرگوار هاست که امروز تحقق پیدا کرده است و لوناقص؛ کاملش هم، ان شاء الله، در دوران حکومت کبری و ولایت عظمای حضرت بقیه‌الله فی الارضین (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) ظاهر و آشکار خواهد شد. ۱۳۱

برای این ملت، قضیه‌ی بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید، قضیه‌ای

۱۲۹. بیانات در دیدار افشار مختلف مردم ۲۲/۰۳/۱۳۹۲

۱۳۰. ۱۷/۰۵/۱۳۸۳ - بیانات در دیدار جمعی از مداحان

۱۳۱. دیدار فرماندهان و اعضای «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، به مناسبت «روز پاسدار» ۱۳۰/۱۰/۱۳۹۳

جدی است. آن را جدی بگیرید. ۱۳۲ هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است. ۱۳۳ این ملت راه طولانی در پیش دارد. هدفی که ما برای جمهوری اسلامی، بر اساس آموخته‌های عمومی انقلاب در نظر گرفتیم - «ما» که عرض میکنم، مراد این حقیر نیست؛ مراد، ملت ایران و مسئولان انقلاب است؛ صاحبان انقلاب - آن هدف، هدف خیلی والایی است. هدف، ایجاد یک جامعه‌ی نمونه است. شما میخواهید در محدوده‌ی ایران عزیز - که از لحاظ جغرافیایی در یک نقطه‌ی بسیار حسّاسی از دنیا هم واقع شده است - یک جامعه‌ای بسازید که به برکت اسلام و زیر پرچم قرآن، الگو باشد؛ هم الگو از لحاظ مادی و پیشرفتهای مادی، هم در عین حال الگو از لحاظ معنویت و از لحاظ اخلاق. ۱۳۴

این ملت - همان طور که قبلاً عرض کردیم - تصمیم خودش را گرفته است؛ به اوج اهداف خود این شاء الله دسترسی پیدا خواهد کرد و نه فقط برای دنیای اسلام، بلکه برای همه‌ی ملتها الگو خواهد شد، تا بدانند راه عزت و عظمت از کجا می‌گذرد. ۱۳۵

ملت ایران سرسختی خود را در راه دفاع از آرمانهای خود و از منافع خود آنچنان نشان داده است که میل و رغبت خود را به سلامت و صلح و همزیستی با برادران مسلمان و همه‌ی آحاد بشر؛ این دو با یکدیگر موازی هستند. ۱۳۶

○ ۳- گام های تمدنی ملت ایران

این انقلاب، پدیده‌ی بسیار عظیمی است. مسئله‌ی این انقلاب، حتی به تشکیل نظام

۱۳۲. ۱۳۷۳/۰۸/۱۱) بیانات در آستانه‌ی سالروز تسخیر لانه‌ی جاسوسی امریکا و روز ملی مبارزه با استکبار

۱. دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

۱۳۴. بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور ۱۷/۰۲/۱۳۹۳

۱۳۵. بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان به مناسبت سالروز قیام مردم تبریز (۱۳۸۸/۱۱/۲۸)

۱۳۶. بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲/۰۷/۱۳

جمهوری اسلامی، محدود نمی‌شود. این انقلاب، تاریخ را عوض کرده و یک راه جدید در مقابل بشر به وجود آورده است، چه برسد به ملت‌های اسلامی؛ این انقلاب، حادثه‌ی بی‌سابقه‌ای است. ۱۳۷

آثار پیروزی ملت ایران در زورآزمایی قدرت‌های جهانی با آن، به جهان اسلام منحصر نماند؛ بلکه در کشورهای غیرمسلمان و در نظام‌هایی که قفس آهنین استبداد حزبی یا ستم قومی اجازه نداده بود که مسلمانان آن کشورها حتی مسلمانی خود را احساس کنند، نسیم هویت اسلامی وزیدن گرفت و ایمان‌های خفته به جوش آمد و گلبانگ مسلمانی، خواب اهریمنان را برآشفست: «و تری الارض هالمة فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ریت و انبتت من کل زوج بهیج» ۱۳۸... و این رستاخیزی اسلامی است که جانهای مرده را بیدار کرده و زمینه را برای روزی آماده می‌سازد که در پاسخ به سؤال «لمن الملک»، در بسیط زمین از چهارگوشه‌ی عالم گفته شود: «الله الواحد القهار» ۱۳۹. ۱۴۰

آنچه در ایران اتفاق افتاد، مسأله‌ی یک حرکت عظیم در مقیاس جهانی است. ما البته یک ملتیم؛ مرزهایمان هم، مرزهای محدودی است. بیرون از این مرزها هم کاری نداریم. به این نکته توجه داشته باشید. تلاش و فعالیت ما در داخل مرزهای خودمان است. اما این انقلاب، محدود به این مرزها نیست. این پیام یک پیام جهانی بود. دلیلش چیست؟ دلیل، این است که وقتی ملت ایران و رهبر عظیم‌الشأن ما - امام بزرگوار - این کار را انجام دادند، مسلمانان در هر جای دنیا که بودند، احساس کردند نوروز آنهاست. روز نو آنها آغاز شد؛

۱۳۷. دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی طرح ولایت ۱۳/۶/۱۳۷۸

۱۳۸. حج: ۵

۱۳۹. غافر: ۱۶

۱۴۰. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۰/۳/۱۳۶۹

باینکه به آن‌ها ربطی نداشت. در همه جای دنیا احساس کردند مقطع جدیدی در تاریخشان به وجود آمد. این را ما از نزدیک دیدیم... این‌ها روایت و حدس و تحلیل نیست؛ واقعیات است. هرکسی، هر مسلمانی، هر جای دنیا بود، وقتی این انقلاب پیروز شد، وقتی امام در صحنه ظاهر شدند، وقتی پرچم اسلام و لا إله إلا الله بالا رفت، احساس کرد که پیروز شده است. از این خیل عظیم یک میلیاردی در سراسر دنیا، بعضی این احساس را تداوم دادند، دنبالش راه افتادند و مبارزه کردند؛ شد همین حوادثی که در کشورهای گوناگون به وسیله‌ی نهضت‌های اسلامی راه افتاد. بعضی هم رها کردند. اگرچه ما در مرزهای خودمان هستیم و به بیرون مرزها کاری نداریم، اما این پیام، پیام بین‌المللی و جهانی است. ۱۴۱

با انقلاب اسلامی در ایران... عصر جدیدی با خصوصیات متمایز با دوران قبل، در عالم به وجود آمد. قدرت‌های مادی دنیا، چه بخواهند و چه نخواهند؛ امریکا چه بخواهد و چه نخواهد، این دوران در دنیا آغاز شده و پیش هم رفته است و تأثیرات این عصر جدید، روی ملت‌ها و دولت‌های ضعیف و نیز روی دولت‌های قوی و ابرقدرت‌ها محسوس است. وقتی عصر جدیدی در تاریخ بشر آغاز می‌شود، هیچ‌کس نمی‌تواند خود را از تأثیرات آن عصر برکنار بدارد. دوران گذشته‌ی تاریخ بشر هم همین‌طور بوده است. هیچ‌کس ممکن نیست خودش را از تأثیرات دورانی که با پایه‌های محکم الهی و انسانی در جهان شروع شده، دور بدارد... این عصر و این دوران جدید را باید «دوران امام خمینی» نامید. چند خصوصیت در این دوران هست که از آن تفکیک‌ناپذیر است: یکی از این خصوصیت‌ها، گسترش اعتقاد و باورهای مذهبی است. بعد از آن‌که سیاست قدرت و نظام سلطه‌ی جهانی این بود که دین و

۱۴۱. (۱۳۷۳/۰۸/۱۱) بیانات در آستانه‌ی سالروز تسخیر لانه‌ی جاسوسی امریکا و روز ملی مبارزه با استکبار

معنویت را به کلی از زندگی مردم حذف کند و جامعه‌ی بشری را یک جامعه‌ی بی‌دین و بی‌ایمان و بی‌اعتقاد به ارزش‌های الهی تربیت نماید، این دوران جدید، درست به عکس آن سیاست‌ها عمل کرده است... خصوصیت دیگر این عصر جدید، معنا بخشیدن به ارزش انسان‌ها و حضور مؤثر توده‌های میلیونی مردم است. در دوران جدیدی که به وسیله‌ی امام ما آغاز شده است و دایره‌ی آن محدود به ایران هم نیست، توده‌های مردم، اصل و تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده‌اند و آنها هستند که جریان‌ها را هدایت می‌کنند... از جمله خصوصیات دیگر... اصل آزادی از سلطه و تصرف و نفوذ قدرت‌های بزرگ است؛ یعنی همان چیزی که در انقلاب ما، به عنوان اصل «نه شرقی و نه غربی» شناخته شد... این دوران جدید که امام ما آن را با قیام و ایستادگی و اتکال به خدا و تکریم و تعظیم نسبت به ارزش‌های معنوی و با اعتمادش به آحاد مردم آغاز کرد، ان شاء الله ملت‌ها را از شر سلطه‌های جهانی نجات خواهد داد و دوران زوال قدرت‌های بزرگ مادی جهانی را نزدیک خواهد کرد. این، از برکات آن بزرگوار است. ملت ما، پشت سر رهبر با عظمت و استثنایی خود، اولین ملتی بود که قدم در این دوران جدید گذاشت و پایه‌های آن را مستحکم کرد و با مقاومت خود، برای ملت‌های دنیا، شهادی بر صدق این ادعاها شد. ۱۴۲

حرکت نظام اسلامی و جمهوری اسلامی و انقلابی که این حرکت را به وجود آورد، به سمت یک هویت حقیقی ماندگار مستحکم قابل دوام و دفاع در مقابل تهاجم‌هاست؛ هویت اسلامی، اتکاء به خدای متعال، احساس عزت از مسلمان بودن، تکیه‌ی بر ظرفیتها و نیروهای که خدای متعال به ما بخشیده است - چه نیروهای شخصی یک‌یک ما، چه نیروهای عظیم

۱۴۲. مراسم اولین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۳۶۹

جمعی ملی، چه نیروهای انسانی و چه نیروهای طبیعی ما - و فراخوانی دنیا به سمت ارزشهای معنوی» ۱۴۳.

انقلاب اسلامی برای مسلمانها الگو شد؛ اولاً با پیدایش خود، بعد با تشکیل موفق نظام جمهوری اسلامی که توانست یک نظامی را با یک قانون اساسی کامل ارائه کند و آن را به کرسی بنشانند و تحقق ببخشند، و بعد ماندگاری این نظام در طول سی و دو سال که نتوانند به او ضربه بزنند، و بعد استحکام و تقویت هرچه بیشتر این نظام - که نظام جمهوری اسلامی امروز از لحاظ عمق و ریشه، قابل مقایسه‌ی با ده سال پیش، بیست سال پیش و سی سال پیش نیست - و بعد پیشرفتهای گوناگون در این نظام، که پیشرفت علمی، پیشرفت فناوری و صنعتی، پیشرفتهای اجتماعی گوناگون، پخته شدن افکار، پدید آمدن افکار نو، حرکت عظیم علمی در کشور و فعالیتهای گوناگون است. عمرانهائی که در این کشور شده است، در مواردی کشور را به درجه‌ی چند کشور معدود دنیا درآورده است. اینها همه حوادثی است که اتفاق افتاده است. اینها برای ملت‌های مسلمان چیزهای محسوس است؛ اینها را می‌بینند، مشاهده می‌کنند. این انقلاب آمد، نظام درست کرد، این نظام باقی ماند، روزبه‌روز قوی‌تر شد، روزبه‌روز هم پیشرفته‌تر شد؛ این میشود الگو. این الگوسازی یک گفتمانی را به وجود می‌آورد که آن، گفتمان هویت اسلامی و عزت اسلامی است. امروز در بین ملت‌های دنیا، احساس هویت اسلامی، قابل مقایسه‌ی با سی سال قبل نیست؛ احساس عزت اسلامی و مطالبه‌ی این عزت، امروز قابل مقایسه‌ی با گذشته نیست. این، اتفاق افتاده است. ۱۴۴.

۱۴۳. بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش ۱۹/۱۱/۱۳۹۰

۱۴۴. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۹/۱۲/۱۳۸۹

ملت ایران دنیا را به حیرت فرو برد و برای کشورهای دیگر سرمشق شد. ۱۴۵ ملت ما به عنوان کسانی که به نام قرآن و به نام اسلام حرکت کرده‌اند، در دنیا شناخته شده‌اند. ۱۴۶

خطی که امام برای انقلاب ترسیم کردند ... خط عظمت اسلام و مسلمین و دفاع از محرومان و مستضعفان در سراسر عالم است. خط و راهی است که ملت ایران را در دنیا، به صورت یک ملت زنده و سرافراز و مستقل‌ترین و زنده‌ترین و فعال‌ترین ملت‌های دنیا درآورده و ما را از حالت ملت عقب‌افتاده‌ی وابسته‌ی مرده، خارج ساخته است. خطی است که ایمان و محبت و عشق مردم به اسلام را برانگیخته و آن‌ها را در این راه، به فداکاری‌های اعجاب‌انگیز و بی‌نظیر واداشته است. این خط، زندگی و همه‌ی هستی و هویت ملی و انقلابی ماست. ملت ایران با اتحاد خود، با حضور خود، با آگاهی خود این گام بلند را برداشت و تمدنی جدید، حرکتی جدید، جریانی نو در اندیشه‌ی سیاسی دنیا به وجود آورد. ملت‌های مسلمان احساس هویت کردند، شخصیت پیدا کردند. احساس کردند می‌توانند عقب‌افتادگی‌هایشان را که بر امت اسلامی تحمیل شده بود، جبران کنند. لذا شما می‌بینید حرکت ملت ایران بر روی ملت‌های مسلمان - از شمال آفریقا تا شرق آسیا - اثر گذاشت، ملت‌ها را بیدار کرد. در قضیه‌ی فلسطین، در قضیه‌ی لبنان، در مسائل عراق و افغانستان جابه‌جا و قدم‌به‌قدم، تأثیر نفس شما ملت ایران محسوس است. ۱۴۷

❖ ه. جوهره هویت ایمانی

ملت ما می‌تواند محور یک حرکت عظیم جهانی باشد بر علیه ظلم و نظام استکباری و

۱۴۵. بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۲۹/۰۱/۱۳۷۰

۱۴۶. بیانات در دیدار مردم خرم‌آباد ۳۰/۰۵/۱۳۷۰

۱۴۷. بیانات در دیدار مردم بیجار (۲۸/۰۲/۱۳۸۸)

نظام ظالمنه و نظام ارباب رعیتیِ جلید و نویی که امروز مستکبران عالم می‌خواهند بر دنیا تحمیل کنند¹⁴⁸.

ملت ایران ملتی است که سرسختی خود را در راه دفاع از آرمانهای خود و از منافع خود آن‌چنان نشان داده است که میل و رغبت خود [را] به سلامت و صلح و همزیستی با برادران مسلمان و همه‌ی آحاد بشر؛ این دو با یکدیگر موازی هستند.¹⁴⁹

○ ۱- جمهوری اسلامی، درهم شکننده نظام سلطه

انقلاب اسلامی خود یک نوآوری بزرگ تاریخی بود که ملت ایران آن را در تاریخ خودش و تاریخ بشریت به ثبت رساند. انقلاب نوآوری بود؛ جمهوری اسلامی نوآوری بود. از بعد از دوران شروع استعمار، دنیا به دو بخش تقسیم شد: یک بخش سلطه‌گر، یک بخش سلطه‌پذیر؛ دولتها و قدرتهایی با تکیه به دانش، با تکیه به سلاح، با تکیه به فریبگری، توانستند کشورهای دیگری را زیر سلطه بگیرند؛ آنها شدند سلطه‌گر، این ملتها و این کشورها خواه‌وناخواه - شدند سلطه‌پذیر. دنیا عادت کرد به تقسیم میان سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ به‌طور سنتی، جمعی از ملتها باید زیر فرمان و یوغ استعمار و استکبار دولتها و ملتهای دیگری قرار می‌گرفتند. انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی آمد و این خطکشی باطل و این نظام غلط را درهم شکست. جمهوری اسلامی اعلام کرد با سلطه‌گری مخالف است و خود هم اگر بتواند و قدرت داشته باشد، هرگز سلطه‌گری نخواهد کرد؛ نه ملت دیگری را و نه مسئولان کشور، ملت خود را زیر سلطه‌ی ناخواسته‌ی خود نخواهند کشید. با سلطه‌گری مخالف است؛ اما با سلطه‌پذیری بیشتر مخالف است. سلطه‌پذیری به معنای تسلیم شدن و تشویق کردن سلطه‌گران

¹⁴⁸. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۸۳/۱۰/۱۹

¹⁴⁹ بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳/۰۷/۱۳۹۲

است. آن ملّتی که می‌نشینند تا بیابند و منابع او را غارت کنند و بر سرنوشت او مسلط بشوند، دارد سلطه‌گران را تشویق میکند و به دست خود گور خود را میکند. ۱۵۰

ملّت ایران با انقلابِ خودش سقف فلک فرهنگ و سیاست را در دنیا شکافته و طرح نویی در انداخته است. روزی که دنیا دو قطبی بود و دو ابرقدرت با همدیگر آنطور معارضه داشتند، در مقابله‌ی با این طرح نو با هم همدست شدند. پس معلوم میشود که طرح نوی ملّت ایران که با انقلاب اسلامی آن را به میدان آورد، چیزی است که جهت مشترک دو ابرقدرت را هدف و آماج خود قرار داده بود و آن را تهدید میکرد. آن جهت مشترک چیست؟ قدرت‌طلبی و سلطه‌طلبی. بله، ما با نظام سلطه مواجه شدیم.^{۱۵۱}

پس از به وجود آمدن نظام اسلامی برپلیه‌ی مستحکم ایمانهای مردم، چالش عظیم جهانی در برابر آن پیدا شد. چرا؟ چون این نظام به‌طور طبیعی با اختاپوس خطرناک نظامهای استکباری دنیا درگیر میشد. معنای این درگیری این نبود که ما میخواستیم به جنگ امریکا یا انگلیس یا فلان کشور برویم. شما جوانان بدانید که در طول دوران بیست و پنج سال انقلاب اسلامی، حتّی یک روز هم نشد که مسؤولان انقلاب به ذهنشان خطور دهند که به جنگ و معارضه با این کشور و آن کشور بروند؛ نه، این چالش از ناحیه هویت و ذات انقلاب است. وقتی یک کشور اسلامی با داشتن موقعیت حسّاس جغرافیایی و با فرهنگ عمیق به میدان می‌آید و ایده‌ای را مطرح میکند و برای جان بخشیدن به آن، تمام مجاهدت و تلاش خود را میکند و نشانه‌های موفقیت در چهره او آشکار میشود، به‌طور طبیعی منافع استکبار را در کلّ منطقه به خطر می‌اندازد. لذا دستگاههای استکباری آن روز - که در یک طرف اردوگاه

۱۵۰ . در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱/۱/۱۳۸۷

۱۵۱ . بیانات در دیدار مسؤولان نظام ۶/۸/۱۳۸۳

لیبرالیزم سرمایه‌داری و در طرف دیگر اردوگاه سوسیالیزم ادعایی الحادی دیکتاتوری بود - با انقلاب اسلامی درافتادند. عجیب این بود که اینها در نود درصد مسائل با همدیگر اختلاف داشتند، اما در این که باید این شعله برافروخته را خاموش کرد و این نهال برآمده را کند، با هم متحد بودند! شما جوانان عزیز روی این مسائل فکر کنید؛ اینها حرفهای تکراری نیست؛ اینها راه ما را برای آینده روشن میکند. 152

آنچه در ایران اتفاق افتاده است، درست نقطه‌ی مقابل هدفها و اطماع استکبار جهانی است. در اینجا نظامی متکی به مردم، متکی به دلها، به ایمانها، به عاطفه‌ها شکل گرفته است؛ با اهداف اسلامی، با اهداف قرآنی، با اهداف «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» ۱۵۳ با این اعتقاد و باوری که هیچ‌گونه فشار و تحمیلی نمی‌تولند آن را متزلزل کند؛ یک نظام این‌چنینی؛ نظام اسلامی. خود این ایستادگی، خود این مقاومت در مقابل طمع‌ورزی بیگانگان، مراکز قدرت جهانی را به خشم می‌آورد. سی سال است اینها دارند خشم خودشان را به نحوی ابراز می‌کنند، اما با اراده‌ی ملت ایران - که متکی به اراده‌ی پروردگار متعال است و با اطمینان به وعده‌ی الهی است - دشمنان ناکام مانده‌اند و ملت ایران روزبه‌روز عرصه‌های پیشرفت و تکامل و تعالی را پیموده است. ۱۵۴

○ ۲- مبارزه دائمی ملت ایران با نظام استکبار

مبارزه و جهاد به یک معنا تمام‌نشدنی است - چون شیطان همیشه در دنیا هست - به یک معنا با موقعیتهای مختلف، شکل جهاد تغییر پیدا میکند. اگر کشورها و ملت‌هایی، بتوانند

152. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان ۱۳۸۲/۰۷/۲۲

۱۵۳ (۱). منافقون: ۸

۱۵۴ (۱۳۹۰/۰۱/۰۸) بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه در سفر یک روزه به این شهر

همت کنند و جامعه‌ی بشری را و جامعه‌ی جهانی را از زیر بختک استعمار و استکبار بیرون بکشند، مشکل حل خواهد شد. یعنی عمده‌ی مشکل بشریت این است. امروز دستگاه‌های استکباری و در رأس آنها آمریکا، مثل بختک افتاده‌اند روی جسم بشریت و روی فکر بشریت - مثل جان بشریت - او را احاطه کرده‌اند، او را میفشردند، او را آشفته می‌کنند، زندگی‌اش را پریشان می‌کنند؛ [اگر] بشریت بتواند خودشان را از زیر این سایه‌ی سنگین، از زیر این کابوس بیرون بکشند، آن وقت نفس راحتی خواهد کشید. البته کار آسانی نیست، کار دشواری است، مبارزات طولانی و بلندمدت می‌خواهد. ملت ایران گام‌های بلندی را در این راه برداشته است. ۱۵۵

انقلاب اسلامی یک پیشنهاد جدید، یک حرف نو برای زندگی انسانها بود. دنیای اسیر قدرتمندی و بازی قدرت قدرتمندان که به‌خاطر حفظ قدرت خودشان مردم را سوق میدادند به‌سمت مهالک اخلاقی و مهالک گوناگون فکری، احتیاج به یک سخن نو داشت؛ این سخن نو را انقلاب اسلامی تولید کرد، ایجاد کرد و آن را عرضه کرد. این سخن نو عبارت از این است که بشریت میتواند به پیشرفتهای مادی، پیشرفتهای علمی، پیشرفتهای باب و مناسب ارزش انسانی دست بیابد، همراه با کسب رضایت پروردگار و همراه با حفظ ارزشهای الهی، و دنیا را از جهنمی که قدرت‌طلبان عالم و سیاستمداران دور از معنویت به وجود آورده‌اند نجات بدهد و در همین نشئه یک بهشت برای بشریت به وجود بیاورد؛ بهشت اطمینان، بهشت آرامش، بهشت احساس وظیفه، بهشت ارتباط با خدای متعال. این پیام انقلاب اسلامی بود. ۱۵۶

۱۵۵. ۰۴/۰۳/۱۳۹۳ بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی

۱۵۶. دیدار با بسیجیان ۹۶/۹/۱

عزیزان من! انقلاب اسلامی عظیم ملت ایران یک قیام بزرگ بشری بر ضد این وضعیت بود. انقلاب ما فریاد اسلام بود؛ فریاد توحید بود؛ فریاد عدالت بود؛ فریاد کرامت انسان بود در این دنیای سرشار از ظلم که نعمتهای خدا، هدایای الهی به انسانها، وسیله‌ای قرار می‌گیرد برای سرکوب انسانها. انقلاب در مقابل یک چنین وضعیتی به وجود آمد. آن کسانی که امروز به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران توصیه می‌کنند که به نظام جهانی برگردید، همان کسانی هستند که از وجود یک چنین حرکت عظیمی در میان یک ملت، آن هم در یک چنین موقعیت حساسی، ناراحت و سراسیمه‌اند. برگردید به نظام جهانی، یعنی تسلیم همین نظام غیر عادلانه بشوید؛ شما هم جزوی از نظام غیر عادلانه بشوید. این را از ملت ایران می‌خواهند. ملت ایران سی سال است با قدرت، با اعتماد به نفس، با اعتقاد راستین و عمیق به خواستگاه ایمانی خود، به این درخواست جاهلان، مجنونان و غیر منطقی پاسخ «نه» داده است. فشارهایی که بر ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی در طول این سی سال وارد کردند، به خاطر این بود که این انقلاب را از این جایگاه رفیع، از این خواستگاه معنوی و ملکوتی و انسان‌ساز پائین بیاورند. البته بدیهی است که نتوانستند و بدیهی است که نخواهند توانست. «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ». ۱۵۷ نور خدا، نور توحید، نور عدالت، نور احساس شرف به عبودیت خداوند، وقتی در دل انسان‌هایی، ملتی درخشید، هیچ دستی نمی‌تواند آن را خاموش کند. ۱۵۸

ایران یک کشور بزرگ است. ایران تاریخ عمیق و عظیمی دارد که امثال کشور امریکا در

۱۵۷ . صف: ۸

۱۵۸ (۲۶/۰۱/۱۳۸۸) بیانات رهبر معظم انقلاب در بازدید از دانشگاه امام حسین (ع)

۱۵۸

این تاریخ غرق می‌شوند. مگر ملت ایران شوخی است؟ فرهنگ یک ملت همچون ذره‌های الماس است که در طول قرون شکل می‌گیرد و استحکام پیدا می‌کند و در عنصر یکایک افراد ملت متجلی است. مگر می‌شود ملت ایران را دست کم گرفت؟ ملت ایران، اسلام را انتخاب کرده است. کسی اسلام را به ملت ایران تحمیل نکرده و حکومت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را هم ملت انتخاب کرده است. ملت، زندگی همراه با مبارزه‌ی خودش و فضای آزاد امروز را انتخاب کرده است. استقلال از قدرتهای بزرگ را ملت ایران انتخاب کرده است. مگر امروز در ایران کسی جرأت دارد دم از وابستگی به یک قدرت و جناح در دنیا بزند؟ اگر بزند، این ملت جوایش را می‌دهد. این ملت، ملتی آزاد و مستقل است. دولتهای دنیا، کشورهای دنیا و رژیمهای دنیا، از خدا می‌خواهند با چنین ملتی ارتباط داشته باشند. یک ملت دارای ثروت معنوی، فرهنگی، تاریخی، رشد عقلانی و ثروت مادی؛ دارای این همه ذخائر، دارای این همه جوان و نیروی کار و دارای مدیران خوب. این ملت، ملتی است که پیش خواهد رفت. ۱۵۹

○ ۳- ملت ایران محور یک حرکت جهانی

ما افتخار میکنیم که در این دنیای هادی، پرچم حاکمیت قرآن و اسلام را اول ما بلند کردیم. پای این داعیه‌ی بزرگ هم ایستاده‌ایم، زحماتش را هم تحمل کرده‌ایم و نشان داده‌ایم که اگر ملتی صبر کند، تحمل کند، استقامت کند، نه فقط دشمن را ناکام خواهد کرد، بلکه پیشرفت خواهد کرد؛ این اتفاقی است که در کشور ما افتاده است 160.

دوران نظام استکباری - که مبنای آن بر ظلم به ملتها و تسلط بر جان و مال و ناموس و منابع آنهاست - به‌سر آمده است. البته ممکن است ملتها دوره‌های سختی را تجربه کنند، اما

۱۵۹. (۱۳۷۳/۰۸/۱۱) بیانات در آستانه‌ی سالروز تسخیر لانه‌ی جاسوسی امریکا و روز ملی مبارزه با استکبار

دوران زورگویی و قلدری در باطن انسانها و در باطن عالم به سر رسیده؛ بیشتر از این نمی‌توانند. ملتی که می‌تواند نقش ایفا کند، ملتی است که به خودآگاهی برسد و از اراده و ایمان و هوشیاری استفاده کند؛ او میدان را خواهد برد. بیشترین اقبال را در این مورد ملت ایران دارد. ملت ایران، هم با استعداد است، هم باهوش است، هم مؤمن است و هم تجربه کرده است. ملتهای دیگر تجربه‌ی ملت ما را ندارند. ملت ما می‌تواند محور یک حرکت عظیم جهانی باشد بر علیه ظلم و نظام استکباری و نظام ظالمانه و نظام ارباب رعیتی جدید و نویی که امروز مستکبران عالم می‌خواهند بر دنیا تحمیل کنند 161.

در دنیایی که مبتنی بر مدار زور و زورگویی و چپاولگری قدرتمندان و زورمندان است و ملتهای مستضعف در مناطق فراوانی از عالم دائماً در زیر فشار این زورمندان قرار دارند، در این دنیا یک موجودی، یک هویتی سر بلند کرد که صریحاً، بدون ملاحظه، با شجاعت کامل این حرکت غلط عالم را - که حرکت سلطه‌گری است و ما از آن تعبیر میکنیم به نظام سلطه - نفی کرد؛ این کار ملت ایران است. ملت ایران نظام سلطه را که مبتنی بر سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است، نفی کرد. مبنای دنیای قدرتمند چپاولگر، بر تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است؛ امروز هم همین جور است، در دورانی که انقلاب اسلامی به وجود آمد هم همین جور بود و در طول تاریخ هم همین جور بوده است؛ البته امروز شدیدتر از دورانهای گذشته است؛ چون امروز ابزارهای سلطه، قابل مقایسه با صد سال پیش و هزار سال پیش و پنج هزار سال پیش نیست؛ لذا سلطه‌گران امکان تسلط بیشتری بر مظلومان و بر مستضعفان دارند و از این امکان دارند به طور کامل استفاده میکنند؛ منابع را میبرند، فرهنگها را نابود میکنند،

161. بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۸۳/۱۰/۱۹

انسانها را تذلیل میکنند، در بین ملت‌های مظلوم و محروم گرسنگی را گسترش میدهند؛ و فجایع فراوان دیگر. در مقابل این حرکت، یک هویتی به وجود آمد به نام انقلاب اسلامی که متکی بود به مبانی وحی، مبانی الهی، اخلاق الهی، حرکت الهی و آنچه قرآن با صراحت دارد آن را بیان میکند؛ این حرکت ملت ایران است. این حرکت بحمدالله روزبه‌روز هم توسعه پیدا کرده؛ این حرکت پیش رفته. ۱۶۲

این در دنیا خیلی چیز مهمی است که ملت‌ها ببینند بدون قرار گرفتن زیر سایه‌ی قدرتها هم یک ملت ممکن است رشد کند و حرکت کند، بلکه با خصومت قدرتها هم میتواند رشد کند و حرکت کند و بایستد و روی پای خودش جلو برود؛ این را ما عملاً نشان دادیم، این هم اینها را عصبانی میکند. ملت ایران برای کشورها و برای ملت‌ها الگو شد که نشان بدهد میتوان در مقابل ابرقدرت‌ها ایستادگی کرد و از آنها نترسید، و درعین حال پیش رفت.^{۱۶۳}

آن نکته‌ی که همه‌ی ملت ایران باید لحظه‌ی از خاطر نبرند، این است که نعمت خدا بر ما ملت، نعمت بسیار عظیمی است. در عصر سیطره‌ی ظلم و فساد، در عصری که قدرتهای استکباری مردم دنیا را با انواع مختلف فشار و شکنجه و استعمار و تحمیق و روشهای گوناگون استکباری در فشار قرار داده‌اند، در عصری که ملت‌ها جرأت نمیکند در مقابل سلطه‌ی استکباری نفس بکشند و غول زر و زور تقریباً سلطه‌ی خودش را بر دنیا گسترده است، در چنین دوران سخت و ظلمانی و دهشتناکی، این ملت به نام خدا قیام کرد، با یاد خدا مبارزه کرد، کلمات خدا را سرمشق زندگی خود قرار داد، قرآن و معارف الهی را از زبان یکی از

۱۶۲. ۲۷/۱۱/۱۳۹۳. بیانات در دیدار اعضای ستادهای «کنگره شهدای امور تربیتی»، «کنگره شهدای دانشجوی» و «کنگره شهدای هنرمند»

۱۶۳. . دیدار نخبگان جوان علمی ۹۶/۷/۲۶

برجسته‌ترین بندگان شایسته‌ی خدا - امام بزرگوارمان - شنید، آنها را به کار بست و توانست به عنوان یک ملت نمونه در دنیا ظاهر بشود. شما امروز یک ملت نمونه هستید. خیلی از ملتها از شما سرمشق میگیرند، روشهای شما را مطالعه میکنند و شجاعت شما را میستایند. این نعمت بزرگی بود که خدا به شما داد. در این سالهای سخت مبارزه‌ی طولانی دوران پس از پیروزی انقلاب، ملت ما به بشریت خدمت کرد. شما خیلی از چشمها را در دنیا باز کردید. این قدرتهای استکباری، پرچم معنویت را خوابانده بودند. در دنیا خبری از دین و معنویت و اخلاق و وظیفه‌ی انسانی و نام خدا نبود؛ شما اینها را زنده کردید و برای عزت اسلام و عظمت دادن به نام خدا، سختی مبارزه را قبول نمودید. امروز اگرچه قدرتهای استکباری در یک میدان بی‌رقیب و بی‌منازع، چهار اسبه می‌تازند، اما در دنیا کار به جایی رسیده است که بزرگترین قدرتهای استکباری هم از احساسات معنوی و دینی ملتها میترسند! در مقابل قدرت بی‌مهار و بی‌رقیب امریکا، امروز تنها چیزی که ایستاده است و مقاومت میکند و امریکا را میترساند، همین بیداری معنوی انسانهاست؛ بخصوص در مناطق اسلامی. این روح دینی و گرایش به معنویت که در میان بسیاری از ملتها پیدا شده است، اینها را شما کردید؛ مبارزه‌ی شما کرد. ملت ایران جوهر خود را نشان داد. این حرکتی که ملت ایران شروع کرد و بحمدالله با قدرت ادامه دارد، روزبه‌روز ملتها را بیدارتر و هشیارتر خواهد کرد؛ آنها را به وظیفه‌ی خودشان آشناتر خواهد کرد و به دشمنی ابرقدرتها بیشتر واقف خواهد نمود. آینده‌ی ملت ایران هم ان‌شاءالله آینده‌ی درخشانی است. هر ملتی با این روحیه حرکت بکند، آینده‌ی درخشانی خواهد داشت. این، نعمت الهی است؛ شکر این نعمت لازم است 164.

ملت ما با پیشرفت‌ها ثابت کرد که در سایه‌ی آمریکا زندگی نکردن، به معنای عقب‌افتادگی نیست؛ این نکته‌ی مهمی است. قدرتمندان عالم، استعمارگران — در روزی که استعمار مستقیم بود — و امروز آمریکا، می‌خواهند به ملت‌های دنیا اثبات کنند که اگر می‌خواهید زندگی خوب داشته باشید و پیشرفت کنید، باید زیر سایه‌ی ما بی‌آید. ملت ایران اثبات کرد که این حرف دروغ است. ملت ما ثابت کرد که وابسته نبودن به آمریکا و قدرتهای بزرگ نه فقط موجب عقب‌افتادگی نیست، بلکه موجب پیشرفت است؛ ۱۶۵

❖ و. شاخصه‌مندی و انضباط هویت ایمانی

عمل صالح بر اساس ایمان، ایمان راسخ و ایمان درست، ایمان همراه با بصیرت، و تداوم و استقامت، اگر چنانچه بود، پیروزی قطعی است. اینهایی که پیروز نمیشوند، یکی از اینها را ندارند: یا ایمان نیست، یا ایمان درست نیست، یا استقامت نیست، یا بصیرت نیست؛ در نیمه‌راه بار را بر زمین گذاشتن است؛ طبعاً به نتیجه نمی‌رسند. ملت ایران این شرایط را فراهم کرد؛ ایمان او درست بود، چون راهنمای او راهنمای صادقی بود، راهنمای هاجر و خیبری بود؛ یک فقیه آگاه به مسائل جهان، و بریده‌ی از مطامع و منافع مادی شخصی، و آگاه به کتاب و سنت؛ راه را به مردم نشان میداد، مردم هم با بصیرت حرکت کردند؛ فهمیدند که چه کار باید بکنند؛ آن کار را انجام دادند، وَ كَانَتْ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ حالا هم همین جور است. ۱۶۶

○ ۱- مکتب امام، شاخصه هویتی ملت ایران

ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر، مکتبی و

۱۶۵ بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۲/۰۱/۰۱

۱۶۶ بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۲/۱۰/۱۹

اسلامی بودن آن است. ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت‌ها، مکتبی نبودن مبارزات بوده است. گرچه در نهضت‌های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی را بر عهده داشت ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش‌ها به سرعت به رکود کشانده شد از اینجا وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالیقدر تقلید حضرت آیت الله العظمی امام خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت.^{۱۶۷}

امام مظهر عینی حرکت عظیمی است که ملت ایران آغاز کرد و تاریخ خود را متحول کرد. امام بنیان‌گذار یک مکتب فکری و سیاسی و اجتماعی است. و ملت ایران این مکتب را، این راه را، این نقشه را پذیرفته و در آن مشغول حرکت است.^{۱۶۸}

عامل مهم تسلیم‌ناپذیری و ایستادگی ملت ایران در راه پُر افتخار خود، فلسفه‌ی سیاسی و مکتب سیاسی امام است، که ملت ما از بن دندان به آن اعتقاد دارند.^{۱۶۹} [زیرا] ارادت و محبت مردم به امام بزرگوار، صرفاً از نوع یک علقه‌ی قلبی و احساسی و عاطفی نیست. اگرچه از لحاظ احساسات و عواطف، محبت امام در دلها موج می‌زند، اما این همه‌ی مسئله نیست؛ بلکه ارادت مردم به امام بزرگوار، به معنی پذیرش مکتب امام به‌عنوان راه روشن و خط روشن حرکت عمومی و همگانی ملت ایران است؛ یک راهنمای نظری و عملی است که کشور و ملت را به عزت و پیشرفت و عدالت می‌رساند. مردم با این چشم، به راه امام و خط

^{۱۶۷} . مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^{۱۶۸} . بیانات در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۰/۰۳/۱۴

^{۱۶۹} . همان، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴

امام و میراث مانند‌گار امام نگاه می‌کنند. ملت ما به برکت مکتب امام و راه امام در مقابل سنگین‌ترین توطئه‌های نظامی، امنیتی، اقتصادی، سیاسی، ایستادگی کرده است.^{۱۷۰}

بنابراین امام منهای خط امام، آن امامی نیست که ملت ایران به نفس او، به هدایت او جان‌شان را کف دست گرفتند، فرزندان‌شان را به کام مرگ فرستادند، از جان و مالشان دریغ نکردند و بزرگترین حرکت قرن معاصر را در این نقطه‌ی عالم به وجود آوردند.^{۱۷۱} زیرا مردم ما بر اثر آشنایی با اسلام، نظام اسلامی را انتخاب کردند. مردم ما کتاب‌های اسلامی خوانده بودند؛ با روایات آشنا بودند؛ با قرآن آشنا بودند؛ پای منابر نشسته بودند. در این دهه‌های اخیر، روشن‌فکران مذهبی از علما، روحانیون، فضلا و دانشگاهیان کارهای زیادی کرده بودند. برای مردم یک سلسله ارزش‌ها جا افتاده بود و دنبال آن‌ها بودند. در محیط رژیم گذشته هرچه نگاه می‌کردند، از این ارزش‌ها خبری نبود. انقلاب برای دستیابی به آن ارزش‌ها بود. مردم می‌دانستند چه می‌خواهند؛ مردم دنبال این ارزش‌ها بودند. آن وقت بروند بنشینند بگویند که مردم نمی‌دانستند چه می‌خواهند! نخیر؛ مردم می‌دانستند. مردم اسلام را می‌خواستند. اسلام، فقط نماز خواندن و سجده کردن نیست آن‌ها هم جزو اسلام است اسلام یعنی بنای یک نظام اجتماعی و یک زندگی عمومی برای یک ملت، بر پایه‌های مستحکمی که می‌تواند سعادت دنیا و آخرت آن‌ها را تأمین کند. می‌تواند علم و پیشرفت و صنعت و ثروت و رفاه و عزت بین‌المللی و همه‌چیز را برای آن‌ها فراهم کند. مردم دنبال این بودند. کسانی که خودشان اسلام را نه می‌شناختند و نه ته دلشان چنان اسلامی را می‌خواستند؛ حداقلش این بود که جرئت نمی‌کردند به رژیم‌های طاغوتی غربی پشت کنند یا بی‌اعتنایی کنند؛ امروز می‌نشینند و این

^{۱۷۰}. همان، ۱۴/۰۳/۱۳۹۰

^{۱۷۱}. (۱۴/۰۳/۱۳۸۹) خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی (ره) در بیست و یکمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)

طرف آن طرف می گویند که مردم در رفراندوم جمهوری اسلامی نمی دانستند چه می خواهند! چطور نمی دانستند چه می خواهند؟! مردم اگر نمی دانستند، چگونه هشت سال جنگ تحمیلی را با فداکاری های خودشان پیش بردند؟! چیزی را که نمی دانند، چطور برایش فداکاری می کنند؟! مردم خوب می دانستند چه می خواهند؛ امروز هم خوب می دانند چه می خواهند.^{۱۷۲}

بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید برای ملت ایران یک قضیه جدی است.^{۱۷۳} و هیچ ملتی که داعیه‌ی تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمی تواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک لیدئولوژی و یک مکتب نمی تواند تمدن‌سازی کند. بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان، و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن‌سازی امکان ندارد. پس بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی توان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده‌ی همه‌ی اینها خواهد شد. آنکه مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار می دهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت می کند، همه‌ی این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد.^{۱۷۴}

برهمن اساس، مکتب امام خمینی ره بسته‌ای کامل، و مجموعه‌ای دارای ابعاد متنوع از اسلام ناب است^{۱۷۵} که یک تفکر صحیح درست تعریف شده‌ی متکی بر یک جهان‌بینی صحیح

^{۱۷۲}. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۰۲/۲۳

^{۱۷۳}. در آستانه سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و روز ملی مبارزه با استکبار ۱۳۷۳/۰۸/۱۱

^{۱۷۴}. دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

^{۱۷۵}. ۱۴/۰۳/۱۳۹۰

و یک تلقی مستدل و متین از آفرینش عالم ارائه می‌دهد؛ در این مبنای فکری، هدف حیات انسان، رسیدن به درجات کمال است؛ کمال معنوی که حتماً آراستگی مادی را با خودش دارد؛ آخرتی که از دنیا عبور می‌کند. ایجاد یک جامعه‌ی عادلانه، یک جامعه‌ی صالح، یک کشور پیشرو و معنوی، در عین حال دارای قدرت‌های والای مادی، با جهت‌گیری معنوی، با اخلاق انسانی و با احساس حقیقی انسانیت. بر اساس این مکتب، هر کسی میدانند کجای دنیا و کجای راه قرار دارد و به سمت کدام هدف حرکت می‌کند؛ قدرت تحلیل برای حوادث میسلبد و وظیفه‌ی خودش را در هر شرایطی تشخیص می‌دهد؛ و به طور کلی زندگی، هدفدار و مبارزه نیز هدفدار میشود.^{۱۷۶}

○ ۲- قانون اساسی، ضابطه هویتی ملت ایران

جمهوری اسلامی در آغاز، یک امید دست‌نیافتنی بود. به ذهن بعضی، نظام اسلامی می‌آمد؛ اما مثل یک رؤیا، مثل یک آرزوی دست‌نیافتنی، تلقی می‌شد. بتدریج با تلاش و با مجاهدت، تبدیل شد به ایمان اجتماعی. جامعه، نخبگان و توده‌ی مردم ما در جای جای این ملت بزرگ، به این مبنا و به این اصل مؤمن شدند و این تبدیل شد به یک ایمان و به یک خواست. بعد از اینکه این ایمان تحقق پیدا کرد، باز در سایه‌ی مجاهدتها، تبدیل شد به برنامه‌ی عملی و تحقق در خارج، و انقلاب و حرکت‌های اوایل پیروزی انقلاب و قانون اساسی را به دنبال خود آورد، بعد هم تبدیل شد به یک الگوی واقعی.^{۱۷۷}

[از یک طرف،] در قانون اساسی، بیشتر از همه چیز، نقش اسلام و منبعیت و منشأیت اسلام برای قوانین و ساختارها و گزینش‌ها مطرح است. به طوری که اسلام که همه چیز ما

^{۱۷۶}. بیانات در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان بسیجی طرح ولایت ۱۳۷۸/۶/۱۳

^{۱۷۷}. (۳۱/۰۶/۱۳۸۳) بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری

اسلام است، در قانون اساسی تجسّم و تبلور پیدا کرده است.^{۱۷۸} [از طرف دیگر،] در قانون اساسی، همین نکته که مردم پایه‌ی اصلی حکومت هستند، به یک شکل معقول و منطقی و قانونی گنجانده شده است.^{۱۷۹} و توزیع قدرت به نحو منطقی و صحیح وجود دارد و همه‌ی مراکز قدرت هم، مستقیم یا غیرمستقیم با آراء مردم ارتباط دارند و مردم تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده هستند.^{۱۸۰}

در قانون اساسی ترتیبی داده شده است که حضور و اراده و رأی و خواست مردم را با جهت‌گیری اسلامی، در همه‌ی ارکان نظام، ظهور و بروز می‌دهد.^{۱۸۱} به گونه‌ای که ترجمان خواسته‌ها و آرمان‌های ملت ایران و نشان‌دهنده جهت و مسیر حرکت مردم^{۱۸۲} و ستون فقرات نظام و در حقیقت مرکز اصلی سلسله اعصاب نظام و معیار و ضابطه است.^{۱۸۳} و می‌تواند ضامن حفظ نظام اسلامی باشد؛ نظامی که پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسان‌هاست. این قانون اساسی می‌تواند ذهن‌ها را اشباع و اقناع کند و جسم‌ها را به رفاه مادی برساند؛ می‌تواند دنیا و آخرت مردم را آباد کند.¹⁸⁴

یکی از هدف‌های مهم قانون اساسی، وحدت کشور و امنیت عمومی و رابطه‌ی ارگانیک و پیوسته‌ی تمام دستگاه‌ها بود. شما به قانون اساسی ما که نگاه می‌کنید می‌بینید تمام دستگاه‌های کشور مثل کلافی به هم بسته و پیچیده‌اند و همه به مرکز ولایت فقیه به نحوی از

^{۱۷۸}. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۰۴/۱۹

^{۱۷۹}. جلسه‌ی پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی ۱۳۷۷/۱۲/۰۴

^{۱۸۰}. جلسه‌ی پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی ۱۳۷۷/۱۲/۰۴

^{۱۸۱}. دیدار اقشار مختلف مردم قم ۱۳۸۰/۱۰/۱۹

^{۱۸۲}. نامه به سران قوای سه‌گانه و ابلاغ سیاست‌های کلی نظام ۱۳۷۹/۱۲/۲۰

^{۱۸۳}. دیدار اعضای هیئت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان ۱۳۷۴/۱۱/۱۴

¹⁸⁴. دیدار جمعی از روحانیون استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۱

انحاء متصل اند. دستگاه قانون‌گذاری کشور بالاخره قانون را باید به نظر شورای نگهبان برساند که فقهای این شورا که نصف تعداد آن را تشکیل می‌دهند منصوب ولی فقیه‌اند. قوهی مجریه به رئیس‌جمهور ختم می‌شود که رئیس با امضا و تصویب امام‌آمت این مسئولیت را پس از رأی مردم به عهده می‌گیرد. قوه قضائیه به شورای عالی قضائی ختم می‌شود که دو عنصر اصلی شورای عالی قضائی مورد قبول و تأیید و نصب ولی فقیه هستند؛ یعنی این دستگاه‌ها به همدیگر متصل و مرتبط و پیچیده و همه منتهی می‌شوند به رأس مخروط یعنی ولی فقیه که یکی از هدف‌های قانون اساسی این بود که این دستگاه‌ها را به هم مرتبط و متصل بکند و بین آن‌ها ارتباط برقرار کند.^{۱۸۵}

بنابراین معیار همکاری، قانون اساسی است و قانون اساسی وظایف، حکم موارد اختلاف و تنازع، و حکم و مرجع را هم معلوم کرده است.^{۱۸۶} ترکیب قانون اساسی، راه حل مشکلات را معین کرده و رهبری را به عنوان محور، در نقطه مرکزی همه مسئولان قرار داده است. این امکان و فرصت بسیار بزرگی است تا مسئولان بتوانند با وحدت کلمه، با همدیگر کار کنند.^{۱۸۷}

[خلاصه اینکه] براساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد و نهادها و بنیان‌های اداره‌ی کشور و مدیریت کشور معین شد.^{۱۸۸} و به این بدین معناست که نظام اسلامی، یعنی منبع تقنین و معیار و ملاک اجرا و ارکان تصمیم‌گیری در

^{۱۸۵}. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۶/۰۹/۲۰ و جلسه‌ی پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی ۰۴/

۱۳۷/۱۲

^{۱۸۶}. (۰۸/۰۸/۱۳۸۰) بیانات در اجتماع بزرگ مردم اصفهان

^{۱۸۷}. (۱۲/۰۸/۱۳۸۰) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جوانان استان اصفهان

^{۱۸۸}. دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۰۷/۲۴

کشور معلوم شد چیست؛ ارکان حکومت - قوه مجریه، قوه مقننه، رهبری، قوه قضائیه و دیگر ارکان - چیده شد و قانون اساسی آمد همه این‌ها را تثبیت کرد.^{۱۸۹} به عبارت دیگر نظام اسلامی، یعنی ترتیب اداره کشور، همان طوری که اسلام گفته است؛ این کار را هم ملت ما با موفقیت انجام داد. قانون اساسی تنظیم شد.^{۱۹۰} به گونه‌ای که قانون اساسی هندسه حرکت عمومی^{۱۹۱} و میثاق بزرگ ملی، دینی و انقلابی ملت ایران شد.^{۱۹۲}

^{۱۸۹}. دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸؛

^{۱۹۰}. در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۴/۵/۲۸

^{۱۹۱}. همان، ۱۳۸۰/۹/۲۱

^{۱۹۲}. دیدار مسئولان و کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۰۴/۱۹

فصل سوم: مجاهدت ایمانی ملت در آینه روایت امام

از میان همه‌ی ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همّت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر میرسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانیِ چهل سال دوّم میشود.^۳

ملت بزرگ ایران! شما امتحانهای بسیار خوبی را در این دوران طولانی دادید: امتحان اتّحادتان، امتحان آگاهیتان، امتحان همراهی و همکاری‌تان با مسئولین، امتحان حضورتان در صحنه‌های گوناگون.^{۱۹۳}

می‌دانید که قرن بیستم، قرن انقلاب بود. از دهه‌ی دوم این قرن بلکه حتی از دهه‌ی اوّل این قرن انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی شروع شد، تا همین آخر. در بین ده‌ها حادثه‌ای که یا انقلاب واقعی بود و یا انقلاب نامیده شد کودتایی بود که اس‌م‌ش را انقلاب گذاشتند. بنده هیچ ملتی را مانند ملت ایران سراغ ندارم که این‌طور آگاهانه، آرمان‌گرایانه، شجاعانه و چنین بیدار و به‌روز، از راه خود و کار خود و آرمان‌های خود

^{۱۹۳}. خطبه‌های نمازجمعه در سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۷۲/۰۳/۱۴

دفاع کرده باشد. این مخصوص شماسست. این مبالغه و مجامله نیست؛ این یک واقعیت است. هرکس از صدسالی که بر دنیا گذشته، اطلاع داشته باشد، شهادت خواهد داد که ملت ایران ملتی بزرگ، ملتی شجاع و ملتی شایسته‌ی بالیدن و رشد و پیشرفت است.^{۱۹۴}

❖ الف: عرصه مقاومت و ایستادگی

به ما حمله‌ی نظامی هم شد، تحریم هم شدیم، نفوذ عوامل جاسوسی هم اتفاق افتاد، شهید هم دادیم، اما ملت ایران مثل کوه ایستاد و توانست خود را مستحکم و پایدار کند! ... روزبه‌روز به فضل الهی ما پیشرفت کردیم، روزبه‌روز قوی‌تر شدیم؛ بعد از این هم همین خواهد بود؛ و این نسخه‌ی حرکت مسلمین و پیشرفت مسلمین در دنیای اسلام است.^{۱۹۵}

اگر به عقب برگردیم و راههای خطرناکی را که طی کرده‌ایم، نگاه کنیم، وحشت می‌کنیم. گاهی انسان در میان پیچ‌وخم‌های یک جاده‌ی کوهستانی و صعب‌العبور، با احتیاط و دقت قدم برمی‌دارد؛ بعد که به قله‌ی کوه رسید، پشت سر خود را نگاه می‌کند و با تعجب می‌بیند که از چه جاهای خطرناکی عبور کرده است. ده سال گذشته‌ی ما این وضعیت را دارد. جنگ، محاصره‌ی اقتصادی، همدستی قدرتهای بزرگ علیه جمهوری اسلامی، تباری نیروهای نظامی اروپا و امریکا و ارتجاع علیه ما، توطئه‌های داخلی، نفوذی‌های دشمن، طراحی کودتا، نفوذ لیبرالها و ملی‌گراها و بی‌اعتقادان به اسلام و مردم، مسیرهای صعب‌العبوری بوده‌اند که ما آنها را با سلامت پشت سر گذاشته‌ایم. کسب این موفقیت، در درجه‌ی اول، به خاطر لطف و فضل و دست قدرت و حمایت پروردگار، و در درجه‌ی بعد، پیوند مستحکم شما مردم با امام و رهبر بزرگ خود بوده

^{۱۹۴}. دیدار پرسنل نیروی هوایی ارتش در دانشگاه هوایی شهید ستاری ۱۳۷۷/۱۱/۱۹

^{۱۹۵}. بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۰۴/۰۹/۱۳۹۷

است. لذا وقتی جای خالی آن شخصیت عظیم، همه‌ی دنیا را متوجه ما کرد و دوستانمان نگران و دشمنانمان خوشحال شدند، در این لحظه‌ی حساس، حضور مردمی ملت ایران و پیوندشان با آرمان‌های امام (ره) انقلاب را بیمه کرد. داشتن روحیه‌ی ایمان و حساسیت و وفا نسبت به اصول انقلاب و اسلام و امام، موهبت بسیار بزرگی است که خداوند آن را بر شما مبارک کند و برایتان نگهدارد و این ایمان و احساسات را، پشتوانه‌ی محکمی برای انقلاب قرار دهد.^{۱۹۶}

○ مقاومت در مبارزه با استبداد وابسته شاهنشاهی

انقلاب اسلامی که بزرگترین تحول و تغییر قدرت در طول تاریخ ما بود و اساس سلطنت و حکومت فردی را به حکومت مردمی تبدیل کرد، با نیروی مردم انجام گرفت؛ این‌جا دیگر رویارویی دو قدرت و جنگ قدرت و این حرفها نبود. مردم آمدند و وارد عرصه شدند و روحانیت هم پیشگام و پیشتازشان واقع شد؛ مردم بودند که با قدرت عظیم و خدائی خود توانستند قدرت را از دست خودکامگان و پادشاهان و طاغوتها و مستبدان فردگرا خارج کنند و به دست مردم بدهند؛ حکومت شد مردمی. تا آن جایی که ما شناختیم و فهمیدیم، این تنها حادثه‌ای است که در طول تاریخ کشور ما اتفاق افتاده است.^{۱۹۷}

در ایران، حقیقتاً متن مردم انقلاب را به دوش کشیدند و آن را به پیروزی رساندند.^{۱۹۸} انقلاب عظیم ما از لحاظ کیفیت پیروزی، انقلابی استثنایی بود. یعنی واقعاً انقلابی با این ابعاد عظیم مردمی که به وسیله‌ی حضور مردم در خیابان‌ها و در فضای شهرها و

^{۱۹۶}. (۰۴/۰۴/۱۳۶۸) مراسم بیعت امام‌جمعه و نماینده‌ی ولی‌فقیه و قشرهای مختلف مردم

^{۱۹۷}. دیدار مردم شیراز ۱۳۸۷/۰۲/۱۱

^{۱۹۸}. دیدار ائمه‌جمعه سراسر کشور ۱۳۶۹/۰۳/۰۷

روستاها پدید آید و در آن، با حضور همه‌ی مردم، علیه رژیم حاکم مبارزه شود، تا آن زمان لااقل در انقلاب‌های دوره‌ی خود ما سابقه نداشت. همه‌ی انقلاب‌هایی که تا آن روز در اطراف و اکناف دنیا اتفاق افتاده بود- از جمله انقلاب‌های چپ و مارکسیستی امریکای لاتین و آفریقا و آسیا و جاهای دیگر- از نوع و شکل دیگری بود.^{۱۹۹}

در طول تاریخ ما، هیچ حادثه‌ای مثل حادثه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی و حوادث بعد از آن نبوده است که مردم در آن، نقش مستقیم داشته باشند. در انقلاب اسلامی مردم آمدند؛ همه‌ی مردم، همه‌ی قشرهای مردم، از شهری و روستائی، از زن و مرد، از پیر و جوان، از تحصیلکرده و بیسواد، همه و همه در کنار هم حضور پیدا کردند. با اینکه متکی به قدرت و زور هم نبودند، سلاح هم نداشتند، اگر هم داشتند، به کار نمیبردند، اما در عین حال توانستند یک رژیم تا دندان مسلح متکی به قدرتهای استکباری را بکلی از پا در بیاورند و انقلاب را پیروز کنند^{۲۰۰}.

مبارزه‌ی با استکبار در انقلاب اسلامی و در میان ملت ما یک حرکت معقول و منطقی و دارای پشتوانه‌ی علمی، و یک حرکت خردمندانه است، برخلاف آنچه بعضی می‌خواهند و انمود بکنند که این یک حرکت شعاری است، احساساتی است، متکی به منطقی و عقلانیت نیست، بعکس، حرکت ملت ایران یک حرکت متکی به عقلانیت است. از دین و آیه‌ی قرآن و آنچه الهام دینی است فعلاً صرف نظر میکنیم؛ «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» و «قَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» را فعلاً کنار میگذاریم، چون کسانی به این چیزها معتقد هم نیستند یا باور هم ندارند؛ به تجربه‌ی ملت ایران تکیه

^{۱۹۹}. خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۳/۱۱/۱۴

^{۲۰۰}. بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۲۰/۰۷/۱۳۹۰

میکنیم.... ملتها در مقابل حوادث دوجورند؛ بعضی از ملتها حادثه را، سختی را، شکنجه را لمس میکنند اما نمیتوانند یک تحلیل و یک جمع‌بندی درستی برای خودشان به وجود بیاورند که این جمع‌بندی آنها را به حرکت متقابل وادار کند؛ بعضی ملتها این جورند. ملت‌هایی که رهبران کارآمد و شایسته‌ای داشته باشند، نه، سختی‌ها را تحمل میکنند اما در کنار آن، آگاهی‌ها و بصیرت‌ها و راه‌حل‌ها و تقویت باورهای صحیح و منطقی را هم دنبال میکنند؛ ملت ایران از این قبیل بود. خدای متعال تفضل کرد، رهبری امام بزرگوار را به این ملت به‌عنوان یک موهبت بزرگ داد، امام بزرگوار ملت را آگاه کرد، بصیرت بخشید، سختی‌ها را خودش تحمل کرد، زندان رفت، تبعید شد، دست برداشت؛ بتدریج این آگاهی و بصیرت همه‌گیر شد، تا در سالهای ۵۶ و ۵۷ به شکل یک حرکت عمومی در میان ملت ایران درآمد. این حرکت هدفش و آماج حمله‌اش فقط دستگاه سلطنت نبود، آمریکا هم بود. ملت می‌فهمیدند، میدانستند که پشت سر این جنایاتی که دارد علیه آنها و علیه کشور در داخل انجام می‌گیرد، آمریکا است؛ این را فهمیدند. امام بزرگوار ما در سال ۴۲، در اوایل شروع نهضت اسلامی فرمود: رئیس‌جمهور آمریکا مبعوض‌ترین افراد امروز در ایران است. این معنا را القا کرد به افکار عمومی؛ تبیین کرد برای مردم که هرچه هست زیر سر آمریکا است؛ شرارتها زیر سر آمریکا است. خب، این مبارزه به نتیجه رسید.

هرجا ملتها حرکت کنند، ایستادگی کنند، صبر و مقاومت نشان بدهند، پیروزی قطعی است؛ همه‌جا همین جور است. اشکال کار مبارزاتی که به شکست می‌انجامد، این است که یا ملت‌ها طاقت ندارند و ایستادگی نمی‌کنند، یا رهبرانی که بتوانند اینها را درست اداره کنند ندارند. ما در زمان این سالهای اخیر دیدیم جاهایی را که

ملت‌ها حرکت کردند، عزم و اراده‌ی خودشان را نشان دادند، به نتایجی هم رسیدند؛ اما رهبرانی که بتوانند اینها را درست اداره کنند، هدف را درست تشخیص بدهند، راه را در مقابل مردم درست ترسیم کنند، وجود نداشتند، لذا شکست خوردند؛ این را در همین سالهای اخیر همه‌ی شماها دیدید؛ من نمیخواهم اسم از کشوری و جایی بیاورم.

ملت ایران راه را درست رفت، حرکت را درست انجام داد؛ رهبری مقتدر، آگاه، مصمم و دارای توکل به خدا، اتکاء به خدا، اتکاء به وعده‌ی الهی که «ان تنصروا اللهَ يَنْصُرْكُمْ»؛ موجب شد که این ملت بتواند به پیروزی برسد و حکومت تحمیلی وابسته‌ی سیاه‌خاندان پهلوی و حکومت پادشاهی مشئوم و ننگ‌آلود - که برای هر کشوری حکومت پادشاهی مایه‌ی ننگ است در منطق صحیح انسانی - در ایران از بین رفت و تمام شد؛ مردم شدند صاحب اختیار²⁰¹.

هزاران سال این کشور جوری اداره شده بود که مردم در آن هیچ نقشی نداشتند؛ سلطنت‌ها، قدرتهای مهاجم، قدرتهای بیگانه [حاکم بودند]. حتی در دوران اسلام هم - که اسلام، مظهر رحمت است - رفتار حکامی که از طرف خلفا به ایران می‌آمدند، رفتار سخت و از روی استبداد و مثل پادشاه‌ها، مثل سلاطین معمولی بود. مردم هیچ نقشی در اداره‌ی کشور نداشتند؛ هزاران سال بر کشور ما این جوری گذشته. در این دوره‌ی اخیر که دوره‌ی پهلوی [بود] و اندکی قبل از آن، دوره‌ی قاجار، وضع از این هم بالاتر بود؛ [یعنی] نه اینکه مردم نقش نداشتند، لگدمال [هم] میشدند، ثروت کشور به غارت میرفت، به کیسه‌ی بیگانه میرفت؛ فساد سر تا پای اداره‌ی حکومت را گرفته

²⁰¹. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۴/۰۸/۱۲

بود؛ این وضعیّت قبل از پیروزی انقلاب بود. ملت ایران به رهبری امام بزرگوار - که نقش این رهبر هم نقشی است که اصلاً قابل مقایسه‌ی با هیچ رهبری در طول تاریخ طولانی ما نیست و به نظر من در دنیا بی‌نظیر است - و پشت سر این رهبری، اراده کردند، تصمیم گرفتند، از گلوله نترسیدند، از ظاهر قدرتمند رژیم پهلوی نترسیدند، آمدند وسط میدان، آن بنا را ویران کردند، بنای مردم‌سالاری را به جای آن گذاشتند و کشور شد مردم‌سالار. ۲۰۲

○ مقاومت در برابر ترورهای کور و تجزیه‌طلبی دهه شصت

بعد از انقلاب هم شما شاهد بودید و دیدید کسی که در مقابل توطئه دشمن، ایستادگی و مقاومت کرد، خود مردم بودند. بسیج مردم، جوانان مؤمن مردم، در مقابل فتنه‌گری و اختلاف افکنی و تحریکات و تجزیه طلبی و خباثنهای گوناگون بیگانگان، که با تحریک یک عده آدمهای غافل انجام می‌گرفت، ایستادند و مبارزه کردند. این عظمت و رشد روحی مردم است و این خیلی با قیمت و ارزشمند است²⁰³.

دهه‌ی ۶۰ یعنی دهه‌ی اوّل پیروزی انقلاب و دهه‌ی حیات بابرکت امام بزرگوار. برادران و خواهران عزیز! دهه‌ی ۶۰، یک دهه‌ی مظلوم است؛ دهه‌ی تعیین‌کننده‌ی در سرنوشت ایران و ایرانی، دهه‌ی فوق‌العاده مهم و حسّاس و درعین حال ناشناخته و اخیراً به‌وسیله‌ی برخی از بلندگوها و صاحبان بلندگوها مورد تهاجم؛ دهه‌ی ۶۰ را مورد تهاجم قرار میدهند. دهه‌ی ۶۰، دهه‌ی آزمونهای بزرگ و دهه‌ی پیروزی‌های بزرگ است.

۱۳۹۸/۱۱/۱۶^{۲۰۲}

²⁰³. بیانات در جمع مردم ارومیه در استادیوم تختی ۲۷/۰۶/۱۳۷۵

دهه‌ی ۶۰، دهه‌ی خشن‌ترین تروریسم در کشور است. در طول چند سال، هزاران نفر از آحاد مردم، از مسئولین، از قشرهای مختلف به وسیله‌ی تروریست‌ها به شهادت رسیدند؛ از کاسب معمولی تا جوان دانشجو تا فعال سیاسی تا شخصیت‌های بزرگی که در انقلاب تعیین‌کننده بودند. البتّه من عدد معین نمیکنم، [لکن] تا هفده هزار هم گفته‌اند؛ هفده هزار انسانِ باشرفِ باشخصیتِ ارزشمند در این تروریسمِ دهه‌ی ۶۰ فدا شدند، که در میان اینها شخصیت‌هایی مثل شهید مطهری و شهید بهشتی حضور دارند؛ یعنی این آدمهایی که امثال اینها در طول زمان، کمتر در یک کشوری به وجود می‌آید و میتوانند تعیین‌کننده‌ی سرنوشت کشورها باشند.

دهه‌ی ۶۰، دهه‌ی جنگ تحمیلی است؛ یعنی هشت سال از این دهه‌ی اوّل انقلاب و دهه‌ی حیات مبارک امام بزرگوار، صرف یک جنگ تحمیلی بر ملت ایران شد؛ شما ببینید چقدر این دشوار است! دهه‌ی ۶۰ دهه‌ی سخت‌ترین تحریمها است؛ همه چیز را تحریم کردند؛ تحریمهای پی‌درپی، علیه کشور، علیه مراکز اقتصادی ما، علیه دولت ما؛ و دهه‌ی افتخارات بزرگ است؛ دهه‌ی مبارزه‌ی با تجزیه‌طلبی است؛ از اطراف کشور گروه‌هایی را تحریک کردند، پول دادند، سلاح دادند، برای اینکه اینها را به جان نظام جمهوری اسلامی بیندازند و تجزیه‌طلبی کنند. دهه‌ی ۶۰، دهه‌ی یک چنین حوادث بزرگی است که در کشور اتفاق افتاد.

و در دهه‌ی ۶۰، ملت ایران و جوانهای ما آن‌چنان محکم ایستادند که بر همه‌ی اینها پیروز شدند. این خیلی مسئله‌ی مهمی است. من توصیه میکنم به کسانی که اهل فکرند، اهل تأملند و راجع به دهه‌ی ۶۰ قضاوت میکنند، جای شهید و جَلّاد عوض نشود! در دهه‌ی ۶۰، ملت ایران مظلوم واقع شد؛ تروریست‌ها و منافقین و پشتیبانهای

آنها و قدرتهایی که آنها را به وجود آورده بودند و دائماً در آنها میدیدند، به ملت ایران جفا کردند، بدی کردند؛ ملت ایران در موضع دفاع قرار گرفت، اما دفاع کرد و پیروز شد و بحمد الله آن توطئه‌های آنها را خنثی کرد. این [درباره‌ی] دهه‌ی ۶۰. جوانهای ما ایستادند، امام بزرگوار با آن چهره‌ی نورانی، با آن قلب خدلباور، با آن عزم راسخ ایستاد و بر همه‌ی این مشکلات فائق آمد.^{۲۰۴}

در طول سی و سه سال انقلاب، خطرهایی از این بزرگتر پیش آمده است. کشور این خطرها را برطرف کرده، از اینها عبور کرده است. آتشهایی خواستند روشن کنند، ولی به مقصود خود نرسیدند. در درجه‌ی اول، در همان اولین ماه‌های پیروزی انقلاب، مسئله‌ی تحریک قومیتها در سرتاسر کشور بود. خب، کشور ما کشور قومیتهای متنوع است. سعی کردند این قومیتها را به جان هم بیندازند. در همین منطقه‌ی شما، یک عده کمونیست بی‌اعتقاد به دین و به وطن سعی کردند اقوام مؤمن و نجیب ترکمن را با مجموعه‌ی انقلاب مخالف کنند. چه کسی در مقابل اینها ایستاد؟ در درجه‌ی اول، خود عناصر مؤمن ترکمن در مقابل اینها ایستادند. علمای بانفوذ ترکمن... خودشان در مقابل اینها ایستادند. جوانهای سایر مناطق کشور هم، هم در اینجا، هم در مناطق گوناگون دیگر، رفتند ایستادگی کردند. تحریک میکردند، آتش را روشن میکردند، روی آتش نفت میریختند، از طرق مختلف سعی میکردند آتش را گسترده کنند؛ اما به دست ملت ایران و عمدتاً به دست خود آحاد آن کسانی که میخواستند آنها را در مقابل انقلاب اسلامی قرار بدهند، آتش خاموش شد. در منطقه‌ی کردستان

^{۲۰۴}. (۱۴/۰۳/۱۳۹۶) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم بیست‌وهشتمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف)

هم خود کردها، پیشمرگان مسلمان گرد و علمای مؤمن گرد، پیشگام و پیشقدم بودند. مناطق دیگر هم همین جور. این مشکل اوّلی بود که پیش آوردند. ۲۰۵

حادثه‌ی هفتم تیر یک محنت واقعی بود؛ حقیقتاً یک ضربه و یک حادثه‌ی تلخ و تکان دهنده‌ای بود برای کشور و برای نظام. در قلب دستگاه هدیریت کشور، شخصیتی مثل شهید مظلوم مرحوم آیه‌الله بهشتی و دیگر بزرگان، فعالان از قوه‌ی قضائیه، از مجلس شورای اسلامی، از دولت، از نخبگان سیاسی، از نخبگان علمی، یک چنین حادثه‌ای به وجود بیاید، یک چنین فاجعه‌ای رخ بدهد، واقعاً محنت بود. متنها در اینجا یک نکته‌ای وجود دارد که در طول تاریخ، این نکته قبل مشاهده و لمس است و آن این است که هرگاه ملتی، جماعتی، فردی در مقابل یک محنتی که بر آن جمع یا بر آن فرد یا بر آن ملت وارد میشود، صبر و بصیرت به خرج داد، آن محنت برای او تبدیل میشود به نعمت. راز پیروزی حق، پیروزی کلمه‌ی حق، انتشار حق، انتشار توحید در طول تاریخ در میان بشر همین نکته است. انبیای عظام الهی، و در مواردی ملت‌هایی که تحت حاکمیت این بزرگان بودند، این همه محنت را تحمل کردند؛ باید در طول تاریخ نامی از پیام پیغمبران نملنده باشد؛ باید فکر آنها، ایده‌ی آنها، راه آنها در زیر تندباد حوادث تلخ بکلی نابود شده باشد، در هم پیچیده شده باشد، از بین رفته باشد. شما می‌بینید بعکس است؛ یعنی هرچه تاریخ جلوتر آمده، پیام نبوتها در میان مردم، در افکار مردم، زنده‌تر شده است. رازش همین نکته است: صبر و بصیرت در مقابل محنتها.

مردم ما در قضیه‌ی هفت تیر این هنر را به خرج دادند: به جای اینکه ناامید شوند، به جای اینکه اعتماد به نفس خودشان را از دست بدهند، به جای اینکه از دشمن بترسند و در مقابل دشمن زانو بزنند، به جای ضعف و انکسار و انهزام، ملت ما به خاطر بصیرتی که داشتند و به طور دائم به وسیله‌ی امام بزرگوار در آنها تزریق میشد و در میان مردم دامن زده میشد، صبر کردند، ایستادگی کردند و موج را علیه دشمن برگرداندند... مردم ما باید این را حفظ کنند. این را باید ما به عنوان یک درس - درسی که آن را عمل کردیم، آن را به تاریخ پس دادیم - حفظ کنیم. برای ملتی مثل ملت ایران که با یک چنین هدف والائی - رسیدن به ارزشهای اسلامی و تحقق مبانی اسلام در جامعه و انتشار آن در عالم - وارد میدان شده است، قهراً حادثه زیاد است. خب، شما به اسلامی عمل میکنید که با ظلم مخالف است، با زور مخالف است، با زیر بار رفتن ملتها در مقابل دشمنان و زورگویان مخالف است، حتی در مقابل زورگوئی‌های دنیا نسبت به دیگران هم بی تفاوت نیست. در مقابل این مجرا و این حرکت، کی با شما مخالف خواهد شد؟ زورگویان عالم، ظالمین عالم، استعمارگران، مستبدان بین‌المللی، دیکتاتورهای ظالم و خشن؛ اینها همه در مقابل شما صف‌آرایی میکنند. اینها پول دارند، رسانه دارند، قدرت سیاسی دارند، قدرت تبلیغاتی دارند؛ لذا محنت درست میکنند. در مقابل اینها باید ایستاد. ملت ما این امتحان را داده و موفق هم شده است.

امروز نظام جمهوری اسلامی در مقایسه‌ی با هفتم تیر ۱۳۶۰ از لحاظ اقتدار، از لحاظ پیشرفت، از لحاظ تولدانی‌های گوناگون، از لحاظ اعتبار بین‌المللی و ایجاد امید در ملتها، از زمین تا آسمان تفاوت کرده است. این به خاطر همین ایستادگی ملت عزیز ما بوده است. پس این اصل را ما از حادثه‌ی هفتم تیر به یاد داشته باشیم که هرگاه

محنت و سختی‌ای که بر ما تحمیل می‌شود، با صبر ما، با استقامت ما، با بصیرت ما مواجه شود، آن محنت تبدیل می‌شود به نردبانی برای عروج، برای ارتقاء و برای پیشرفت؛ و شد، ان‌شاءالله بعد از این هم خواهد شد.^{۲۰۶}

○ مقاومت در جنگ تحمیلی و دفاع مقدس

جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ما آغاز شد... امام در یک چنین شرایطی توانست آغاز جنگ را و بعد تداوم این حرکت را در زیر چشم خود و اراده‌ی خود به پیش ببرد و اداره کند... یک تشخیص اساسی و حیاتی امام داد و آن این بود که این مسئله‌ی مهم را فقط ملت ایران میتواند حل کند... همچنان که ملت ایران انقلاب را به پیروزی رساند، جنگ را هم ملت ایران باید به پیروزی برساند. امام این را تشخیص داد و بر اساس آن عمل کرد و این حرکت عظیم مردمی ... را به وجود آورد. دشمن جنگ را به راه انداخت با هدف اینکه نظام جمهوری اسلامی را، نظام اسلامی را ساقط کند و یک دستگاه حکومت وابسته‌ی ضعیف و زبونی را بر سر کار بیاورد و سلطه‌ی خودش را بر کشور ایجاد کند؛ و دشمن شکست خورد یعنی این نکته‌ی بسیار اساسی و مهم که بعضاً شبهه‌افکنی میکنند که آیا ایران در این جنگ پیروز شد یا نشد، [جوابش این است که] اصلاً پیروزی جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی مثل خورشید روشن است! [اینکه] همه‌ی دنیای قدرتمند آن روز، بریزند سر یک کشور، برای اینکه نظام او را ساقط کنند، برای اینکه بتوانند بر او مسلط بشوند، برای اینکه بتوانند سرزمین او را تجزیه کنند ... هشت سال همه‌ی توان خودشان را به کار ببرند، آخرش هم هیچ غلطی نتوانند بکنند، پیروزی از این بالاتر؟ این پیروزی نیست؟ ملت ایران پیروزی درخشانی به دست آورد. اولاً یک وجب از خاک کشور را نتوانستند

^{۲۰۶}(۰۶/۰۴/۱۳۹۰) بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه

جدا کنند؛ ثانیاً نتوانستند انقلاب و نظام را یک قدم به عقب برانند. و نظام بعد از جنگ و در پایان این هشت سال بسیار قوی‌تر و تواناتر از قبل از شروع جنگ بود و نشاط و توانایی‌اش بیشتر بود؛ اینها پیروزی‌های بزرگی است که اتفاق افتاد. در جنگ‌هایی که در دوره‌ی پادشاهان، در دوره‌ی طواغیت در این یکی دو قرن اخیر اتفاق افتاد، ایران همیشه شکست خورده؛.. در جمهوری اسلامی، کشور سربلند ایران توانست در مقابل دنیای قدرتمند مقابل خودش، یعنی شرق و غرب و اروپا و آمریکا و شوروی و مرتجعین و همه بایستد و بر اینها پیروز بشود؛ این... بخشی از هویت ملی ما است. اینکه گاهی گفته میشود و درست هم هست که «دفاع مقدس بخشی از هویت ملی است»، به خاطر این است که دفاع مقدس، مظهر بروز هویت والا و برجسته‌ی ملت ایران بود که توانستند جنگ را به پیروزی برسانند... در دفاع مقدس برای حضور مردمی یک مدل‌سازی جدیدی انجام گرفت. نحوه‌ی حضور مردمی یک نحوه‌ی شگفت‌آوری است و بر اساس این حضور، بروز استعدادها [است] اولاً همه‌ی آحاد ملت ایران، آنهایی که مایل بودند در این عرصه شرکت کنند، هر که بود، هر چه بود، توانست در یک شبکه‌ی زنده، کارآمد، داوطلبانه و پرشور جای خودش را پیدا کند. فرض بفرمایید یک رزمنده‌ی سیزده چهارده ساله که حالا مثلاً با دست‌کاری در شناسنامه موفق شده بود خودش را به جبهه برساند، جایش مشخص بود؛ یعنی میتوانست جای خود را پیدا کند، بیکار نماند؛ فرض بفرمایید که آب بیاورد، خبر ببرد، پیام‌رسان باشد و از این قبیل کارها. یک پیرمرد هفتادساله هم که میرفت جبهه، او هم همین جور؛ او هم میتوانست کار خودش را پیدا کند. توقعی که از یک پیرمرد در جبهه وجود داشت، کاملاً مشخص بود، معلوم بود؛ هیچ کس بیکار نمی‌ماند؛ نه آن بچه‌ی سیزده‌ساله بیکار می‌ماند، نه آن پیرمرد هفتادساله بیکار می‌ماند. یا

فرض بفرمایید یک دختر دانش‌آموز هشت‌ه‌ساله، ده‌ساله - دبستانی - که می‌خواست در این کار، او هم شرکت کند، جای خودش را پیدا میکرد؛ برمیداشت نامه مینوشت به برادر رزمنده‌ی ناشناس و این نامه را در بسته‌های غذایی و هدایای مردمی‌ای که می‌فرستادند می‌گذاشت و می‌فرستاد. مکرراً اتفاق افتاده بود که رزمنده در میدان جنگ فرض کنید که این بسته‌ی غذایی را باز میکرد میدید یک نامه در آن هست، می‌خواند میدید بله، یک بچه‌ای، یک دختر هفت‌هشت‌ساله‌ای، ده‌ساله‌ای نوشته «برادر رزمنده! خسته نباشید، من دعایتان میکنم و مانند اینها»؛ یعنی یک دختر بچه هم میتواند در اینجا حضور داشته باشد؛ یک بانوی محترم هم میتواند با چرخ خیاطی خودش، با وسایل طبخ خودش، با مرباسازی خودش، با ترشی انداختن خودش، با نان پختن خودش، با لباس شستن خودش به پشت جبهه کمک کند. بنده در اهواز رفتم یک نقطه‌ای را دیدم که جمعیتی از بانوان و زنهای محترم آنجا جمع شده بودند و لباسهای چرک رزمندگان را می‌شستند؛ یعنی همه میتوانند جای خودشان را پیدا کنند و مشغول بودند. پزشک جراح مشخصاً میتواند آنجا حضور داشته باشد و حضور داشت و ما دیدیم. کاسب جزء، روحانی مسجد، کارگر کارخانه، شاعر و سرودخوان، راننده و صاحب‌کار و ریخته‌گر، کشاورز روستایی، کارمند اداری و انواع و اقسام گروه‌های مردمی میتوانند در این شبکه‌ی عظیم مردمی حضور پیدا کنند؛ این یک مدل جدید بود. این در دنیا هیچ سابقه‌ای ندارد؛ هیچ جا ما [نمونه‌اش را] نخوانده‌ایم و نشنیده‌ایم. [درباره‌ی] جنگهای فراوان، کتابهایشان، فیلم‌هایشان درآمده، ما هم خیلی از این قبیل چیزها را خوانده‌ایم، مطالعه کرده‌ایم [اما] نمونه‌ی چنین بسیج مردمی عظیمی اصلاً وجود ندارد. این مدل جدید

بود؛ مدل‌سازی جدید که همه می‌توانستند همکاری کنند، همه می‌توانستند هم‌افزایی کنند همه [کمک] میدادند.

بعد، در این حرکت دسته‌جمعی چه استعدادهایی ناگهان پیدا بشود. فرض کنید فلان جوان از روستایی در فلان نقطه‌ی کشور -مثلاً روستایی در کرمان- بیاید داخل شهر و بپیوندد به اینها، بعد بشود مثلاً حاج قاسم سلیمانی؛ یعنی یک چنین حرکت عظیمی [بوده]. فلان جوان دانشجو بدون اینکه حتی یک بار تفنگ به دست گرفته باشد، داوطلبانه برود جبهه، در کوران حوادث جبهه، مثلاً در طول یک سال و نیم، بشود عضو برجسته و مؤثر یک قرارگاه نظامی سطح بالا. فرض بفرمایید که جوانی از مجموعه‌ی یک روزنامه، که مشغول فعالیت مطبوعاتی است، برود جبهه و بعد از مدت کوتاهی بشود مثلاً شهید حسن باقری، نابغه‌ی اطلاعات جنگ؛ و از این قبیل موارد عجیبی و بروز [چنین] استعدادهایی مشاهده شد و چهره‌های ماندگار جنگ و شهدای بزرگی از جنگ از این قبیلند. بعضی از افسران جوان را ما دیدیم، مثلاً فرض کنید شهید صیاد که من از اوایل انقلاب ایشان را می‌شناختم و میدیدم، به نظرم آن وقت یک افسر جوانی بود یا ستوان یک بود یا سروان بود -که می‌آمد پیش ما و میرفت؛ رفت و آمد داشت- این تبدیل بشود به یک فرمانده مجرب توانایی که مدتها توانست نیروی زمینی ارتش را آن جور هدایت کند و آن جور پیش ببرد و در بزرگ‌ترین کارها شرکت کند. شهید بابایی [هم] از این قبیل است، و دیگری که بودند. این مدل ابتکاری از حضور مردم همیشه می‌تواند مطرح باشد. امروز هم ما می‌توانیم. اگر همّت بکنیم و با نگاه درست به مردم و مسائل نگاه کنیم، می‌توانیم از این مدل استفاده کنیم. البته وضع جنگ یک وضع دیگری است، وضع اقتصاد یک وضع دیگری است. صاحبان فکر، صاحبان اندیشه می‌توانند به این [مدل] به صورت یک

ابزار اقتدار ملی نگاه کنند و آن را دنبال نکنند. آن وقت نقش پشت جبهه در این مدل به قدر جبهه اهمیت پیدا میکرد؛ چون همه که نمیتوانند تفنگ دست بگیرند؛ رغبتها و تمایلات و تواناییها مختلف است؛ بعضیها پشت جبهه میتوانند نقش بیافرینند و نقش آفرینند. اولاً کمکهای مالی، آذوقه‌رسانی‌ها که مهم بود و بسیار تأثیر داشت، تا رسیدگی به مجروحان، تا بدرقه‌ی باشکوه شهیدان. بنده بارها گفته‌ام اگر از شهدا یک چنین تکریمی و احترامی نمیشد، شوق شهادت این جور در دلها مشتعل نمیشد، آن طوری که شد. وقتی جنازه‌ی شهید -یا یک نفر یا بیشتر- وارد یک شهر میشد آن حضور مردمی و استقبال مردمی و بدرقه‌ی او تا آرامگاه، خود یکی از حوادث بسیار مهم و مراسم تأثیرگذار بود. حمایت‌های فرهنگی و تبلیغاتی، از شعر و شعار تا خنثی‌سازی عملیات روانی دشمن -که دشمن دائم مشغول عملیات روانی بود، در شهرهای کشور و روستاهای کشور هم کسانی دائم مشغول خنثی‌سازی اینها بودند- تا پذیرایی و اسکان جنگ‌زده‌ها، تا ماندن مردم برخی از شهرهای زیر موشک‌باران دشمن مثل دزفول؛ یکی از موارد افتخارآمیز پشت جبهه، همین ماندن مردم اهالی بعضی از شهرها است؛ چه در کردستان، چه در خوزستان و در سایر استانها؛ در بعضی از شهرها مردم در شهر ماندند با اینکه شهر محل تهاجم شدید پیوسته‌ی دشمن بود²⁰⁷.

دفاع مقدس جهاد بزرگ دینی و ملی ملت ایران بود. ملت ایران روح اعتماد به نفس ملی را به وسیله‌ی هشت سال دفاع قدرت‌مندانه توانست در خود تقویت کند، توانست استعدادها را در خود شکوفا کند، توانست ظرفیتهای ناشناخته‌ی خود را بشناسد. جوانهای ما در جنگ تحمیلی، چه در نیروهای مسلح -ارتش و سپاه- و چه

²⁰⁷. بیانات بیانان در ارتباط تصویری با شرکت‌کنندگان در آئین تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس - ۳۱/۰۶/۱۳۹۹

در بسیج عظیم مردمی - بسیج مستضعفان - توانستند چهره‌ای را از ایران نشان بدهند که ده‌ها سال بود - شاید بشود گفت دویست سیصد سال بود - که از ایران چنین چهره‌ای دیده نشده بود. اگر شما می‌بینید امروز ملت ما و جوانان ما با ظرفیت عظیم استعداد خود در میدانهای دانش و فناوری حضور دارند، بخش عمده‌ای از این مرهون دفاع مقدس است. آنجا بود که ملت ایران آگاه شدند، دانستند که چه ظرفیتی دارند، چه قدرتی دارند.^{۲۰۸}

دفاع مقدس ما، دوران جنگ هشت‌ساله‌ی پر ماجرای این کشور، داستان ایستادگی ملت ایران و ایستادگی جوانان ما در مقابل خباثتها و دشمنیهای کفر و استکبار جهانی است. درست است، در مقابل ما به‌ظاهر یک رژیم بعثی بود - صدام بود - و او هم عنصری بود به‌قدر کافی خبیث، به‌قدر کافی ضد بشریت و ضد انسانیت، اما فقط او نبود؛ آن چیزی که موجب شد این جنگ، هشت سال ادامه پیدا کند، عوامل پشت پرده‌ی استکبار جهانی بودند که او را تشویق میکردند، به او وعده میدادند، امکانات میدادند. آن‌وقتی که در این سرزمین‌های خوزستان - که شما حالا بخشی از آنها را مشاهده کردید - دشمنان ما مجبور به عقب‌نشینی شدند، یک دولت اروپایی به آنها وسیله‌ای داد که بتوانند در دریا، خباثت و شیطنت و شرارت خودشان را ادامه بدهند؛ موشکی به آنها دادند. نمیگذاشتند عملیاتی که در منطقه انجام میگیرد، سرنوشت جنگ را به انتها برساند؛ تشویقش میکردند. یعنی دست استکبار جهانی، دست همین دولتهای اروپایی و دولت آمریکا، پشت رژیم خبیث معاند بعثی قرار داشت و او را به ادامه‌ی کار تشویق میکرد. نمیخواستند بگذارند جمهوری اسلامی از این حادثه‌ی بزرگ، پیروز و سربلند بیرون بیاید؛ میگفتند صریحاً... لذا جنگ هشت سال طول

^{۲۰۸}. خطبه‌های نماز عید سعید فطر (۱۳۸۸/۰۶/۲۹)

کشید. هشت سال جنگ، شوخی نیست؛ جنگهای بزرگ و معروف دنیا در دورانهای نزدیک به ما، چهار سال و پنج سال و شش سال و این جورها طول کشیده؛ هشت سال جنگ، آن هم در این منطقه‌ی وسیع، از شمال تا جنوب - از منطقه‌ی شمال غربی کشور تا این انتهای جنوب - این درگیریه‌ها وجود داشت. قصدشان این بود که کاری کنند که نظام اسلامی احساس کند که قادر بر مقابله‌ی با این دشمنان نیست؛ میخواستند کاری کنند که جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک مجموعه‌ی ضعیف و ناتوان معرفی کنند. خدای متعال دست قدرت خود را نشان داد و دهان دشمنان جمهوری اسلامی و دشمنان پرچم برافراشته‌ی اسلام را با مشت پولادین سنت الهی خرد کرد و بینی آنها را به خاک مالید و نشان داد که نظام اسلامی، چون متکی به ایمانهای مردم و به عواطف مردم است، در مقابل همه‌ی قدرتهای مادی جهان، هم میتواند از خود دفاع کند، هم میتواند طرف مقابل را وادار به اعتراف به عجز کند.^{۲۰۹}

هشت سال دفاع مقدس ما صرفاً یک امتداد زمانی و فقط یک برهه‌ی زمانی نیست؛ گنجینه‌ی عظیمی است که تا مدتهای طولانی ملت ما می‌تواند از آن استفاده کند، آن را استخراج کند و مصرف کند و سرمایه‌گذاری کند. حادثه‌ی عظیم این هشت سال، مجموعه‌ای است از صفات والا، فرهنگهای پسندیده و برگزیده و ممتاز، عقاید و معارف والائی که ملت ما در طول تاریخ ارث برده یا استعدادش را در خودش حفظ کرده بوده، که با انقلاب اسلامی این استعدادها بروز کرد. ... بالاخره آنچه که در جمع‌بندی دفاع مقدس، انسان می‌تواند بگوید، این است که این هشت سال، مظهری از برترین صفاتی است که یک جامعه می‌تواند به آنها ببالد و از جوانان خودش انتظار داشته باشد. یعنی دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دین‌داری

^{۲۰۹}. بیانات در یادمان شهدای شرق کارون ۰۶/۰۱/۱۳۹۳

است، مظهر آرمان‌خواهی است، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است.^{۲۱۰}

دوران دفاع مقدس برای ملت ما ظرفیت و موقعیتی بود که این ملت بتواند اعماق جوهره‌ی خودش را در ابعاد مختلف نشان دهد، و نشان داد.^{۲۱۱}

سالهای مجاهدت خاموش و دشوار آزادگان عزیز ما در اسارت‌گاههای عراق از جمله‌ی مقاطع فراموش‌نشده‌ی، تاریخ پرشکوه ما است. لحظه، لحظه‌ی آن روزها و شبهای فراموش‌نشده‌ی، سرشار از درس و خاطره و افتخار است. ملت ما از این گنجینه‌ی پربار خواهد توانست همچون ذخیره‌ای فرهنگی برای تقویت ایمان و مقاومت و امید برای نسلهای آینده بهره‌گیرد. شهیدان مظلومی که در آن دوران پرمرات جان باختند در شمار سرافرازترین شهدای دوران جنگ تحمیلی قرار دارند. و یاد گرامی عالم مجاهد بزرگوار مرحوم حجة‌الاسلام آقای سیدعلی اکبر ابوترابی، که اردوگاههای اسارت را به مدرسه‌ی بزرگی از تقوا و آگاهی و استقامت تبدیل کرده بود همواره در چشم ملت ایران گرامی و پایدار است.^{۲۱۲}

آزادگان، بهترین سربازان انقلابند. آزادگان، آزموده‌ترین فرزندان این ملتند. آزادگان، شایسته‌ترین افراد برای دفاع از انقلاب و نظام جمهوری اسلامیند. آزادگان، مورد امید و اعتماد این نظام به حساب می‌آیند و باید برای کارهای آینده هم به حساب بیایند. اگر دشمنی، درمقابل انقلاب یا در مقابل نظام جمهوری اسلامی قد علم کند، اول کسی که باید مشت بر سینه او بزند، آزاده است؛ چون آزاده بیشتر از همه، برای

۲۱۰. بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس (۱۳۸۸/۰۶/۲۴)

۲۱۱. بیانات در دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت

۲۱۲. پیام به کنگره بزرگداشت آزادگان و حجت‌الاسلام ابوترابی ۱۳۸۱/۰۵/۲۴

حفظ این نظام رنج کشیده است. او بیشتر از همه تجربه کرده است؛ خودش را بهتر می‌شناسد و محنت‌پذیری خود را در روزهای سخت آزمایش کرده است²¹³.

○ مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی

آمریکا امروز متمرکز شده بر جنگ اقتصادی با ما؛ جنگ نظامی نیست و نخواهد شد اما جنگ اقتصادی هست. الان متمرکزند روی جنگ اقتصادی؛ چرا؟ چون از جنگ نظامی مأیوسند. حتی از جنگ فرهنگی هم مأیوسند. ببینید؛ در دهه‌ی ۷۰ که دهه‌ی دوم انقلاب ما بود، یک حرکت فرهنگی خبثت‌آلودی علیه کشور ما شروع شد - که بنده همان وقت مسئله‌ی تهاجم فرهنگی را مطرح کردم، مسئله‌ی شیخون فرهنگی را مطرح کردم، برای اینکه جوانها حواسشان باشد، چشمشان باز باشد، مردم بدانند - یک حرکت وسیع فرهنگی علیه کشور ما در دهه‌ی ۷۰ شروع شد؛ حالا شما نگاه کنید؛ متولدین دهه‌ی ۷۰، امروز دارند می‌روند به عنوان مدافع حرم جان می‌دهند، سر می‌دهند و نیرو می‌دهند؛ نعششان برمیگردد! چه کسی این را حدس می‌زد؟ در همان دورانی که آن تهاجم وسیع فرهنگی بود، این گلها در بوستان جمهوری اسلامی شکفته شدند، این نهالها روییدند، حججی‌ها درست شدند؛ پس ما در جنگ فرهنگی پیروز شدیم و دشمن در جنگ فرهنگی شکست خورد. یک جنگ فرهنگی راه انداختند در دهه‌ی ۷۰ و بخشی از دهه‌ی ۸۰، برای اینکه افتخارات دفاع مقدس را به فراموشی بسپارند، و اصرار داشتند بر این؛ [اما] جمهوری اسلامی یک فناوری نرم را به وجود آورد، یعنی حرکت عمده‌ی راهیان نور. راهیان نور یک فناوری است؛ یک فناوری قدرت نرم است. میلیون‌ها جوان راه افتادند رفتند در

²¹³. نیدار جمعی از آزگان ۱۳۷۱/۰۵/۲۶

جبهه‌های جنگ، در آن کانون معرفت و قدس، در آن کانون فداکاری، آنجا دیدند که چه وضعیتی بوده است و چه اتفاقاتی افتاده است؛ [برایشان] شرح دادند و در ماجرای دفاع مقدس قرار گرفتند. بله، جمهوری اسلامی این است؛ مدافع حرم تربیت میکند؛ راهیان نور راه می‌لنذازد؛ معتکفین در مساجد را - که تقریباً همه هم جوانند، به عنوان یک نماد عالی تضرع و قداست - به وجود می‌آورد؛ اینها که [قبلاً] نبود؛ پس ما در جنگ فرهنگی بر دشمن پیروز شدیم.^{۲۱۴}

علیه کشور ما در زمینه‌ی هجوم فرهنگی خیلی کار دارد میشود؛ مال امروز هم نیست، حالا امروز هم که فضای مجازی آمده است و حجم چند برابر شده، لکن از سابق هم به وسیله‌ی رادیوها، به وسیله‌ی تلویزیون‌ها، با وسایل گوناگون علیه مسائل فرهنگی در جمهوری اسلامی تلاش میشده و کار میشده. علی‌رغم همه‌ی اینها یک مجموعه‌ی عظیم جوان - نه یک مجموعه‌ی کوچک، نه یک اقلیت - پایبند به مبانی دینی، به مبانی اعتقادی و مبانی فرهنگی جمهوری اسلامی‌اند؛ این نشان‌دهنده‌ی آن است که ما در جهاد فرهنگی هم از دشمن قوی‌تر هستیم. مسائل گوناگونی [هست] که بعضی از آنها را شماها اشاره کردید، بعضی را هم اشاره نکردید. تظاهرات دینی‌ای که این سالها دارد انجام میگیرد - مسئله‌ی راه‌پیمایی اربعین، مسئله‌ی اعتکاف، مسئله‌ی عزاداری‌های حسینی، بعد در این اواخر مسئله‌ی تشییع عظیم بی‌نظیر شهید عزیزمان، شهید سلیمانی، و از این قبیل چیزها - همه نشان‌دهنده‌ی این است که جمهوری اسلامی در نبرد و مبارزه‌ی فرهنگی هم با جبهه‌ی استکبار با همه‌ی تلاشی که او دارد میکند،

^{۲۱۴}. دیدار اقشار مردم ۱۳۹۷/۰۵/۲۵

عقب‌مانده نیست و کارهای بزرگی انجام شده و پیشرفتهای بزرگی صورت گرفته. 215

نگاه کنید در این راهپیمایی‌های روز قدس یا بیست و دوم بهمن، عمده جوان‌ها هستند؛ این جوان‌ها همان جوان‌هایی هستند که شبانه‌روز به وسیله‌ی رسانه‌های صوتی و تصویری و اینترنتی، در زیر بمباران تخریب قرار دارند؛ غوغایی است در دنیا؛ در دنیای مجازی. در دنیای رسانه‌های صوتی و تصویری، صداها رسانه و با یک اعتبار هزارها رسانه، در حال بمباران افکار جوان‌های ما هستند؛ بعضی از آنها سعی می‌کنند جوان‌ها را از دین برگردانند، بعضی سعی می‌کنند آنها را از نظام اسلامی منصرف کنند، بعضی سعی می‌کنند آنها را به ایجاد اختلاف و ادا کنند، بعضی سعی می‌کنند آنها را در خدمت هدف‌های خبیث خود بگیرند، بعضی سعی می‌کنند آنها را به ولنگاری و بیکارگی سوق بدهند؛ این بمباران به‌طور دائم بر روی سر جوان‌های ما و به‌وسیله‌ی همین دستگاه‌ها و رسانه‌های صوتی و تصویری و اینترنتی در حال انجام است؛ درعین حال شما نگاه می‌کنید می‌بینید ده‌ها میلیون از همین جوان‌ها در سرتاسر کشور در روز بیست و دوم بهمن می‌آیند و شعار می‌دهند و ابراز احساسات می‌کنند و نسبت به امام، نسبت به اسلام، نسبت به نظام اسلامی ابراز ارادت می‌کنند. 216

اینکه بنده بارها تکرار می‌کنم که جوان امروز، از جوان اول انقلاب و دوران جنگ اگر جلوتر نباشد، بهتر نباشد، عقب‌تر نیست- و من معتقدم که جلوتر است- به‌خاطر این است که امروز با این همه ابزارهای تبلیغی، با این همه

215. بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی ۱۳۹۹/۰۲/۲۸

216. حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴/۰۱/۰۱

شگردهای گوناگونِ فروریختن پایه‌های ایمان، جوان انقلابی ایستاده است. البته بله، یک عده‌ای هم هستند که معتقد نیستند، پایبند نیستند، آن را هم میدانیم، نه اینکه غافل باشیم اما این خیل عظیم جوانان مؤمن، جزو معجزات انقلاب است. این جوان امروز [است]؛ جوانی که نامه می‌نویسند به بنده - از این نامه‌ها یکی و دو تا و ده تا هم نیست، زیاد است - و التماس، گریه که اجازه بدهید ما برویم در دفاع از حرم اهل بیت (علیهم‌السلام) بجنگیم؛ از زندگی راحت، از زن و بچه بگذریم. نامه می‌نویسند - واقعاً نامه گریه‌آلود است - که [ما] پدر و مادر را راضی کردیم، شما اجازه بدهید ما برویم بجنگیم؛ این وضع جوان امروز است. خوب می‌خواهند ایمان این [جوان] را از بین ببرند. این حصار فرهنگی برای حفظ این ایمان است. شماها جوانید، شماها نسل سوّمید؛ اولاً جوان این نسل، جوان نسل سوّم، از جوان نسل اوّل امیدبخش‌تر است در صورتی که بتواند ایمانش را حفظ کند. جوان نسل اوّل، کسانی بودند که از روی احساسات، از روی هیجان [کار کردند]؛ احساسات بود، احساسات خوبی هم بود و همان احساسات کارکرد، یعنی یک نظام کهن را سرنگون کرد و اسلام را رو آورد؛ این را ما کوچک نمی‌گیریم، اما غالباً دانه‌دانه‌ی افراد - نمی‌گوییم همه - از روی احساسات لانه‌ی جاسوسی را آن روز رفتند و با شجاعت تمام گرفتند، اما بعداً رفتند با آمریکایی‌ها صحبت کردند و عذرخواهی کردند؛ این ناشی از چیست؟ ناشی از کم‌عمق بودن آن انگیزه است. آن انگیزه متکی به یک زیرساخت محکم نبود؛ انگیزه بود، اما زیرساختش محکم نبود. جوان‌های امروز - [هرچند] بعضی [از آنها] هستند که بی‌خیال در خیابان راه می‌روند؛ زمان جنگ هم بودند، نه اینکه نبودند - اما آن [جوانی] که دنبال وظیفه می‌رود، می‌فهمد چه کار دارد می‌کند. یک نمونه‌اش

همین حججی است و صدها نمونه، بلکه هزارها نمونه از این قبیل وجود دارد. لذا من به جوان امروز در صورتی که انگیزه و ایمانش درست باشد، اعتمادم و امیدم بیشتر است تا به جوان آن روز. شماها آن جوان امروز هستید. آینده مال شماها است. این مملکت مال شماها است. هر چه می‌توانید خودتان را بسازید، هم از لحاظ فکری بسازید، هم از لحاظ ایمانی بسازید؛ هم فکر را درست کنید، هم ایمان و دل را درست کنید. با خدا اُنس داشته باشید، اگر می‌توانید تا آنجایی که می‌توانید، نماز شب بخوانید؛ نماز را خوب بخوانید، با توجه بخوانید، قرآن را بخوانید. اینها چیزهایی است که می‌تواند جای این شهدا را پر کند؛ این کارها لازم است. 217

کسانی این طور وانمود میکنند نسلی که روی کار می‌آید - که اصطلاحاً به آن «نسل سوم انقلاب» می‌گویند - پشتکرده به انقلاب و رویگردان از ارزشهای دینی است؛ یا اگر هم نیست، به طور اجتناب‌ناپذیری این‌گونه خواهد شد! بنده صد درصد حرف آنها را رد میکنم. نه این که من عوامل فسادبرانگیز فرهنگی را نمیبینم یا نمیشناسم یا از آنها خبر ندارم؛ نخیر، بنده از ماهواره و اینترنت و رمانها و فیلمها و آهنگها و حرفهای فاسد کاملاً خبر دارم و آنها را دست کم نمیگیرم. من عمرم را در میان جوانان گذرانده‌ام. از دورانی که خودم جوان بودم، با جوانان دانشگاهی که خارج از محیط ما بودند، ارتباط برقرار کردم؛ تا امروز هم ارتباط من با جوانان قطع نشده است. بنابراین میدانم حال و هوای جوانی چیست و امروز در فضای جوانی ما چه میگذرد؛ اما معتقدم نسل کنونی امروز این قدر هم آسیب‌پذیر و شکننده نیست؛ این را بد فهمیده‌اند. این نسل در

217. دیدار خانواده‌ی شهید بیلاقی ۱۳۹۶/۱۰/۲۴

محیطی بار آمده که از محیط سی سال و سی و پنج سال قبل به مراتب پاکیزه‌تر و بهتر است. کسانی که در این محیط متولد شده‌اند، به برکت هدایت دینی توانستند آن کار عظیم را انجام دهند و آن ایمانهای پولادین و استوار را عرضه کنند. من معتقدم که این نسل نسبت به آن نسل، در محیط بهتری پرورش یافته و آمادگیها و آگاهیهای به مراتب بهتر و بالاتری دارد. بنده وقتی حدود بیست سالم بود، هرگز آگاهیهایی که امروز شما جوان بیست ساله دارید، نداشتم. امروز جوان ایرانی، آگاه و بامعرفت و بصیر و سیاسی و اهل تحلیل است و از همه بالاتر باایمان است. جوانی که پرورش یافته دوران انقلاب است، از معرفت دینی برخوردار است؛ ایمانش هم ایمان عمیقی است؛ البته احتیاج دارد که تغذیه معنوی و فکری دائمی شود²¹⁸.

○ مقاومت در برابر تحریم و جنگ اقتصادی

در این مدتی که این مشکلات تحریم و تبعات تحریم و مانند اینها بوده، مردم واقعاً خوب ایستادند، انصافاً ایستادگی کردند و مشکلات را تحمل کردند و از خودشان استقامت نشان دادند²¹⁹. در مقابل تحریمهای شدید و به قول خودشان بی سابقه‌ی آمریکا و اروپا، ملت ایران، هم در عرصه‌ی سیاسی، هم در عرصه‌ی اقتصادی یک واکنش محکم و مقتدرانه‌ای از خود نشان داد.²²⁰

پیشرفت در شرایط تحریم. یکی از نقاط مهم قوت کشور این است. در سخت‌ترین شرایط تحریم، کشور پیشرفت کرده. در چه چیزی پیشرفت کرده؟ یکی در مقوله‌ی

²¹⁸. ۱۲/۰۲/۱۳۸۰. بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت

²¹⁹. بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اعظم(ص) و امام صادق(ع) ۱۳/۰۸/۱۳۹۹

²²⁰. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۸ ۱۳۹۸/۰۱/۰۱

علم و فناوری... ما درزمینه‌ی هسته‌ای پیشرفت کردیم، درزمینه‌ی فناوری زیستی پیشرفت کردیم، در فناوری نانو پیشرفت کردیم، در فناوری انرژی‌های نو پیشرفت کردیم، در صنایع هوافضا پیشرفت کردیم، در ساخت ابررایانه‌ها پیشرفت کردیم، در مسئله‌ی بسیار مهم سلول‌های بنیادی پیشرفت کردیم، مسئله‌ی شبیه‌سازی همین‌جور، در رادیو داروها همین‌جور، در نانوداروهای ضد سرطان همین‌جور؛ اینها همه جزو دانش‌های سطح بالای دنیاست. این چند موردی که من گفتم و بعضی از موارد دیگر، جزو دانش‌های درجه‌ی یک سطح بالای دنیاست، که بعضی از اینها را پنج‌تا کشور، ده تا کشور در دنیا بیشتر ندارند؛ ما در اینها پیشرفت کردیم؛ این در حالی بود که درهای انتقال دانش از همه سوی دنیا روی ما بسته است. من مقاله‌ای را می‌خواندم که از یک روزنامه‌ی آمریکائی نقل کردند که همین دوسه‌روزه منتشرشده. می‌گوید ایران در مسئله‌ی هسته‌ای یک استثناء است. چین به مسئله‌ی هسته‌ای رسید، از کی گرفت؛ پاکستان رسید، از کی گرفت؛ هند رسید، از کی گرفت؛ ایران از کی گرفت؟ آن مقاله می‌نویسد: از هیچ‌کس. این در شرایطی بود که هم تحریم بود و امکانات پیشرفت هسته‌ای به او نمی‌دادند و هم با او مبارزه می‌کردند؛ مثل همین ویروس رایانه‌ای که داخل تشکیلات ما فرستادند. دانشمندان ما، جوان‌های ما در مقابل اینها ایستادند، پیش رفتند و نقشه‌ی دشمن را خنثی کردند. او حتی به ترور دانشمندان هسته‌ای ما اشاره می‌کند. اینها چیزهایی است که دشمنان ما دارند می‌گویند. ۲۲۱

این خطای محاسباتی [دشمن] هنوز ادامه دارد، یعنی تا امروز هم آمریکایی‌ها در زمینه‌ی مسائل ایران دچار خطای محاسباتی‌اند و واقعاً دستگاه محاسباتی سیاسی‌شان کار نمی‌کند؛ نمی‌فهمند، مسائل ما را درک نمی‌کنند و ملت ما را نمی‌شناسند؛ ملت ایران

۳۲۱. دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۰/۰۵/۱۵

را هنوز نمی‌شناسند و لذا پی‌درپی خطا میکنند. آمریکایی‌ها در قضیه‌ی فتنه‌ی ۸۸ خطا کردند، رئیس‌جمهور دموکرات آن روز آمریکا (۳) رسماً پشت سر فتنه‌ی ۸۸ ایستاد و از آن دفاع کرد، به خیال اینکه همه چیز را تمام خواهد کرد که خب خطای محاسباتی بود.

در قضیه‌ی تحریم هم همین جور است؛ با این تحریمهای شدید و به اصطلاح بی‌سابقه و همه‌جانبه که خودشان میگفتند در تاریخ چنین تحریمی وجود ندارد و راست هم میگفتند، خیال میکردند ایران را از پا درمی‌آورند؛ خب محاسبات غلط بود دیگر؛ خطای محاسباتی بود و امید بیهوده‌ای داشتند. یکی از همان احمقهای درجه‌ی اولی که یک وقتی در اینجا به آنها اشاره کردم، (۴) دو سه سال پیش گفته بود (۵) که «ما عید ژانویه‌ی ۲۰۱۹ را در تهران جشن خواهیم گرفت»؛ امیدشان این بود که در عید ژانویه‌ی ۲۰۱۹ بساط [جمهوری اسلامی] جمع شده و آنها می‌آیند اینجا جشن بگیرند. حالا خود آن شخص که به زباله‌دان تاریخ رفت، رئیسش هم با لگد و با افتضاح از کاخ سفید اخراج شد و هر دو به زباله‌دان تاریخ رفتند [اما] جمهوری اسلامی بحمدالله سربلند ایستاده است²²².

ما از تحریم به نفع پیشرفت خودمان استفاده کردیم. یک روزی بود که ما احتیاج به ابزارهای نظامی داشتیم؛ ساده‌ترین ابزار نظامی را به ما نمی‌فروختند و می‌گفتند: تحریم! ما توانستیم از این تحریم استفاده کنیم؛ امروز ملت ایران تولدانی‌هایی به دست آورده که همان تحریم‌کنندگان دیروز، امروز از اینکه ملت ایران دارد به قدرت اول نظامی منطقه تبدیل می‌شود، دارند دست‌وپا می‌زنند! خب، این بر اثر تحریم شما

²²². بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش 1399/11/19

بود. این تحریم به ما ضرر نرزد؛ ما از این تهدید توانستیم یک فرصت به وجود بیاوریم. امروز هم همین جور است. ما از تحریم غرب نمی ترسیم. ملت ایران به حول و قوه‌ی الهی در مقابل هر تحریمی و هر محاصره‌ی اقتصادی‌ای آن‌چنان تلاشی از خود نشان خواهد داد که پیشرفت او را مضاعف و چند برابر خواهد کرد.^{۲۲۳}

دشمنان ما و در رأسشان آمریکا به امید اینکه بلکه بتوانند از این راه به جمهوری اسلامی ضربه‌ای وارد کنند، تحریمها را تشدید کردند؛ به قول خودشان تحریمهای بی سابقه. راست هم میگویند؛ این تحریمهایی که اینها بر جمهوری اسلامی تحمیل کردند بی سابقه است، منتها مهم این است که جمهوری اسلامی **فلز محکمی** دارد؛ این را بعضی از ناظرین جهانی هم گفته‌اند که اگر این تحریمها و این فشارها به هر کشور دیگری وارد میشد، تأثیرات مهمی روی آنها میگذاشت لکن جمهوری اسلامی به اتکاء مردم، به توفیق الهی، به همت مسئولینی که در گوشه و کنار کشور مشغول کارند، استحکام دارد و **ألاً فشار [هست]**.^{۲۲۴}

ممکن است کسی بگوید اگر تحریم نبود از این ظرفیتهای میتوانستید خوب استفاده کنید، اما [چون] تحریم هست نمیتوانید از این ظرفیتهای استفاده کنید؛ این خطا است؛ این حرف، درست نیست. ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم؛ یک مثال آن، تولید علم است؛ یک مثال آن، صنعت و فناوری است؛ در اینها ما تحریم بودیم، الان هم تحریم هستیم. در مورد دانشهای پیشرفته و روز، الان هم درهای مراکز علمی مهم بروز دنیا به روی دانشمند ایرانی و دانشجوی ایرانی بسته است، اما در عین حال، ما در نانو پیشرفت

^{۲۲۳}. دیدار مردم شیراز ۱۳۸۷/۰۲/۱۱

^{۲۲۴}. بیانات در دیدار مسئولان نظام ۲۴/۰۲/۱۳۹۸

کردیم، در هسته‌ای پیشرفت کردیم، در سلولهای بنیادی پیشرفت کردیم، در صنایع دفاعی پیشرفت کردیم، در صنایع پهپاد و موشک، به کوری چشم دشمن، پیشرفت کردیم؛ چرا در اقتصاد نتوانیم پیشرفت کنیم؟! ما که در این سر صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون این همه موفقیت به دست آوردیم، در اقتصاد هم اگر عزممان را جزم کنیم و دست به دست هم بدهیم، میتوانیم اقتصاد را شکوفا کنیم. چشممان به دست دشمن نباشد که کی این تحریم را بر میدارد، کی فلان نقطه را موافقت میکند؛ به درک! نگاه کنیم ببینیم خودمان چه کار میتوانیم بکنیم.^{۲۲۵}

امروز دشمنان ما، رادیوها، بعضیها هم با اینها هم‌زبان میشوند، هی مسئله‌ی تحریم را بزرگ میکنند، بزرگ میکنند. تحریم مال امروز و دیروز نیست؛ از اوائل، تحریم وجود داشته است. البته تشدید کردند، اثر نکرده؛ باز تدبیر دیگری اندیشیدند، اثر نکرده است. تحریم از اول بوده است. امروز دشمنان ما - چه دولت آمریکا، چه بعضی از دولتهای اروپائی - تحریم را مرتبط کرده‌اند به مسئله‌ی انرژی هسته‌ای. دروغ میگویند. آن روزی که اینها تحریمها را برقرار کردند، انرژی هسته‌ای در کشور نبود؛ صحبتش هم نبود. آنچه که اینها را از ملت ایران عصبانی میکند و به اینجور تصمیمها وادار میکند، سرافرازی ملت ایران است، گردنکشی ملت ایران است. از روی بغض و کینه‌ای که دارند، تحریمهای غیر منطقی میکنند؛ تحریمهایی که همه‌ی عقلا و انسانهای باانصاف عالم وقتی نگاه میکنند، میبینند اینها کارهای غیر منطقی و در واقع وحشیانه است؛ این یک جنگ با یک ملت است. البته در این جنگ هم به توفیق الهی مغلوب ملت ایران خواهند شد.^{۲۲۶}

^{۲۲۵}. بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۳/۱/۰۱
^{۲۲۶}. ۱۳۹۱/۷/۱۹

همه‌ی دنیای استکبار و دولتهای مستکبر دست روی دست هم گذاشتند، بلکه ملت ایران را تحریم کنند؛ با این تحریم، ملت ایران را خسته کنند و به ستوه بیاورند. خودشان هم میگویند که ما خواستیم ملت را در مقابل نظام جمهوری اسلامی به ایستادگی وادار کنیم تا مسئولان نظام جمهوری اسلامی محاسباتشان عوض شود! این را حالا صریح میگویند. آن اوائل که ما تحلیل میکردیم، به این صراحت نمیگفتند؛ اما حالا میگویند. نتیجه این شده است که شما ملاحظه میکنید ملت ایران روزبه‌روز گرایش به مبانی اسلام، به مبانی انقلاب، به ایستادگی، به این عزتی که خدای متعال به این کشور داده، بیشتر میشود؛ درست نقطه‌ی مقابل آنچه که آنها خواسته‌اند، تحقق پیدا کرده است.^{۲۲۷}

❖ ب. عرصه بصیرت و دشمن شناسی

یک آگاهی انقلابی، یک کمال سیاسی، در ملت ایران به توفیق الهی به وجود آمده است که میتوانند تفکیک کنند بین نظام انقلابی «امت و امامت» و بین تشکیلات دیوان‌سالاری.^{۲۲۸}

○ بصیرت در فقدان امام راحل

از عوامل رشد یک ملت این است که از حادثه‌یی که ممکن است به نظر دشمن یک عامل ضعف به حساب آید، از همان حادثه به عنوان عامل قوت استفاده کند. از سالهای پیش، تحلیل همه‌ی دشمنان ما این بود که با رحلت امام بزرگوار - که رکن اساسی و سنگین‌ترین وزنه‌ی انقلاب و عمود حقیقی خیمه‌ی نظام به حساب می‌آمدند - انقلاب نابود می‌شود و وحدت ملت مخدوش می‌گردد و جمهوری

^{۲۲۷}. ۱۹/۱۰/۱۳۹۱

^{۲۲۸}. دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

اسلامی دچار ضعف و یا انحلال خواهد شد! حقیقتاً اگر کسی با ابزارهای مادی و با چشم ظاهری تحلیل می‌کرد، همین نتیجه‌ی قهری و طبیعی را به دست می‌آورد. در این تحلیل، فقدان امام (ره) عامل تمام شدن همه چیز به حساب می‌آمد. ملت ما در این امتحان بزرگ، عکس این مطلب را ثابت کرد و از آن حادثه‌یی که عامل ویرانی به حساب می‌آمد، در جهت ثبات و وحدت و پیشرفت استفاده کرد. بنابراین، با هوشیاری و ایمان مخلصانه‌ی ملت، فقدان امام (ره) به عامل قوت در نظام جمهوری اسلامی تبدیل شد. امروز رشد و بینش مردم ما، حتی از مسلمانان صدر اسلام و زمان پیامبر اکرم (ص) نیز بیشتر است؛ زیرا آن‌ها نتوانستند بعد از رحلت آن بزرگوار، وحدت و تحرک و ایمان خود را حفظ کنند؛ اما ملت ما توانست این کار را بکند.^{۲۲۹}

با رحلت امام خمینی (ره)، طیف وسیع دشمنان اسلام که در صفوف مقدم معارضه با جمهوری اسلامی بودند، این امید را پنهان نکردند که جمهوری اسلامی در غیاب پدیدآورنده و پرورانده‌ی خود، نیروی دفاع و رشد را از دست بدهد و چون کودک بی‌صاحبی، احساس ضعف و درماندگی کند، یا بکلی از پای درآید و یا به ناچار به زیر دامن این و آن پناه گیرد! در محاسبات تنگ‌نظرانه‌ی دشمنان که همه بی‌استثنا اسیر محاسبات صددرصد مادی و از فهم روابط معنوی و برکات ایمان و تقوا بی‌نصیبند، نمی‌گنجید که معجزه‌ی الهی در طلیعه‌ی قرن پانزدهم هجری - یعنی حکومت صلاح و دین و حیات دوباره‌ی ارزشهای اسلامی - آن قله‌ی مرتفعی باشد که دست آلوده‌ی بندگان هوی و هوس به آن نرسد و دیپلماسی زر و زور از به دام افکندن آن عاجز بمانند! اما اراده‌ی الهی این بود، و همان شد که اراده‌ی الهی بود. نظام اسلامی، رشد و کارایی خود را در این مصیبت و ابتلای عظیم الهی نشان داد و

^{۲۲۹}. (۳۰/۰۳/۱۳۶۸) سخنرانی در مراسم بیعت روحانیون، مسئولان و اقتدار مختلف مردم آذربایجان

ملت عالیقدر و مسؤولان دلسوز و اهل حل و عقد، به پاداش صبر بر این مصیبت عظمی، استحقاق درود و رحمت حق را یافتند و به کمک خداوند و توجهات حضرت ولی‌الله‌اعظم (ارواح‌نافداه) توانستند با گشودن گره‌هایی که به‌طور طبیعی در صورت ارتحال امام پدید می‌آمد، از امتحانی بزرگ سربلند بیرون آیند. نظام اسلامی که قلب تپنده‌ی خود را از دست داده بود، به برکت ایمان و توکلش و به برکت درسهای جاودانی که مردمش از آن استاد و مرشد خود آموخته بودند، نه فقط از حرکت و حیات و نشاط بازنموند، بلکه با نشان دادن کارآزمودگی و حکمت و سرعت عمل، اعتبار خود را مضاعف ساخت. ابراز وفاداری ملت در آن عزاداری بی‌نظیر که در مقیاس جهان و تاریخ فوق‌العاده بود، حل مسأله‌ی رهبری، اعلام حضور عاشقانه‌ی همه‌جایی و همگانی مردم در دفاع از راه امام و از میراث معنوی امام در برابر رهنمان کمین‌گرفته و رستاخیز شگفت‌انگیز و به‌یادماندنی چهل روزه‌ی ایران و آن‌گاه تصویب ملی اصلاحات قانون اساسی و شرکت در انتخاب رئیس جمهورِ گزیده و تشکیل دولت و جریان یافتن همه‌ی امور کشور در عین تازگی و جاودانگی داغ رحلت امام و یاد ماندگار او، همه و همه اعتباری افزون‌تر از پیش به ایران و ایرانی و انقلاب و نظام اسلامی بخشید. درست در آن هنگام که از حادثه‌ی ارتحال امام، نفس دنیا در سینه‌اش حبس شده و خواب از چشم دوست و دشمن در سطح جهان گرفته شده بود، ایران اسلامی نمایشی قهرمانانه داد و با عنایات خداوندی، سنگین‌ترین آزمون خود را به سرافرازی طی کرد و کشتی انقلاب از گردابی خطیر، با آرامش و اطمینان عبور کرد. و این خود آیت دیگری از شمول الطاف الهی بر ملتی شد که قدم در راه خدا نهاده و به نصرت او قیام کرده است. دوستان، یعنی توده‌های مسلمان و مستضعفان بسیاری از مناطق عالم، جانی و امیدی

دوباره گرفتند و به پایه‌های نظام سلطه‌ی جهانی، ضربه‌ی دوباره - پس از ضربه‌ی آغاز پیروزی انقلاب - وارد آمد. یعنی حادثه‌ی بی‌که میبناشتند انقلاب را درهم خواهد پیچید، به انقلاب اوج و حیات بخشید و امام ما - آن برافروزنده‌ی مشعل انقلاب - با رحلت خود، یک بار دیگر شعله‌ی انقلاب را برافروخته کرد. «فرحمة الله حیا و میتا والسّلام علیه یوم ولد و یوم قادالامّة و یوم ارتحل و یوم یبعث حیا». ^{۲۳۰}

○ بصیرت در شکست فتنه‌ها

این ملت، ملت باایمانی است؛ ملت هوشیاری است؛ ملت بااستعدادی است. با مسجد ضرار نمی‌شود این ملت را شکست داد. 231

روز بیست و سوم تیر سال ۷۸ مردم آمدند در خیابانها، توطئه دشمن را که سالها برایش برنامه‌ریزی کرده بودند، در یک روز باطل کردند. 232 در فتنه هجدهم تیر، مردم آن حرکت عظیم ۲۳ تیر را، نه فقط در تهران، بلکه در سایر شهرها به راه انداختند 233. [در نتیجه] امروز عمده قوای حیاتی این کشور، در اختیار اسلام و انقلاب است. اساسی‌ترین پایه‌های قدرت در این کشور یعنی مردم دل‌بسته اسلام و انقلاب و راه امام و ارزشهای الهی و اسلامی اند. 234.

امروز دشمنان ملت ایران که هدفشان این بود که کشور را به تلاطم و آشوب دچار کنند و برادرکشی به راه بیندازند. در بین مسئولان جنگ و اختلاف ایجاد کنند، به

^{۲۳۰} پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۶۹/۰۳/۱۰

231. مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری 12/05/1388

232. بیست و دومین سالگرد امام خمینی رحمه الله 14/03/1390

233. اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه 20/7/1390

234. خطبه‌های نماز جمعه 26/9/1378

بن بست رسیده اند 235. خیلی تلاش کردند، شاید بتوانند بین ملت دودستگی ایجاد کنند؛ اما نتوانستند. و ملت ایستاد؛ این پیروزی ملت بود. از بیست و دوم خرداد تا بیست و دوم بهمن یک فصل پرافتخار و پرعبرتی برای ملت ایران بود؛ این یک درس شد. آگاهی جدیدی به وجود آمد. فصل تازه‌ای در بصیرت ملت ایران گشوده شد. این یک زمینه بسیار مهمی است. باید بر اساس این زمینه، حرکت کنیم 236.

ملت ایران از یک امتحان عبور کرد، از یک فتنه عبور کرد. این معنایش فقط این نیست که حالا همه فهمیدند ملت ایران قوی است؛ بلکه معنای مهمتر آن این است که با این حرکت، با این قدرت بر عبور از فتنه و محنت، این ملت یک وضع جدیدی پیدا کرد؛ یک توانائی تازه‌ای در او به وجود آمد 237.

حرف همیشه ملت ما همین است؛ حرف ملت عزیز ما، قشرهای ما، شهرهای مختلف ما، جوانهای ما، حرف انقلاب و نظام اسلامی و ایستادگی در مقابل زورگویی و زیر بار تحمیل قدرتها نرفتن است. حرف ملت در تمام این سالهای متمادی یک حرف بود و امروز که چهل سال از آن روزها می‌گذرد، ملت ما همان منطق، همان مسیر، همان هدف را دنبال می‌کند؛ منتها امروز پخته‌تر است، باتجربه‌تر است، واردتر است. ملت، حقیقتاً یک ملت رشید، وفادار، بابصیرت، باهمت، زمان‌شناس، لحظه‌شناس است. ملت کار خودش را می‌کند، تأثیر خودش را می‌گذارد، رُعب خودش را در دل سیاست‌گذاران دشمن نفوذ می‌دهد با این حرکت

235. دیدار زائرین و مجاوران 2/1/1383

236. اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی 01/01/1389

237. دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان 26/8/1389

عظیمی که انجام می‌دهد. ملت بصیرتشان را واقعاً به اوج رساندند؛ حقیقتاً این ملت به اوج رساندند بصیرت خودشان را و در این چند روز انگیزه خودشان را خوب نشان دادند. 238

چهل سال است که مأمَن مردم، پرچم برجسته و بلند انقلاب است و این در حالی است که مردم از برخی از مسائل جاری کشور، انتقاد هم دارند، نه اینکه انتقاد ندارند؛ یک آگاهی انقلابی، یک کمال سیاسی، در ملت ایران به توفیق الهی به وجود آمده است که می‌توانند تفکیک کنند بین نظام انقلابی امت و امامت و بین تشکیلات دیوانسالاری؛ باینکه در یک جا انتقاد دارند، اما از اصل نظامی که به وسیله انقلاب به وجود آمده است، با همه وجود دفاع کنند نظامی که با انقلاب این ملت و با فداکاری این ملت به وجود آمده است و صدها هزار شهید در راه این نظام در طول این چهل سال به قربانگاه رفته‌اند. 239.

من به شما عرض بکنم که بله، بعضی‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرند، و همان مطلبی را که آنها می‌گویند تکرار می‌کنند؛ چه در مورد ضعفهای کشور که ده‌برابر می‌شود، چه در مورد کم نشان دادن و کوچک نشان دادن نقطه‌قوت‌ها و پیشرفتهای کشور، چه در مورد آدرس غلط دادن. اما در اکثر مردم، در غالب ملت ایران اثر نمی‌کند. غالب مردم شناخته‌اند آمریکا را، شناخته‌اند دشمن را، می‌دانند که اینها دروغ می‌گویند، می‌دانند که اینها مغرضانه حرف می‌زنند؛ پس جریان تحریف هم به نتایج مورد نظر آنها نرسیده. 240

238. دیدار مردم قم 19/10/1396

239. دیدار مردم آذربایجان شرقی 29/11/1396

240. سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان 10/05/1399

○ بصیرت در نهضت نرم افزاری و تولید علم

یکی از ارکان و ستونهای اصلی ایستادگی کنونی ملت ایران عبارت است از پیشرفتهای علمی کشور؛ که به دنبال این پیشرفتهای علمی، پیشرفتهای عملی و اجرایی هم در موارد بسیاری بوده. ایستادگی ملت ایران، در دنیا یک حادثه باشکوه است. ما توی قضیه قرار داریم. آن کسانی که از بیرون نگاه می‌کنند، عظمت این ایستادگی را بیشتر احساس می‌کنند... یک رکن مهم این ایستادگی، علم است. این علم است که به ما اعتماد به نفس داده 241.

نبرد ملت با ضد ملت است، نبرد ایران با ضد ایران است، نبرد اسلام با ضد اسلام است؛ این [نبرد] ادامه داشته و البته بعد از این هم خواهد بود؛ منتها سرگرم شدن ملت ایران به مبارزه و ایستادگی و استقامت، موجب نشده است که از بقیه‌ی ابعاد و زوایای زندگی غافل بشوند، [بلکه] همین جوانهای شما، بچه‌های شما پیشرفتهای علمی را به وجود آورده‌اند، همین مأموران شما کارهای بزرگ [برای] آبروی ملت ایران در کشور و در منطقه انجام داده‌اند. یعنی ملت نشان داد که یک ملت زنده است، یک ملت بانشاط است، یک ملت باخدا است، و خدا هم کمک میکند 242.

جوان‌هایی که عرصه‌های علمی را تصرف کردند و در آنجاها حرف نو به میدان آوردند و هویت پیش‌روند خودشان را و استعداد برتر خودشان را و قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بالای خودشان را نشان دادند، برای نظام جمهوری اسلامی آبرو درست کردند. این جوان‌های شما این کار را کردند 243.

241. دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها: 2/6/1390

242. دیدار مردم قم: 19/10/1396

243. دیدار خانواده شهید مصطفی احمدی روشن: 29/10/1390

○ بصیرت در دفاع از حرم

امروز یک جنگی یک جایی وجود دارد که مردم آن را با پوست و گوشت خودشان حس نمی‌کنند اما در عین حال می‌روند، ببینید این خیلی مهم است. حس نمی‌کنند جنگ را اما می‌روند چرا؟ برای خاطر اینکه می‌فهمند که قضیه چی است. این عمق فهم و این تحلیل درست قضایا این خیلی چیز مهمی است این معجزه انقلاب است 244.

کسانی که این بصیرت را ندارند با خودشان می‌گویند: اینجا کجا، سوریه و حلب کجا؟ این بر اثر بی‌بصیرتی است. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود که *فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا* نباید منتظر ماند که دشمن بیاید داخل خانه آدم، بعد آدم به فکر دفاع از او و خانه بیفتد. دشمن را باید در مرزهای خودش سرکوب کرد 245.

افتخار جمهوری اسلامی امروز این است که ما در مجاورت مرزهای رژیم صهیونیستی نیرو داریم. حالا یا نیروهای خودمان یا نیروهای حزب‌الله یا نیروهای مقاومت یا نیروهای امل. این برای اسلام و برای جمهوری اسلامی خیلی افتخار بزرگی است. جوان‌هایی که رفتند در سوریه یا در عراق و به شهادت رسیدند، این بصیرت را داشتند، می‌فهمیدند که دارند چه کار می‌کنند. یک عده اینجا در خانه نشسته‌اند نمی‌فهمند که قضیه چیست؛ این بچه‌ها قضیه را فهمیدند و رفتند دفاع کنند 246.

244. منزل خانواده شهدای مشهد 1396/5/19

245. دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم 1395/09/01

246. گزیده‌ای از دیدارهای خانواده‌های شهدای مدافع حرم 1397/12/22

❖ ج. عرصه حضور در صحنه‌های عمومی

انقلاب صفحه را برگرداند؛ مردم شدند صاحب کشور، صاحب اختیار کشور و تصمیم‌گیر در مسائل کشور. حضور مردم در صحنه به این معناست. بعضی نگویند که مردم را فقط برای انتخابات می‌خواهند؛ نه، انتخابات یک نشانه است. انتخابات یک مقطع از مقاطع حضور مردم است. مطالبه خواستها، مطالبه هدفها، دل‌بستگی به این اهداف، دغدغه اینکه چقدر پیش رفتیم و تا کجا پیش رفتیم و چه خواهیم کرد؛ با مشکلات چگونه دست و پنجه نرم خواهیم کرد؛ امروز این دغدغه‌ها در بین مردم ما عمومیت دارد ۲۴۷.

○ صحنه انتخابات

انقلاب مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند ۲۴۸.

هرچه در طول سالهای متمادی، بدخواهان این ملت و این کشور خواسته‌اند که مردم را از حضور در صحنه‌های عمومی کشور دور کنند، موفق نشده‌اند و علی‌رغم آن‌ها، مردم

247. دیدار اقشار مختلف مردم 22/9/1385

248. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی 22/11/1397

شرکت گسترده و افتخارآفرینی در تعیین سرنوشت کشور داشته‌اند و این موجب تحسین هر بیننده‌ای است ۲۴۹.

این انتخابات، عزیزان من! برای دشمنان شما یک زلزله سیاسی بود؛ برای دوستان شما در اکناف عالم یک جشن واقعی بود؛ یک جشن تاریخی بود. در سی سالگی انقلاب این جور مردم بیایند نسبت به این نظام و این انقلاب و آن امام بزرگوار اظهار وفاداری کنند! این یک جنبش عمومی و مردمی بود برای تجدید پیمان با امام و با شهدا؛ و برای نظام جمهوری اسلامی یک نفس تازه کردن، یک حرکت از نو، یک فرصت بزرگ. این انتخابات، مردم‌سالاری دینی را به رخ همه مردم عالم کشید ۲۵۰.

○ تکریم ایام الله

در هیچ جای دنیا جشن یادبود و سالگرد انقلاب، اینجور مردمی نیست. این تنها انقلاب ماست که در هر بیست و دوی بهمنی، جشن را مردم می‌گیرند. در سرتاسر کشور میلیونها انسان به خیابانها می‌آیند، تظاهرات می‌کنند، شعار می‌دهند؛ این در هیچ انقلابی وجود نداشته ۲۵۱.

ملت ایران در تشییع شهید حاج قاسم سلیمانی عظمت خودش را نشان داد، اتحاد خودش را نشان داد، انگیزه و حضور خودش را نشان داد. دهها میلیون انسان در شهرهای مختلف از یک شهیدی تشییع کنند؛ این عظمت ملت ایران را نشان داد، قدردانی ملت ایران را، بصیرت ملت ایران را نشان داد ۲۵۲.

249. دیدار کارگزاران نظام 20/3/1380

250. خطبه‌های نماز جمعه تهران به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی 29/3/1388

251. دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش 19/11/1390

252. دیدار مردم آذربایجان شرقی 29/11/1398

سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم آن وقت اهمّیت این قضیه روشن خواهد شد. آن وقت این اجتماع مردم، این تجلیل و تعظیم مردم، تکریم مردم معنای دیگری پیدا می کند با این نگاه، ما می توانیم ملت ایران را و معنویات ملت را و باطن ملت را کشف کنیم. این کسانی که به خیابان آمدند، میلیون ها انسانی که آمدند زیر جنازه این عزیزان راه رفتند، و کسانی که از دور دیدند و اشک ریختند، و کسانی که در شهرهای مختلف توانستند از دور برای اینها عزاداری بکنند - که واقعاً ده ها میلیون جمعیت ملت ما در این آزمون بزرگ شرکت کردند - می شود باطن اینها را، حقیقت اینها را تشخیص داد. ملت از هر جناح و حزب، از هر مجموعه، از هر قوم، از هر خصوصیت جغرافیایی، در این جهت مثل همدند؛ طرفدار انقلابند، طرفدار حاکمیت اسلامند، طرفدار ایستادگی در مقابل ظلمند، طرفدار «نه» گفتن به همه مطامع دولتهای استکباری و استعماری اند. ملت ایران نشان داد که از خطّ مجاهدت شجاعانه دفاع می کند، ملت ایران نشان داد که به نمادهای مقاومت عشق می ورزد، ملت ایران نشان داد که طرفدار مقاومت است، طرفدار تسلیم نیست. ملت ایران در این قضیه خود را نشان داد، باطن خود را نشان داد، قاعده و زیربنای فکری خود را ملت ایران نشان داد؛ احساسات صادقانه خود را ملت ایران نشان داد؛ این فریاد انتقامی که از مردم شنیده شد در سرتاسر کشور، در واقع این فریاد انتقام، سوخت حقیقی موشکهایی بود که پایگاه آمریکایی را زیر و رو کرد ۲۵۳.

○ میدان موااسات مومنانه

در همه حوادث طبیعی و بلایای طبیعی ملت ایران حقیقتاً جانانه وارد میدان می شوند؛ ما این را بارها و بارها آزموده ایم. این روح همبستگی در میان مردم ما و حالت

بسیج‌شوندگی برای خدمت به هم‌میهنان یک چیز استثنائی است؛ مشوق مسئولین دولت هم هست، کمک‌کار آنها هم هست ۲۵۴. ملت ما رفتارهای زیبا دارد. رفتار ملت ما در این قضیه سیل شمال و جنوب، یک رفتار بسیار زیبا بود ۲۵۵. ملت ایران در این آزمون کرونا، خوش درخشید؛ ملت ایران در آزمون کرونا، در این بیماری عمومی که در واقع باید گفت این وبای مدرن، خوب درخشیدند. ۲۵۶

❖ د. عرصه اتحاد و همدلی

پیش‌بینیها از قبل از انقلاب این بود که چون در مجموعه‌ی ملت ایران، اقوام مختلف حضور دارند و زبانهای مختلف رایج است، پس، زمینه‌ی اختلاف زیاد است؛ اما خلافتش ثابت شد و همه دیدند که ملت ما یک ملت متحد و متفق است. شما ببینید در مراسم گوناگون و در صحنه‌هایی که جای ابراز عقیده نسبت به یک مسأله‌ی سیاسی است - مثل مراسم «روز قدس» که پرپرور برگزار شد و شما ملاحظه کردید که چه غوغایی در سراسر ایران، چه در شرق و غرب و چه در مرکز بود - ملت یکپارچه‌ی ما چگونه وحدت خود را به نمایش می‌گذارند! اقوام مختلف، در هر جا که هستند - فارسشان، ترکشان، کردشان، عربشان، بلوچشان و ترکمنشان - همه یکسان حرکت می‌کنند، یک شعار می‌دهند و یک حرف را می‌زنند. این همه، نشانگر وحدتی عجیب و بزرگ است. نوبت انتخابات هم که می‌رسد، مردم همین‌طور شرکت می‌کنند. نوبت دفاع مقدس هم که می‌رسد - جنگ هشت‌ساله‌ی ما - مردم

14/01/1398254 .

255. دیدار جمعی از شاعران و اهالی فرهنگ و ادب 30/2/1398

256. مراسم عید قربان 10/5/1399

همین گونه از همه جا شرکت می‌کنند؛ همه شهید می‌دهند؛ همه برای خدا وارد میدان می‌شوند و همه حول یک احساس وظیفه‌ی مشترک، اقدام می‌کنند. حتی در دوران دفاع مقدّس، در بین داوطلبان ما- سرباز وظیفه که به جای خود محفوظ- هم میهنان غیر مسلمان هم شرکت داشتند. مسیحیانی بودند که داوطلبانه به میدان جنگ رفتند و جانشان را هم در این راه فدا کردند. این‌ها را دیدیم، شناختیم و می‌شناسیم. یعنی وحدت عجیبی در میان ملت ما وجود دارد؛ باینکه دشمن هم برای از بین بردن آن خیلی کار کرده است. بنابراین، در داخل کشور ایران اسلامی، به برکت حاکمیت اسلام و به برکت وجود محورهای اساسی وحدت آفرین، هر دو محور ذکر الهی و وحدت عمومی تأمین است و در آینده هم إن شاء الله مثل گذشته خواهد بود. نگرانی، بابت امت اسلامی است؛ چون متأسفانه در سطح امت اسلامی، شرایط، این گونه نیست²⁵⁷.

علّت اینکه امروز ارتش ما، سپاه ما، نیروهای مسلح ما در بین مردم محبوبیت دارند هم همین است: مردم می‌بینند اینها مثل خودشان فکر می‌کنند، مثل خودشان عمل می‌کنند، اعتقاداتی مشابه اعتقادات خودشان دارند، برای همان چیزهایی دل می‌سوزانند که مردم دل می‌سوزانند؛ این، ارتباط بین مردم و نیروهای مسلح را افزایش می‌دهد. ۲۵۸. امروز بحمدالله ملت ایران این بصیرت، این آگاهی، این معرفت والا را یافته است که بداند مصلحت آینده‌ی کشورش بستگی دارد به اتحاد اسلامی، با ملت‌های مسلمان و با کشورهای دیگر. البته تلاش می‌کنند کسانی، کوشش می‌کنند، سعی می‌کنند، اختلال ایجاد کنند، بدبینی ایجاد کنند، و سوسه بکنند لکن ملت بحمدالله این را ملت ما امروز

²⁵⁷. بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۲۱/۱۱/۱۳۷۵

²⁵⁸. دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۴/۰۱/۳۰

فهمیده است. این فریاد امام بزرگوار ما - از قبل از پیروزی انقلاب، بعد هم از آغاز تشکیل نظام اسلامی به مسئله‌ی وحدت - کار خود را کرد، مردم ما آگاه شدند؛ این وظیفه‌ی همه است. امروز باید همه‌ی مسلمانان در اقصی نقاط عالم، به اُمت اسلامی بیندیشند، به وحدت اسلامی بیندیشند؛ اگر ما به اُمت اسلامی فکر کردیم، منافع کشورهایمان هم تأمین خواهد شد. مصلحت دشمن این است که ما را از هم جدا کند، به یک کشور حمله کند، از کشور دیگری یارگیری کند؛ مصلحت دشمن در این است، ما نباید بگذاریم.²⁵⁹

در مسائل سیاسی، در مسائل فکری، در مسائل عقیدتی اختلاف زیاد است اما مردم با وجود این اختلافات، وحدت خودشان را حفظ کردند. بعضی از بخشهای کشور ما قومیت‌های مشخصی زندگی میکنند؛ آن قومیتها هم در مراسم بیست و دوم بهمن، در مراسم روز قدس، در مراسم گوناگونی که مظهر انقلاب است، همان جوری شرکت میکنند که بقیه‌ی آحاد کشور شرکت میکنند. منطقه‌ی کرد [زبان] داریم، منطقه‌ی بلوچ [زبان] داریم، منطقه‌ی عرب [زبان] داریم، منطقه‌ی ترک [زبان] داریم؛ گاهی اوقات حرکات اینها به نفع انقلاب و به نفع نظام جمهوری اسلامی، برجسته‌تر از جاهای دیگر است؛ این را هم دیده‌ایم. این آن وحدت اسلامی است و ملت ایران این را تجربه کرده است... باید داخل آحاد ملت اتحاد و اتفاق وجود داشته باشد؛ و به برکت این اتحاد و اتفاق موفقیت‌های بزرگی هم به دست آوردیم؛ ... این تجربه‌ی ملت ایران است که توانسته‌اند نعمت الهی را برای خودشان حفظ کنند²⁶⁰.

²⁵⁹ بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی در سالروز

میلاذ پیامبر اکرم و امام جعفر صادق (صلوات‌الله‌علیهما)

²⁶⁰ بیانات در دیدار مسئولان و دست‌اندرکاران حج ۳۱/۰۵/۱۳۹۴

خب کشور ما متشکل است از زبانهای مختلف، از قومیت‌های مختلف؛ ترکی هست، فارسی هست، عربی هست، بلوچی هست، لری هست، کردی هست؛ این یک تنوع است و این تنوع فرصت است، [اما] دشمن همیشه چشم دوخته است به اینکه این را وسیله‌ی شکاف قرار بدهد. خود قومیت‌های بزرگ ایرانی... سینه سپر کرده‌اند و در مقابل این سیاست خبثت‌آلود دشمنان ایستاده‌اند. این را جوانهای عزیز ما در همه‌جای کشور توجه داشته باشند که دشمن چشم دوخته است و از هر گسلی که خیال میکند میتواند یک زلزله‌ای ایجاد بکند، میخواهد استفاده کند برای منهدم کردن اساس استقلال این کشور و اساس انقلاب؛ از همه‌ی امکانات میخواهد استفاده کند، میگردد به خیال خودش گسلها را پیدا میکند؛ درحالی که گسلی وجود ندارد؛ مردم یکپارچه‌اند، مردم متحدند.^{۲۶۱}

ملت یک دل است، مصمم است، فعال است. اگر اختلاف نظری هم در مسائل گوناگون در میان ملت وجود داشته باشد، در مقابل دشمن، در مقابل استکبار، در مقابل کسانی که کمر به ریشه‌کنی این ملت و این نظام بسته‌اند، همه‌ی مسئولین و آحاد ملت با هم همدستند؛ هیچ اختلافی در این جهت بین آحاد ملت وجود ندارد.^{۲۶۲}

اینجور نیست که یک قطعه‌ی از کشور یک مصیبتی داشته باشد، دیگران نسبت به آن بیتفاوت باشند؛ نه، همه احساس همدردی میکنند. بحمدالله ملت ما یک ملت یکپارچه است، یک ملت متحد است؛ و به خاطر همین اتحاد، نیرومند است. این قدرتی که امروز ایران اسلامی دارد، این عزتی که امروز ملت ایران دارد، بخش مهمی

^{۲۶۱} . ۲۷/۱۱/۱۳۹۵ - بیانات در دیدار مردم آنرلیجاتشرقی

^{۲۶۲} . ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

از آن به خاطر همین اتحاد و اتفاقی است که بین اقشار مختلف مردم در قسمتهای مختلف وجود دارد.^{۲۶۳}

درسی که ما از قرآن گرفته‌ایم، درسی که ما از اسلام گرفته‌ایم، درس ایستادگی و مجاهدت و وحدت و اتحاد است؛ اتحاد دلها و دستها با یکدیگر؛ مخصوص ملت ما هم نیست؛ اتحاد در دنیای اسلام. امروز شما ببینید یکی از نقاطی که دشمنان ما بر روی آن به طور کامل تکیه میکنند، برافروختن اختلافات مذهبی است؛ شیعه و سنی. آدمهایی که نه به شیعه عقیده دارند، نه به سنی عقیده دارند، نه اصل اسلام را قبول دارند، طبق میل سرویسهای جاسوسی آمریکا و اسرائیل می‌آیند پشت بلندگوها می‌ایستند، از توسعه‌ی تشیع اظهار نگرانی میکنند! شما چه می‌فهمید تشیع چیست؟! چه می‌فهمید تسنن چیست؟! شما به اصل دین اعتقادی ندارید. امروز سیاست استکبار و سیاست سرویسهای جاسوسی این است که ماها را از هم بترسانند؛ شیعه را از سنی، سنی را از شیعه؛ اختلاف ایجاد کنند. راه غلبه‌ی بر دشمنان، اندیشیدن، فکر کردن، متحد شدن، دلها را به هم نزدیک کردن، دستها را در هم گره کردن است؛ و اینجور است که به فضل پروردگار، «لیظهره علی الدین کله» (۷) پیش خواهد آمد؛ و خدای متعال به فضل خود، به لطف خود، اهداف و دستورات و برنامه‌های این بعثت را بر همه‌ی توطئه‌های دشمن پیروز خواهد کرد.^{۲۶۴}

کشور ما با اتحادی که خوشبختانه ملت دارند - که این اختلافات گوناگون نتوانسته است خوشبختانه ملت را تجزیه کند - یکپارچگی‌اش در حد بالائی محفوظ مانده است. مسئولین هم اختلاف سلیقه دارند، اما اختلاف سلیقه تا وقتی که به گریبانگیری

^{۲۶۳} . ۱۳۹۱/۵/۲۶

^{۲۶۴} . ۲۹/۳/۱۳۹۱

منتهی نشود، هیچ اشکالی ندارد. همین اتحاد و این همدلی توانسته است کشور را در چشم دشمنان به عنوان یک مجموعه‌ی مقتدر، به عنوان یک کشور مقتدر حفظ بکند. الان هم همین جور است. این اتحادی که امروز در میان مردم و در بین مردم و مسئولین وجود دارد، مردم به مسئولین خودشان علاقه‌مندند، به آنها اعتماد دارند، به آنها کمک می‌کنند، با آنها همراهی می‌کنند، بین خود مردم اتحاد و وحدت وجود دارد، بایستی باقی بماند و روزبه‌روز تقویت شود. یکی از نقشه‌های بزرگ دشمنان ملت ایران، ایجاد تفرقه و شکاف در داخل بوده است؛ به بهانه‌ی قومیت، به بهانه‌ی مذهب، به بهانه‌ی گرایشهای سیاسی، به بهانه‌ی جناح‌بندی‌ها، به بهانه‌های گوناگون. اتحاد را باید حفظ کرد. خوشبختانه ملت ما آگاهند. همه‌ی کسانی که به کشورشان علاقه‌مندند، به نظام مردم‌سالاری دینی - که مایه‌ی افتخار امروز ملت ایران است - علاقه‌مندند، باید با هم هماهنگی داشته باشند.^{۲۶۵}

بحمدالله ملت، ملت با اتحادی است؛ ملت هوشیاری است. ملت ایران واقعا هوشیارند. یک جاهائی ما دیده‌ایم و تجربه کرده‌ایم که از احساسات خودشان صرف نظر کرده‌اند، تحریکات دشمن را بی‌اثر گذاشته‌اند؛ برای خاطر حفظ اتحاد.^{۲۶۶}

راهی که ملت ایران انتخاب کرده، راه درستی است؛ حضور در صحنه، رها نکردن این دستاورد بزرگ. مسائلی جزئی، اختلافی، اهمیتی ندارد. بگو مگوهای که این گروه با آن گروه، این آدم با آن آدم دارد، اینها اهمیت ندارند. اینها چیزهای جزئی است. خانواده‌ی انقلاب باید یکپارچگی خودش را حفظ کند. بنده اول امسال گفتم: «اتحاد ملی»؛ یعنی خانواده‌ی ملت، خانواده‌ی انقلاب وحدت خود را، درونگرایی

^{۲۶۵} (۱۳۹۰/۰۱/۰۱) بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی

^{۲۶۶} ۱۳۸۷/۰۲/۰۴

خود را نسبت به یکدیگر، اتصال و چسبندگی را به یکدیگر حفظ کنند؛ نگذارند و اگرایی به وجود بیاید. ملت بحمدالله خودش این توصیه را آویزه‌ی گوش دارد؛ احتیاج به گفتن ما هم شاید نبود. ما هم تابع همین عقلانیت عظیمی هستیم که در ملتمان هست؛ ما هم به ملت عرض کردیم و آنها هم نشان دادند که همین‌جور است.^{۲۶۷}

❖ ه. عرصه ایثار و شهادت

یک کشور، یک نظام، یک تمدن، بدون فداکاری و قربانی دادن و خون دادن که به جایی نرسد.^{۲۶۸} آنچه که ملتها را، هم در تاریخ و هم در دوران خودشان، در میان ملت‌های عالم سربلند میکند، مجاهدت است، تلاش است. این تلاش، البته شکل‌های گوناگونی دارد؛ هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم تلاش به معنای تعاون اجتماعی میان افراد، همه لازم است؛ اما در رأس همه‌ی این تلاش‌ها، آمادگی برای جان‌فشانی است که یک ملت را در میان ملتها سرفراز میکند. اگر در میان هر ملتی کسانی وجود نداشته باشند که آماده باشند از جان خود، از راحت خود، در راه رسیدن به آرمانها صرف‌نظر کنند، آن ملت به جایی نخواهد رسید. کاری که انقلاب برای ما مردم ایران انجام داد، این بود که این راه را در مقابل ما روشن کرد؛ آحاد ملت ما فهمیدند و احساس کردند که باید در راه آرمانهای بلند، مجاهدت کنند و در مقابل دشمنان این آرمانها بایستند؛ و ایستادند.^{۲۶۹}

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا
ءَاتَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
يَحْزَنُونَ؛ این یک معرفت است، یکی از معارف بزرگ اسلامی است؛ [یعنی] نقش

^{۲۶۷} بیانات در دیدار مردم تبریز، ۱۳۸۶/۱۱/۲۸

^{۲۶۸} بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه ۱۳۸۸/۰۴/۰۷

^{۲۶۹} بیانات در یادمان شهدای شرق کارون ۱۳۹۳/۰۱/۰۶

برانگیزاننده و زنده‌کننده‌ی شهادت در نظام اجتماعی مسلم. شهیدان بشارت می‌دهند به کسانی که به آنها ملحق نشدند - مثل من و شما - که در این راه نه بیم هست، نه اندوه هست؛ هرچه هست بهجت است، ابتهاج است، نشاط است، روحیه است، امید است؛ این درس است. این درس در مجموعه‌ی تاریخ جمهوری اسلامی تکرار شد؛ شهدای ما با انگیزه و با نشاط وارد این میدان شدند، تلاش کردند، و این تلاش آنها که صادقانه بود، با پاداش الهی همراه شد و به شهادت رسیدند... [شهدا] وارد این میدان شدند با نشاط، خدا را ملاقات کردند با رضایت الهی، و در نشئه‌ی پس از مرگ، نه اندوهی به آنها رسید نه بیمی در دل آنها پدید آمد؛ این را منعکس میکنند به جامعه، این را سرریز میکنند به مردمی که به آنها ملحق نشده‌اند. کما اینکه در این سالهای متمادی همین را مشاهده کردیم: هر جا شهادتی اتفاق افتاد، پشت سر آن، افتخار خانواده‌ی شهید بود، احساس عزت بازماندگان شهید بود، هیجان و ابتهاج معنوی و روحیه‌ی مضاعف در مردم بود و تأثیرات اجتماعی فراوان؛^{۲۷۰}

عزیزان من! این، تجربه گرانقدری است. ما امروز یک نسل نوی شاداب تازه به میدان وارد شده‌ای را در کشور خودمان داریم که باید از این تجربه‌ها استفاده کند. از تجربه میدان جنگ که ایستادگی در آن، شهادت و جانبازی و محرومیت از سلامتی و دوری از خانمان و راحتی و فرزندان و عزیزان را داشت، باید استفاده کند. هزاران سختی در میدان جنگ هست که فقط برای کسی که در آن شرایط قرار دارد، قابل لمس است، و لاغیر. تحمل این سختیها، یک کار عظیم است. ایستادگی در میدان نبرد با دشمن، میدانهای اسارت، دوران جانبازی - که جانبازان ما هنوز در میدان مقاومت و ایستادگی هستند - یک کار عظیم محسوب می‌شود. عزیزان جانباز بدانند که مبارزه آنها ادامه دارد. جانبازان ما، در

270. دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای استان تهران ۱۳۹۴/۰۴/۰۶

تمام دوران جانبازی در حال مجاهدتند. این فضیلت، مخصوص آنها و کسان و همسران و خانواده‌هایشان است، تا وقتی که ان‌شاءالله سلامت و عافیت پیدا کنند.

این مجموعه ایثارها، امروز کشور ما را به این جا رسانده است. مگر تصور می‌شد که کوچک و بزرگِ ملتی تنها، بدون هیچ پشتوانه جهانی و بدون هیچ کمک قابل ذکر از سوی هیچ گوشه‌ای از قدرتهای عالم، بتوانند این‌گونه در میدان جهاد مقدّس و دفاع از خود و سازندگی و استقلال و مبارزه با همه نوع فشارهای دشمنان قلدر ایستادگی کند و روزبه‌روز دشمنان را متعجّبتر نمایید؟ مگر ممکن بود که بدون این گذشته‌ها و این ایثارها و این فداکاریها، ما به این جا برسیم؟ هر کدام از شما که این جا هستید؛ چه آزادگان عزیز، چه آنهایی که هنوز دریندند، چه خانواده‌هایتان، چه فرزندانان، چه پدران و مادرانان، چه همسرانان، چه خانواده‌های شهدا، چه خانواده‌های جانبازان، چه فرزندان شهدا، و همه کسانی که به نحوی رنجها را بر جسم و جان خودشان تحمل کردند، ایثارگران و پشتیبانی کنندگان، هر کدام به سهم خودشان در به وجود آمدن این ذخیره عظیم و تمام نشدنی و بی‌نظیر ملت ایران سهیم هستند. هر کدام از شما اگر این فداکاری‌ای را که کردید، نمی‌کردید؛ این صبری را که کردید، نمی‌کردید؛ این مجموعه‌ای که امروز در اختیار ملت ایران است، به وجود نمی‌آمد و این موفقیتها هم عاید انجام نمی‌شد. این، درس قرآن است. در تاریخ عالم، عمر ملتها یک ساعت است. به نظر ما طولانی می‌آید؛ اما وقتی که به گذر جریان تاریخ نگاه می‌کنید، هر کدام از این ملتها ساعتی هستند و می‌آیند و می‌روند. این ساعت را طولانی کردن، خوب کردن و با افتخار به وجود آوردن، به دست آحاد ملتهاست. قرآن، این را به ما درس داده است. تجربه آن هم سخت است؛ لذا ملتها غالباً

تجربه نمی‌کنند و توسریش را می‌خورند و سختیهایش را هم تحمل می‌کنند. اما ملت ما این تجربه را انجام داد. این را قدر بدانید؛ خیلی عظیم است.^{۲۷۱}

در همین شهر کرمانشاه برای من نقل کردند که جعفرآباد بمباران شده بود، یک خانواده‌ای زیر آوار هلنده بودند. بچه‌های فرمانداری رفتند کمک کردند، اینها را از زیر آوار بیرون آوردند. پیرمرد پدر این خانواده بعد برای تشکر به فرمانداری آمده بود. تشکر میکرد که به من کمک کردید. مسئولین فرمانداری به او گفتند شما فهرست خسارتها را بدهید که ما به شما کمک کنیم و جبران خسارتها بشود. در این نقل، این پیرمرد گفت: حیف است از تو همشهری! مگر من برای جیفه‌ی دنیا اینجا آمده‌ام؟ ببینید، او کرمانشاهی است ها! این تعبیر، همان تعبیر پرگذشت و پر اغماضی است که یک انسان والا انجام میدهد. از این نمونه‌ها در این شهر شما و استان شما فراوان است. در همه‌ی مناطق عملیاتی غرب و جنوب غربی و شمال غربی، از این نمونه‌ها میشود پیدا کرد. اینها چیزهایی است که در ملتهای دیگر پیدا نمیشود. یک نمونه‌های برجسته‌ی اینچنین را، آن هم با این فراوانی، نمیشود پیدا کرد.^{۲۷۲}

ما در این هشت سال فداکاری داشتیم؛ شوخی که نیست. همین برادران جانباز و آزاده‌یی را که ملاحظه میکنید، هر حادثه‌یی که برایشان اتفاق افتاده، و هر تجربه‌ی مخلصانه‌یی که اینها یا خودشان نشان دادند یا در دیگری دیدند، به نظر من کافی است تا انسانهایی را هدایت کند. این حادثه‌ها و تجربه‌ها، ماها را واقعاً هدایت میکنند.^{۲۷۳}

۲۷۱. بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا ۲۹/۰۵/۱۳۷۶

۲۷۲. بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه ۲۰/۰۷/۱۳۹۰

۲۷۳. بیانات در دیدار مسئولان دفتر هنر و ادبیات مقاومت ۲۵/۰۴/۱۳۷۰

خانواده‌ها عزیزانشان را در این راه از دست داده‌اند. به هر حال مرگ می‌آید، جوان و پیر هم ندارد. می‌بینید دیگر؛ این روزها جوان بیست و پنج ساله، سی ساله، سی و پنج ساله سخته میکند، مریض میشود، سرطان میگیرد و از دنیا میرود. مرگ او هم برای پدر و مادرش اجر دارد، برای همسر و فرزندش اجر دارد، اما آن مرگ کجا، این مرگ کجا! این شهادت در راه خدا است، این زنده ماندن در نزد پروردگار و در زیر سایه‌ی نعمت و رزق پروردگار است؛ [جایگاه] عظیمی است که همه‌ی ما آرزو داریم. بنده خودم را از این شهیدان شما، از این جوانان شما خیلی کوچک‌تر میبینم؛ اینها بر ما ترجیح دارند، اینها از ما جلوترند. شما پدرها و مادرها هم که گذشت کردید از ما جلوترید. در مقام حرف، همه‌مان میگوییم که حاضریم در راه خدا چنین کنیم، چنان کنیم؛ خب حرف است، مایه‌ای ندارد؛ پای عمل که به میان می‌آید، آنجا است که نشان میدهد چه کسی مؤمن است، چه کسی صدیق است، چه کسی «صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» است. شماها، هم پدرها، هم مادرها و هم همسرها، این امتحان را دادید و نشان دادید که جزو کسانی هستید که به خدای متعال راست گفتید؛ این را که گفتید "ما حاضریم در راه خدا فداکاری کنیم"، در عمل اثبات کردید. خوشا به حالتان! خدا ان شاء الله از شماها قبول کند که قطعاً قبول میکند^{۲۷۴}.

چطور میشود که رویشها در یک ملت از ریزشها بیشتر است؟ بله، ریزشهای وجود دارد؛ کسانی هستند که از راه برمیگردند، کسانی هستند که احساس خستگی میکنند، کسانی هستند که به گذشته‌ی خودشان شک میکنند، کسانی هستند که به لیخند دشمنان و فریب دغلكاران از راه در میروند؛ اما در مقابل، مردان و زنان شجاع آگاه آشنا با حقایق

274. گزیده‌ای از بیانات در دیدارهای خانواده‌های شهدای مدافع حرم

زمانه و مسلط بر بسیاری از مسائل گوناگون سیاسی - که آن روز مطرح نبود و وجود نداشت - در جامعه‌ی ما حضور دارند؛ اینها رویشهای جدیدند. امروز وضع ما اینجوری است. یک عده‌ای به بعضی از ظواهر نگاه میکنند، قضاوت‌های غلط میکنند؛ خیال میکنند که جوانها از دین برگشته‌اند. نخیر؛ جوانها علاقه‌مند به این راهند، علاقه‌مند به آن چیزی هستند که ایمان به آن در دل آنها راسخ است؛ و این مربوط به اکثریت جوان این کشور است؛ و این از برکت خون شهداست؛ و این به برکت فداکاری عزیزان شما و جوانهای شماست. شما جوانانتان را بزرگ کردید، زحمت کشیدید، تربیت کردید، مثل دسته‌ی گل به جامعه تحویل دادید؛ آنها رفتند در راه خدا شهید شدند. همه‌ی ملت ایران باید سپاسگزار شما باشد. همه باید یاد شهیدان را گرامی بدارند. فرزندان شهدا باید به پدران خود افتخار کنند. فرزندان شهدا باید راه و میراث پدران خود را به نسلهای بعدی بسپارند. ملت ایران به شهیدان خود افتخار میکند. ما به ارادت و اخلاص به خانواده‌های شهیدان افتخار میکنیم و معتقدیم شهدا در خط مقدم حرکت کردند؛ پشت سر آنها بلافاصله پدران و مادران و همسرانند؛ ایستادگی کردند، ایثار کردند. امروز به برکت این ایثار، حرکت عظیم انقلابی ملت ما برقرار است و ان‌شاءالله روزبه‌روز مستحکمتر و باثبات‌تر خواهد بود.^{۲۷۵}

۲. ۱۶/۰۲/۱۳۸۰. بیانات در دیدار بسیجیان و پرسنل سپاه پاسداران استان گیلان

۳. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران

۱۳۹۱/۷/۲۲ . ۲۷۵